

هفته

سال پانزدهم - پنجشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۱ / ۲۵ اوت ۲۰۲۲

۶۹۴

بها: ۳۵ دلار

www.hafteh.ca



Photo: istockphoto

نجات دو کودک کانادایی در تورنتو توسط جوان ایرانی

مسعود نظری: می گفتند دنبال در دسر نگرد

گزارش هفته از بازخوردهای ایرانیان کانادا: کمک کردن یا دنبال در دسر نگشتن؟

تورنتو



تغییرات سیستم درمان اناریو و نکاتی که باید درباره آن بدانید

ونکوور



حسین امانت، معمار نماد ماندگار تهران

مونترال



رقص، موسیقی و فرهنگ ایرانی در فستیوال اوریا تالیس مونترال

آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مکونن و تجاری شما
در مونترال و حومه

برای ارزیابی رایگان ملک خود،
خرید خانه رویایی تان،
دسترسی به پیش فروش های معتبر،
سرمایه گذاری در املاک درآمد زا و تجاری، روی
"توانایی"، "تجربه"، "ارتباطات" و "دانش" ما حساب کنید.





دکتر شریف
دکتر البزال
دکتر دالیوال
دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Dhaliwal
Dr. Linda Attar

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire
soleil-brossard.com



RE/MAX
3000

Tranquillité **بیجه منحصر به فرد**

هایک هارتونیان MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی و درآمدزا در استان کبک

(514) 574 6162

موفقیت ما محصول رضایت شماست



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره
- **پروسه رایگان برای خریداران**

Hayk Hartounian MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

کازم تهرانی

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker

مشاور رسمی املاک در کبک
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



سالن تجاری برای فروش یا اجاره

مساحت: ۱۴۰ مترمربع
در منطقه شلوغ Jean-Talon.

واقع در ساختمان تجاری، مسکونی، در میان ۳۰۰ کانادو،
دارای تهویه مطبوع سرد و گرم، انباری، اتاق برق، برق سه فاز،
سال ساخت ۲۰۱۷

برای مشاقتی چون فروشگاه (دارای cold room)، دفتر کار،
کلینیک، آتلیه و غیره
این ملک با ملکی دیگر در تهران و یا شمال هم معاوضه می‌شود

قیمت فروش: ۶۶۸ هزار دلار (بعلاوه مالیات)

قیمت اجاره: ۶۱۰۰ دلار (بعلاوه مالیات)

Centris No: 25599944



اکازیون - رستوران-بار

قیمت فروش: ۱۵۰ هزار دلار - بعلاوه مالیات

مساحت: ۳۷۱ مترمربع

محل: نزدیک به مرکز خرید در Boul Decarie
(یک دقیقه تا Metro Cote-Vertu) درآمد خوب از بار،
امکانات: درآمد عالی از ۵ ماشین Loto-Quebec،
امکان گسترش صندلی‌های رستوران به ۶۰ نفر،
درآمد از ماشین ATM، جواز برای الکل، و...
تمامی وسایل مربوط به بار و رستوران واگذار می‌شود

972 Boul. Decarie, Montreal (St. Laurent)

Centris No: 9394390

- پیش فروش املاک در تمام مونترال
- مشاوره رایگان برای املاک درآمدزا
- ارزیابی رایگان منزل شما

۱۵۰۰ دلار هزینه محضر
هدیه ما برای خریدارن ملک

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک به همراه یک تیم حرفه‌ای

Sutton®

514 - 971 - 7407

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

Sutton



ارزیابی رایگان

(514) 827-6364

fhemaatiyan@sutton.com

جنب اخوان و نیش دیجیتال و صرافی رویال 6160 Rue Sherbrooke west Montreal H4B 1L8

مشاور املاک مسکونی و تجاری

فیروز همتیان

با تجربه ۲۰ سال در املاک و ۳۸ سال در سابقه کسب و کار در مونتreal

گشایش یافت، دفتر امور املاک همتیان

- مشاور ارشد املاک در مونتreal و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وامهای مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



Firouz Hemmatiyan

Courtier Immobilier Agréé
Certified Real Estate Broker



یادبود: علیرضا کاویانی
غولی آرام بر صندلی چرخ‌دار
یادبود احمد شاملو با تاخیر

روایت: نیما قاسمی
کوه آزارات
از اوین تا مونترال (۸)

دانش و اندیشه: قمر فلاح
پدیدار شناسی مهاجرت (۴)
دگرگونی‌های فردی ناشی از مهاجرت



معصومه‌علی محمدی
اثبات رابطه در برنامه مهاجرتی کفالت همسر
چگونه صورت می‌گیرد؟

گروه ترجمه هفته
بررسی‌های موسسه نظرسنجی استاتیس نشان
می‌دهد:
کانادا دومین گزینه محبوب ایرانی‌ها برای
مهاجرت

گروه ترجمه هفته
شکیب نصرالله از دانشگاه زیرزمینی تهران تا
دانشگاه مک‌گیل:
رؤیایی نداشتیم، فقط می‌خواستیم زندگی
کنم



پگاه شریفی
نجات دو کودک کانادایی از مرگ توسط جوان
ایرانی در تورنتو
مسعود نظری: می‌گفتند دنبال در دسر نگرد
ایرانیان کانادا به نجات جان دو کودک توسط
هموطن تورنتویی خود چگونه واکنش نشان
دادند؟

گزارش ویژه
شاهین شهبازی اصل
چگونه سفر زوجی ایرانی به کانادا منجر به
تراژدی و هزینه‌ی میلیون دلاری شد

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال پانزدهم - شماره ۶۹۴
پنجشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۱ / ۲۵ اوت ۲۰۲۲
بها: ۲/۵ دلار

اشتراک سالانه: ۱۶۰ دلار / دانشجویی: ۹۰ دلار
اشتراک سالانه برای موسسه‌ها: ۳۲۰ دلار

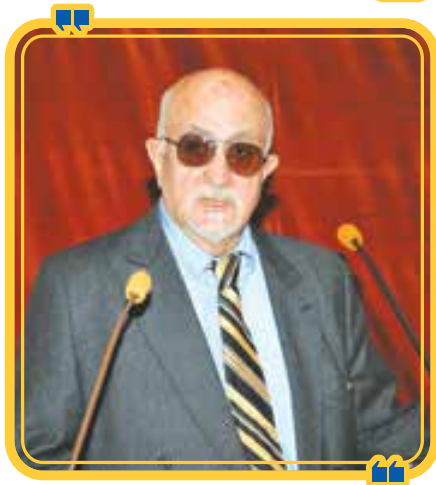
تطبیقات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:
پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارچ
پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مردخام

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
■ www.hafteh.ca
■ info@hafteh.ca
■ news@hafteh.ca
■ ad@hafteh.ca
■ ISSN1918-4379Hafteh

Head Office:
1980 Sherbrooke St. W.
Suite: 900
Montreal, Quebec, H3H 1E8



آریانا: نرگس هاشمی
به یاد اکرم عثمان، داستان‌نویس مشهور
افغانستان

آریانا: گفت و گو؛ حبیب عثمان
ذبیح ثبات عضو سابق تیم ملی بسکتبال افغانستان:
بعد از پیروزی تیم‌مان رئیس جمهور مرا به
کشورم دعوت کرد

۵۶ جامعه

جامعه؛ گروه ترجمه هفته
افول زبان فرانسوی در کانادا ادامه دارد
دوزبانه‌ها در کبک از فراتکوفون‌ها بیشتر
درآمد دارند

دانش؛ گروه ترجمه هفته
نقص امنیتی در محصولات اپل؛
هکرها کنترل دستگاه‌ها را در اختیار می‌گیرند

سلامت تن و روان؛ مهسا زالی بیگی
شما می‌توانید زندگی زناشویی خود را
نجات دهید، پیش از آنکه دیر شود

۶۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی؛ مهسا عباس پور
املت شاکشوکا
سرگرمی؛ خاطره تحویل‌داری یکتا
طنز و حکایت و سرگرمی



یادداشت؛ احمد زیدآبادی
از یهودستیزی تا اسلام‌ستیزی

سیاست؛ نوشته ماریا مورانی؛ ژورنال دو مونرویل
ترجمه؛ اشکان امیری
کارگران خارجی، بردگان جدید در خدمت
کبک

سیاست؛ گروه خبر هفته
نامه‌ی نویسندگان، دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران
ایرانی، حمله به سلمان رشدی را محکوم کردند

اقتصاد؛ آرمین آریان پور
آیا تورم در کانادا به قله رسیده است؟

اخبار باهمستان: سیده صالحی
آریانا: نرگس هاشمی
مهاجرت: معصومه علی محمدی
ادبیات: گروه ادبیات هفته
سلامت: دکتر الهام گرامی
حقوق: نیوشا ریاحی
اقتصاد: آرمین آریان پور
گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده
مدیر فنی وب سایت: بهمن عسگری پور



گزارش ویژه؛ پگاه شریفی
دوست پسر سابق الناز که متهم به تلاش برای
قتل و آدم‌ربایی است؛
در جلسه دادگاه و وثیقه در جواب سوال‌ها می‌خندید
پلیس: محمد لیلو کمک نمی‌کند
وکیل لیلو: او متهم نیست
بیش از ۲۰۰ روز از ربوده شدن این دختر ایرانی در
ساحل واساگابج گذشت

گزارش ویژه؛ شاهین شهبازی اصل
تغییرات سیستم درمان انتاریو و نکاتی که
باید درباره آن بدانید

چهره‌ها؛ شاهین شهبازی اصل
حسین امانت، معمار نماد ماندگار تهران

سردبیر: خسرو شمیرانی
سردبیر آنلاین: آرشد مجیبی
مدیر بازرگانی: محمد پرورنده
طراح و صفحه‌آرا: آتلیه هفته
کاریکاتوربست: سیروس یحیی آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی
اخبار کانادا: گروه خبر هفته

به کدام سو می‌رویم: «مسعود»‌های بیشتر یا انفصال نهایی از صفت «انسان»

در پرونده این شماره روایت ماجرا از زبان آقای مسعود نظری و همچنین گزارشی از بازخوردهای ایرانیان کانادا ارائه شده است.

اما راستی مرز امر مهم مسئولیت اجتماعی کجاست و این مسئولیت در کجا شروع می‌شود؟ آیا جامعه ما بیش از حد در برابر درد دیگران کرخت نشده است؟ اگر پاسخ منفی است چگونه می‌توانیم صدای گریه ادامه‌دار کودکان را نشنیده بگیریم؟ آن هم برای ساعت‌ها و حتی روزها؟

آیا تمایل روزافزون به آسایش فردی «من» جایی برای دیدن واقعیت اجتماعی بودن انسان باقی نمی‌گذارد و ما به‌مرور حیاتی بودن اهمیت تعلق به جامعه را فراموش می‌کنیم؟ آیا گسترش روزافزون ابزارهای مدرن همچون اینترنت، موبایل‌های هوشمند و هوش مصنوعی در بستر فرهنگ فردگرایی افراطی انسان را به‌سوی فاصله هرچه بیشتر از خودش خواهد راند؟ و ما روزی بیدار می‌شویم که دیگر دیر شده است؟

امیدوارم در جامعه انسانی ما روند به سمت‌وسویی برگردد که تعداد «مسعود»‌ها بیشتر و بیشتر شود.

می‌گیرد، بعد از آمدن و رفتن پلیس دوباره با پلیس تماس می‌گیرد و بعد از روشن شدن ابعاد ماجرای وحشت‌انگیزی که اتفاق افتاده بوده تازه همسایه‌ها متوجه می‌شوند چگونه سهل‌انگاران خود را از موضوعی کنار کشیده بودند که باید دغدغه‌شان می‌شده: مرگ و زندگی دو کودک در همسایگی آنها تحت شرایطی غم‌انگیز و ترسناک.

مسعود صدای گریه کودکان را می‌شنود و آن را پیگیری می‌کند درحالی‌که بسیاری از همسایگان تصمیم می‌گیرند صدای گریه کودک را که حتی بعد از یکی دو روز شنیده می‌شده ناشنیده بگیرند. راستی چه چیزی سبب می‌شود که ما غمناک‌ترین صدا را، صدای گریه یک کودک را نشنیده بگیریم. آیا همه ما چنین می‌کنیم؟ دست کم مسعود نظری تصمیم گرفت چیز دیگری را نشنیده بگیرد. او تصمیم گرفت این توصیه رایج را نشنیده بگیرد که می‌گوید «برای خودت دردرس درست نکن» و نتیجه این شد که دو کودک از سرنوشتی ناگواری نجات یافتند.

این داستان بعد از درج در شبکه‌های اجتماعی هفته بازخوردهای فراوانی را برانگیخت. گروه بزرگی از مخاطبان واکنش نشان دادند.



انتشار خلاصه‌ای از داستان نجات دو کودک توسط یک جوان ایرانی در تورنتو، در شبکه‌های اجتماعی هفته، بحثی را ایجاد کرد که این روزها بیشتر از هر زمانی دیگری به آن نیاز داریم: من در برابر «دغدغه‌های» دیگران تا کجا و چقدر مسئول هستم.

همان‌طور که در مقاله اصلی این شماره حکایت شده ماجرا از آنجا شروع شد که یک جوان ایرانی صدای گریه یک کودک را از خانه شماره ۶۱ خیابان پلهام، واقع در مناطق مرکزی تورنتو شنید. این جوان، آقای مسعود نظری به هفته گفته است که با همکارانش مشغول کار ساخت‌وساز در همسایگی ساختمان مذکور بود که صدای گریه کودک توجه‌اش را جلب کرده است. صدا را پیگیری می‌کند، با همسایگان صحبت می‌کند، با پلیس تماس



اخبار گزارش‌ها





پاپ فرانسیس در کنار کاردینال اوئله در ۳۰ سال ۲۰۲۲

رسوایی‌های جنسی کلیسا ادامه دارد: این بار انگشت اتهام به سمت جانشین بالقوه پاپ بلند شد

آلن آرسنال که وکالت شاکیان این پرونده را بر عهده دارد، یادآوری می‌کند که اوئله در زمان وقایع در مقام اسقفی قرار داشت و تصمیم‌گیرنده اصلی درباره استخدام کارگران و کارآموزان خودش بود. در آن زمان آقای اوئله یک مرد قدرتمند و مشهور کلیسا با ۶۰ سال سن بود اما طرف مقابلش یک زن جوان ۲۰ ساله بود که با اعتماد کامل به سمت این مقام بلندپایه کلیسا آمده بود بنابراین حق داشت که از دیدن رفتار آزاردهنده‌اش شوکه شود.

خانم ف در دادخواست جمعی تأکید کرده که فقط او نبوده که چنین رفتاری را از کاردینال اوئله دیده است. گفتنی است مارک اوئله در سال ۲۰۱۰ به رم فراخوانده شد و به سمت مسئول جامعه اسقف‌ها منصوب شد.

تا کنون متهمان این پرونده یا وکیل آن‌ها درباره وقایع افشاشده اظهار نظری نکرده‌اند. / منبع: شبکه خبری رادیو کانادا

استفاده‌ها در زمان وقوع جرایم زیر سن قانونی بوده‌اند.

کاردینال اوئله با اختلاف زیاد نسبت به دیگر اعضای کلیسا که در این اقدام قضایی انگشت اتهام به سمتشان بلند شده، از شهرت و مقام بسیار بالاتری برخوردار است. باین حال کاردینال اوئله با هیچ اتهام جنایی روبرو نیست.

مشخصاً در مورد مربوط به کاردینال اوئله، فرد خواهان که هویت او در اسناد به صورت خلاصه خانم «ف» آمده است، مدعی شده که بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ که یک دوره آموزشی را می‌گذرانده، کاردینال اوئله رفتاری ناراحت‌کننده با او داشته که اصلاً در شأن و مقام یک شخصیت مهم کلیسا نبوده است. شاکی مدعی شده که کاردینال اوئله بارها او را به شکلی آزاردهنده در آغوش خود فشرد، شانه‌های او را مالیده و پشت او را تا مرز باسنش نوازش کرده است و با این کار حس بسیار ناراحت‌کننده‌ای در او ایجاد کرده است به طوری که کارآموز جوان تصمیم می‌گیرد از آن پس تا حد ممکن با کاردینال روبرو نشود.

ظاهراً ماجرای رسوایی سوء استفاده‌های جنسی شخصیت‌های بزرگ و کوچک کلیسای کاتولیک تمامی ندارد و بار دیگر تشت رسوایی‌دها شخصیت دیگر واتیکان از بالای بام به پائین افتاده است.

نام مارک اوئله Marc Ouellet، کاردینال متنفذ و قدرتمند واتیکان که از او به‌عنوان جانشین بالقوه پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان هم یاد می‌شود، در فهرستی گنجانده شده است که در چارچوب یک اقدام قضایی جمعی علیه بهره‌برداری‌ها و تجاوزهای جنسی در سال‌های ۱۹۴۰ در اسقف‌نشین کبک تهیه شده است.

این اولین بار است که پای کاردینال اوئله به چنین ماجرای باز می‌شود.

نزدیک به ۸۰ تن از روحانیون کلیسا که اکثرشان کشیش هستند، هدف این دادخواست قضایی جمعی قرار گرفته‌اند. این پرونده در ارتباط با سوء استفاده‌های جنسی اعضای کلیسا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که زندگی بیش از یک‌صد نفر را تحت تأثیر قرار داده، تهیه شده است. اکثر قربانیان این سوء

نیاز انترایو به ۱.۵ میلیون خانه جدید؛



یافته‌های این پژوهش، سه منطقه استان انترایو شامل Thunder Bay و Timiskaming و Cochrane نیازمند خانه‌های کمتری خواهند بود. این گزارش می‌گوید در حالی که حزب حاکم در انترایو اعلام کرده است که در ۱۰ سال آینده به این معیار ساخت مسکن جدید می‌رسند، اما برای تحقق این هدف باید برخی از سیاست‌ها اصلاح شود. به گفته محققان این گزارش راهبردی، «دولت انترایو به یک برنامه جامع برای رفع موانع و تنگناهای ساخت مسکن جدید نیاز دارد، زیرا همین تنگناها فرایند ساخت‌وساز مسکن در دهه آینده را محدود خواهد کرد.» نویسندگان این گزارش پژوهشی، مایک موفات، آلیسون دودو و مریم حسینی هستند که به نظر می‌رسد خانم مریم حسینی با توجه به نامشان، ایرانی تبار باشند. / منبع: وبسایت شبکه خبری گلوبال نیوز

هم نیاز وجود خواهد داشت. طبق داده‌های این گزارش، منطقه پیل به ساخت ۲۷۷ هزار خانه جدید نیاز خواهد داشت. در رتبه بعدی، تورنتو قرار دارد که به ۲۵۹ هزار خانه جدید نیازمند خواهد بود. در رتبه سوم هم منطقه یورک قرار دارد که به ۱۸۰ هزار و ۱۰۰ مسکن تازه نیاز خواهد داشت. اتاوا نیز به ۱۰۰ هزار و ۱۰۰ خانه جدید نیاز خواهد داشت. هالتون با ۹۰ هزار و ۴۰۰، دورهام با ۸۹ هزار و ۹۰۰، واترلو با ۷۰ هزار، منطقه سیمکو با ۶۹ هزار و ۹۰۰، همیلتون با ۵۲ هزار و ۴۰۰ و منطقه Middlesex با ۳۹ هزار و ۵۰۰ مورد نیاز و تقاضا به ساخت خانه جدید، در رتبه‌های بعدی پرنیازترین مناطق انترایو برای ساخت خانه‌های جدید قرار دارند. البته در همه مناطق انترایو هم نیاز به افزایش ساخت خانه جدید، وجود نخواهد داشت. طبق

گزارش جدیدی از یک اندیشکده مستقر در اتاوا نشان می‌دهد که استان انترایو باید در یک دهه آینده، یک و نیم میلیون مسکن جدید بسازد تا از این طریق بتواند خود را با تقاضاهای جدید مسکن، هماهنگ کند و از تقاضاها عقب نماند. طبق این گزارش، ۴۸ درصد این تقاضاهای جدید مسکن نیز از سه منطقه خواهد بود: تورنتو، منطقه یورک و منطقه پیل.

در این گزارش که از سوی مؤسسه سیاست هوشمند دانشگاه اتاوا تهیه شده، اعلام شده است که در حال حاضر با کمبود نزدیک به نیم میلیون خانه در انترایو روبرو هستیم که با رشد استان، به حدود یک میلیون خانه دیگر

افزایش شمار فارسی‌زبانان کانادا



عربی، ترکی و تیگریگنا (زبانی رایج در اریتره). آمار کانادا خاطر نشان کرده است که پایگاه داده مهاجرتی نشان می‌دهد که تقریباً یک چهارم ساکنان دائمی که از مه ۲۰۱۶ تا دسامبر ۲۰۲۰ وارد کانادا شده‌اند متولد یک کشور آسیای جنوبی بوده‌اند و از هر پنج نفر یک نفر در هند متولد شده است. علاوه بر این، در همان دوره، حدود ۱ نفر از هر ۱۰ ساکن دائمی که وارد کانادا شده است، در چین یا فیلیپین متولد شده، جایی که به ترتیب به ماندارین و تاگالوگ صحبت می‌شود. از نظر زبان‌های اروپایی، تعداد کانادایی‌هایی که عمدتاً به ایتالیایی، لهستانی یا یونانی در خانه صحبت می‌کنند، بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ کاهش یافته است. این کاهش در درجه اول به پیر شدن گویشوران این زبان‌ها مربوط می‌شود و نیز این که اخیراً مهاجران نسبتاً کمی از ایتالیا، لهستان یا یونان وارد کانادا شده‌اند. صرف نظر از زبان مادری، اکثر مردم کانادا به یکی از دو زبان رسمی به خدمات دسترسی دارند. انگلیسی و فرانسوی هنوز رایج‌ترین زبان‌هایی‌اند که در کانادا صحبت می‌شود و ۹۰ درصد کانادایی‌ها حداقل به یکی از این دو زبان حرف می‌زنند. / منبع: وبسایت‌های آمار کانادا و گلوبال نیوز

کانادا (انگلیسی و فرانسوی) صحبت می‌کند. در این میان، ماندارین و پنجابی رایج‌ترین زبان‌های غیررسمی هستند که بیش از یک میلیون نفر عمدتاً به یکی از آنها صحبت می‌کنند. دفتر آمار کانادا به افزایش بی‌سابقه‌ای در رشد تعداد کانادایی‌هایی که عمدتاً به زبان‌های آسیای جنوبی، مانند گجراتی، هندی یا مالایایی، صحبت می‌کنند، اشاره داشته که این افزایش هم ناشی از مهاجرت بوده است.

اریک کارون مالنفانت، معاون مرکز جمعیت‌شناسی در آمار کانادا، می‌گوید: «نتایجی که امروز منتشر کردیم تا حد زیادی نشان می‌دهد که روندها در کانادا ادامه دارد. روندهایی که نشانگر رشد شمار کسانی است که زبان‌شان متفاوت از فرانسوی و انگلیسی است و این به مهاجرت مربوط می‌شود.» بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱، تعداد کانادایی‌هایی که عمدتاً به یک زبان غیررسمی در خانه صحبت می‌کنند، ۱۵ درصد افزایش یافته و از چهار میلیون نفر به حدود ۴.۶ میلیون نفر رسیده است.

به‌غیر از زبان‌های آسیای جنوبی، زبان‌های دیگری که عمدتاً در خانه صحبت می‌شوند و در حال افزایش هستند عبارت‌اند از زبان‌های پارسی، اسپانیایی، تاگالوگ (زبان فیلیپینی‌ها)،

بر پایه‌ی واپسین آمار کانادا (آمار سال ۲۰۲۱) که به‌تازگی منتشر شده است بیش از ۴۳۵ هزار نفر در کانادا زبان پارسی را می‌دانند که این نشان‌دهنده‌ی افزایش شمار فارسی‌دانان و فارسی‌زبانان کانادا است.

بر پایه‌ی آمار این دفتر ۴۳۵ هزار و ۸۵۰ تن گفته‌اند که زبان پارسی می‌دانند، ولی روشن نیست که دفتر آمار کانادا به چه جهت زبان پارسی را که به انگلیسی Persian Language خوانده می‌شود در انگلیسی به شاخه‌های، Parsi، Dari و Persian Languages و Farsi دسته‌بندی کرده است! از دیگر زبان‌های ایرانی نیز ۹۸۵ تن بلوچی، ۲۴ هزار و ۳۵ تن زبان‌های کردی و ۳۱ هزار و ۷۰۰ تن نیز پشتو می‌دانسته‌اند.

همچنین، به گزارش هفته و به نقل از «گلوبال نیوز»، آمارهای سرشماری تازه‌ی دفتر آمار کانادا گویای آن است که مهاجرت سبب افزایش شمار کانادایی‌هایی شده است که به انگلیسی یا فرانسوی صحبت نمی‌کنند.

داده‌های سال ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که از هر چهار نفر یک نفر به زبانی غیر از دو زبان رسمی

گروه هنری موج نو با همکاری کانون نگرش نو برگزار می کند: کارگاه فشرده فیلمنامه نویسی با صفی یزدانیان در تورنتو



در سال ۱۳۹۳ اولین فیلم بلند حرفه‌ای‌اش را با نام در دنیای تو ساعت چند است؟ نوشت و کارگردانی کرد که بسیار مورد توجه محافل هنری و همچنین تماشاگران سینما قرار گرفت. فیلمی که جوایز زیادی را از جشنواره‌های داخلی و خارجی کسب کرد. «ناگهان درخت» آخرین ساخته یزدانیان به دلیل محدودیت‌های کرونا در سال ۱۳۹۹ به صورت اکران آنلاین به نمایش درآمد. یزدانیان علاوه بر نوشتن فیلمنامه‌های دو فیلمی که کارگردانی کرده، فیلمنامه فیلم سیمای (زنی در دوردست) ساخته علی مصفا را نیز نوشته است. کتاب‌های عکس دسته جمعه با پدر خوانده، ترجمه تنهایی (مجموعه مقالات سینمایی) و سینما می‌تواند یک فرشته باشد (ویم وندرس و پاریس تگزاس) از تالیفات صفی یزدانیان و دو کتاب آسمان برلین و آینه از ترجمه‌های این هنرمند است.

علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت اطلاعات و شرایط ثبت‌نام با ایمیل کارگاه به نشانی زیر مکاتبه کنند:

Email: newwaveworkshops@gmail.com

نگاهی به سوابق هنری صفی یزدانیان
صفی یزدانیان، متولد تهران و دانش‌آموخته کارشناسی سینما از دانشگاه هنر تهران است. فعالیت‌های سینمایی را با نوشتن نقد فیلم و همکاری با نشریاتی چون ماهنامه فیلم آغاز کرد و فیلم‌سازی را نیز از میانه دهه ۱۳۷۰ با ساخت مستندهایی چون «هزار ساز در کف من می‌گنجد» و «نفس» تجربه کرد.

در سال ۱۳۸۵ فیلم کوتاه «قایق‌های من» را با بازی لیلا حاتمی و علی مصفا ساخت که جایزه بهترین فیلم داستانی را از جشنواره فیلم کوتاه تهران دریافت کرد. فیلم در جشنواره‌های بین‌المللی متعددی چون سی‌ینا (ایتالیا) و کرک (ایرلند) حضور داشت.

گروه هنری موج نو با مدیریت عارف محمدی، یک کارگاه فشرده فیلمنامه‌نویسی در تورنتو برگزار می‌کند. مدرس این دوره نیز صفی یزدانیان، سینماگر شناخته شده و خالق فیلم به یادماندنی «در دنیای تو ساعت چند است؟» خواهد بود. به گزارش هفته، این کارگاه در یک جلسه سه‌ساعته در تاریخ ۲۶ اوت و از ساعت ۶ تا ۹ شب با همکاری کانون نگرش نو در تورنتو تشکیل خواهد شد. ظرفیت پذیرش محدود است و اولویت با کسانی است که زودتر ثبت‌نام کنند. هنرجویان در صورت رضایت از این کارگاه می‌توانند در کلاس‌های بلندمدت این کارگاه در آینده نزدیک نیز ثبت‌نام کنند.

آدرس برگزاری کارگاه به شرح زیر اعلام شده است:
Yonge St, Unit 706, Thornhill (World Of Yonge)7191

کاوه مدنی رئیس موسسه آب، محیط زیست و سلامت دانشگاه سازمان ملل در کانادا شد



خصوصی و نبود امکان فعالیت گلایه‌مند بود تا این که چند ماه پس از خدمت (بهمن ۹۶) در جریان بازداشت فعالان محیط زیست متهم به جاسوسی بازداشت شد، ولی توانست به بهانه‌ی سفر دیپلماتیک از ایران برود و دیگر برنگردد. او چند ماه بعد هم (فروردین ۹۷) از این سمت استعفا داد.

مدنی همچنین برنده‌ی جوایزی مانند چهره نوین مهندسی عمران، جایزه دانشمندان برجسته جوان آرنه ریشر، جایزه دانشمند جوان علوم آب‌شناسی، جایزه پژوهشی والتر هوبر و جایزه سفیر است. «هفته» نیز این افتخار را دارد که در شبکه‌های اجتماعی خود در خدمت این دانشمند ایرانی باشد.

منبع: وبسایت دانشگاه سازمان ملل

عمران از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد منابع آب از دانشگاه لوند سوئد، فارغ‌التحصیل دکتری مهندسی عمران محیط زیست از دانشگاه کالیفرنیا، دیویس، و پس‌ادکتری در اقتصاد و سیاست محیط زیست از دانشگاه کالیفرنیا، ریورساید، است.

نام مدنی در مجامع علمی جهانی به علت «کمک بنیادی در تلفیق نظریه بازی‌ها و تحلیل تصمیم‌گیری با مدل‌های مدیریت منابع آب» شناخته شده است. در ایران نیز به علت روشنگری‌های که درباره‌ی سیاست‌های نادرست زیست‌محیطی و مدیریت منابع آبی در جمهوری اسلامی داشته شناخته‌ی فعالان این عرصه و نیز جامعه‌ی مدنی ایران است.

در شهریورماه سال ۱۳۹۶، مدنی معاون بین‌الملل، نوآوری و مشارکت فرهنگی - اجتماعی سازمان حفاظت محیط زیست ایران شد. او در طول دوران خدمت کوتاهش در ایران همواره از نقض حریم

«کاوه مدنی»، دانشمند پژوهشگر در زمینه‌ی محیط زیست، با حکم معاون سازمان ملل، به‌عنوان رئیس بعدی مؤسسه آب، محیط زیست و سلامت دانشگاه این نهاد در کانادا معرفی شد. این دانشگاه به میزبانی دولت کانادا و دانشگاه مک‌مستر در همیلتون انتاریو، یکی از ۱۳ مؤسسه‌ی دانشگاه سازمان ملل مستقر در ۱۲ کشور است که در تلاش برای حل مشکلات جهانی بقاء، توسعه و رفاه بشری است. گفتنی است، در کارنامه‌ی مدنی نایب‌رئیس مجمع محیط زیست سازمان ملل برای یک سال، معاونت سازمان حفاظت محیط زیست ایران و استادی مرکز سیاست محیط زیست امپریال کالج لندن به چشم می‌خورد. مدنی دانش‌آموخته‌ی کارشناسی مهندسی

آرون شاهی، مهندس صنایع و رهبر ارکستر در کانادا می خواهد هنر و فناوری را ترکیب کند



یافته یک مهندس، خلاقیت یک هنرمند و روح بلند پروازانه یک رهبر می دانم. من در دنیای مهندسی در حوزه توسعه محصول و مدیریت پروژه متخصص هستم. در دنیای موسیقی هم فعالیتیم را به عنوان سولیست کنسرت آغاز کردم و رفته رفته مسیرم به آهنگسازی و رهبری ارکستر، ختم شد. حالا به عنوان یک ماموریت در زندگی ام و با توجه به شوق و علاقه وافرم به فناوری و هنر، روی ترکیب فناوری های پیشرفته در هنر، بخصوص روی موسیقی، تحقیقاتم متمرکز شده است.»

آرون شاهی (با نام سابق علی محمدشاهی) عضو رسمی کانون آهنگسازان، نویسندگان و ناشران موسیقی کانادا است و به گفته خودش، ذهنش همیشه برای ایده ها و فرصت های جدید باز است و از آن استقبال می کند.

منبع: وبسایت شبکه های [aaronshahi](#) و [linkedin](#) و اینستاگرام این هنرمند

در رشته مهندسی صنایع در دانشگاه علم و صنعت ایران تحصیل کرد. او سپس به کانادا مهاجرت کرد و از سال ۲۰۱۸ تا سال ۲۰۲۱ در دانشگاه کنکوردیای مونترال در مقطع کارشناسی ارشد، فارغ التحصیل شد. از نوامبر ۲۰۲۱ هم در آکادمی Cargair Flight مدرک خلبانی و هوانوردی را دریافت کرد.

او حدود سه سال در دانشگاه کنکوردیا به عنوان دستیار پژوهشی و دستیار آموزشی در مونترال فعالیت داشته است و به عنوان کارآفرین و یکی از بنیانگذاران شرکت تولید محتوای سرگرمی به نام CouchTalk Limited نیز شناخته می شود.

این مهندس و موزیسین ایرانی تبار، هم اکنون به عنوان مدیر پروژه شرکت فناوری Summit Tech در مونترال نیز فعالیت دارد.

آرون در وبسایت شخصی اش هم درباره دیدگاه های هنری و مهندسی اش توضیح می دهد: «من خودم را ترکیبی از ذهن سازمان

آرون شاهی از جمله رهبران ارکستر شناخته شده در کانادا است که اجراهای هنری متعددی در کانادا داشته است. این هنرمند ایرانی تبار در حوزه مهندسی صنایع هم تحصیلات دانشگاهی مرتبط دارد و در این حوزه تخصصی هم در کانادا در حال فعالیت است. به گفته خودش، او علاقه مند به تحقیق در حوزه هایی است که در آن بتواند هنر و فناوری را با یکدیگر در هم بیامیزد.

به گزارش هفته، آنطور که در وبسایت لینکدین آمده، آرون شاهی از سال ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۱۷



کنسرت «موسیقی از ایران» در مونترال برگزار شد



شد. اکثر قطعات این کنسرت بدون کلام بودند ولی در این بین، چند آهنگ با همخوانی سعید فرج پوری و امیر کوشکانی اجرا شد که بسیار مورد استقبال حضار قرار گرفت. این کنسرت که برای معرفی موسیقی سنتی ایران از اواخر دوره قاجار تا به امروز اجرا می شد، توانست در دل یک کلیسای قدیمی شهر مونترال آوای موسیقی ایرانی را به گوش مشتاقان موسیقی از ملیت های مختلف برساند.

از راه می رسیدند، جمعیتی متشکل از گروه های ایرانی و غیرایرانی که یا برای تجدید خاطرات با موسیقی سنتی و اصیل ایران راهی کنسرت شده بودند و یا برای تجربه شنیدن موسیقی متفاوت از دوردست ها.

به جرئت می توان گفت نیمی از جمعیت این کنسرت افرادی از ملیت های دیگر بودند. تا ساعت ۶ عصر که ساعت شروع کنسرت بود، نیمی از ظرفیت سالن زیبای کلیسای Église Saint-Enfant Jésus du Mile End که در محوطه پارکی واقع شده بود، تکمیل شده بود. کنسرتی که یک ساعت و نیم به طول انجامید و در آن قطعات موسیقی قدیمی ایرانی اجرا

کنسرت «موسیقی از ایران» (The music of Persia) که به صورت سه نوازی کمانچه و تار و تنبک برگزار می شد، در یک روز آفتابی ماه اوت در کلیسایی واقع در بلوار سن ژوزف مونترال برگزار شد.

به گزارش خبرنگار هفته، این کنسرت که توسط سعید فرج پوری، امیر کوشکانی و هامین هنری اجرا شد، به عنوان بخشی از فستیوال کنسرت های موسیقی افق های دوردست (Mu-sique, Horizons Lointains) در روز افتتاحیه این فستیوال اجرا شد. در روز چهارشنبه ۱۷ اوت ۲۰۲۲ از حدود ساعت ۱۷:۲۰ جمعیت مشتاق موسیقی سنتی در مونترال یکی پس از دیگری

سپیده صالحی



رقص، موسیقی و زبان فارسی در فستیوال اورینتالیس مونترال

مورد توجه بازدیدکنندگان بود. یکی از برنامه‌های روز ۱۹ اوت که با استقبال هم روبرو شد؛ نواختن ساز دیوان توسط محمدرضا علیزاده بود. نوای این موسیقی؛ فضای سنتی و ایرانی غرفه را دوچندان کرده بود. یکی از بخش‌های بسیار مورد توجه، برنامه رقص کردی بود که توسط دو هنرمند رقصنده دیگر؛ دریا و شایان انجام شد و نه تنها ایرانی‌هایی را که به رقص کردی آشنایی داشتند؛ به شور و هیجان انداخت که افراد دیگری از غرفه‌های اردن و یمن هم برای رقص به این گروه ملحق شدند و فضای چندفرهنگی این فستیوال - که نمودی از واقعیت شهر مونترال است - را برجسته کردند. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به سایت جشنواره هم سری بزنید.

برنامه‌ی غرفه ایرانی بودند. گذشته از برنامه‌ها خود غرفه هم دیدنی بود و حال و هوای وطن را داشت؛ با صنایع دستی ایرانی مانند فرش و گلیم‌های زیبا دکور شده و گلدان‌های شمعدانی رنگارنگ در کنار حوض آبی قرار گرفته بود که می‌تواند قاب کوچکی از یک باغ ایرانی را برای ما در مونترال یادآوری کند. برنامه‌های غرفه ایران در فستیوال اورینتالیس در روز ۱۹ اوت شروع شده بود که طی آن، از جمله خانم نیما مشعوف برنامه آشنایی با زبان فارسی را داشت که مورد توجه بازدیدکنندگان خارجی قرار گرفت. علیرضا فروتن فرد با لباس محلی سیستان و بلوچستان در غرفه حضور داشت و خطاطی می‌کرد. تابلوهای نقاشی مریم حبیبی هم


آخر هفته گذشته، در بندر قدیمی مونترال در محوطه برج ساعت، فستیوال قدیمی و شناخته شده «اورینتالیس» برگزار شد و بسیاری از شما خوانندگان هفته هم فرصت یافتید در آن شرکت کنید و صدا البته از غرفه دیدنی «ایران» بازدید کردید. به گزارش خبرنگار هفته، در روز ۲۰ اوت، برنامه غرفه ایران از ساعت ۱۷:۴۵ با کنسرت فرزاد میلانی شروع شد. دیجی سام در ساعت ۲۲:۱۵ برنامه داشت و گروه رقص سیمرغ یکشنبه ۲۱ اوت، حوالی ساعت ۷ غروب برنامه خود را اجرا کرد. البته برنامه غرفه ایران در فستیوال اورینتالیس (شرقی‌ها) بسیار متنوع بود و به رقص و موسیقی محدود نشد. آموزش و آشنایی با زبان و خط پارسی و برخی دیگر از فعالیت‌ها اجزای



Sahar Samadaei
Courtier immobilier résidentiel

سحر صمدایی
مشاور رسمی املاک مسکونی

Cell: 514.625.2525

 L'Agence
sahar.samadaei@gmail.com

L'AGENCE IMMOBILIÈRE INC. Real Estate Agency
550 - 1 Pl. du Commerce, Île-des-Soeurs, Québec H3E 1A1

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک در آمدزا

EQUIPE
AMYASSAAD
QUALITY IMMIGRATION AGENT & QUALIFIED REAL ESTATE BROKER

مشاوره تخصصی انواع ملک، با ۲۷ عضو مسلط به ۱۸ زبان
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری و درآمدزا
اخذ وام مسکونی و تجاری از بانکها و موسسات مالی

10% PREMIER DES COURTIERES
AU CANADA
AVEC NOTAL LEPAGE
در زمره ۱۰٪ مشاورین برتر املاک در کانادا

AMYASSAAD.CA

امی اسد MANYA NIAZI
INFO@AMYASSAAD.CA MANYA@AMYASSAAD.CA
514 884 8000 514 222 2293



AMY ASSAAD INC. 1489 AVS. 381KUR, MONTREAL, H3H 1C4 | ROYAL LEPAGE DU QUARTIER - AGENCE IMMOBILIERE

 **مینو اسلامی**

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

• تهیه وام مسکن برای
دانشجویان و تازه واردان
• مشاوره و ارزیابی رایگان
• همکاری با یک تیم متخصصان
وام حقوقی و بازرسی فنی و تهیه



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com **514 967 5743**

هفته

نجات دو کودکِ کانادایی از
مرگ توسط جوان ایرانی در تورنتو

مسعود نظری: همه می گفتند دنبال در دسر نگرد



ایرانیان - کانادا به نجات جان دو کودک توسط هموطن
تورنتویی خود چگونه واکنش نشان دادند؟

از سردی کانادایی‌ها
تا بی‌خیالی پلیس

پرونده
هفته

نجات دو کودکِ کانادایی از مرگ توسط جوان ایرانی در تورنتو مسعود نظری: همه می‌گفتند دنبال در دسر نگرد

آیا دغدغه دیگری را دغدغه خود دانستن خطاست؟ بویژه دغدغه‌ی افرادی که نسبت به ما شرایط آسیب‌پذیرتری دارند، مثلا کودکان....
ماجرای آنجا شروع شد که یک جوان ایرانی صدای گریه یک کودک را از خانه شماره ۶۱ خیابان پلهام، واقع در مناطق مرکزی تورنتو شنید. مسعود همراه با همکارانش مشغول کار ساخت‌وساز در همسایگی ساختمان مذکور بود که صدای گریه کودک توجه‌اش را جلب کرد. درحالی که بسیاری از همسایگان تصمیم گرفتند صدای گریه کودک را که حتی بعد از یکی دو روز شنیده می‌شد ناشنیده بگیرند مسعود نظری تصمیم گرفت چیز دیگری را نشنیده بگیرد: «برای خودت دردِ سر درست نکن». او این توصیه آشنا را نشنیده گرفت و آنقدر با پلیس پیگیری کرد تا... نتیجه این شد که دو کودک از سرنوشتی ناگواری نجات یافتند.

این داستان بعد از درج در شبکه‌های اجتماعی هفته‌ها بازخوردهای فراوانی را برانگیخت. گروه بزرگی از مخاطبان واکنش نشان دادند.

در پرونده این شماره روایت ماجرا از زبان آقای مسعود نظری و همچنین گزارشی از بازخوردهای ایرانیان کانادا ارایه شده است.

گروه گزارش هفته

آقای مسعود نظری کارگر ساختمانی و از همراهان اینستاگرام هفته در تورنتو است. او می‌گوید سه سال و چند ماه است که به کانادا آمده و چند ماهی است در یک پروژه ساختمانی در محدوده پلاک ۶۱ پلهام (تقاطع خیابان‌های سن کلا و کیل کار می‌کند.
طبق روایت مسعود زمانی که او مشغول کار بود، صدای گریه کودکی را می‌شنود. او از همکارانش پرس‌وجو می‌کند و آن‌ها هم می‌گویند این صدا را از دیروز شنیده‌اند. مسعود ابتدا فکر می‌کند که شاید صدای رادیو بوده و گرنه یک کودک چرا باید این‌همه مدت گریه کند. با این حال او در میانه کار دوباره به نزدیکی خانه‌ی می‌رود که صدا را از آن شنیده و همانجا مطمئن می‌شود صدا متعلق به یک کودک است که به‌وضوح مادرش را صدا می‌کند و از او می‌خواهد در را باز کند!

روبرو می‌شود و کودکی که در اتاقی گیر افتاده بود. مسعود می‌گوید پس از پایان ماجرا متوجه شده که دو کودک در آن خانه حضور داشتند.
پس از این اتفاق همسایه‌های بی‌تفاوت از مسعود تشکر می‌کنند و به او لقب قهرمان می‌دهند که البته به گفته مسعود برایش اهمیتی نداشته است. مسعود در پایان از شک و دودلی خودش برای کمک و تماس گرفتن با پلیس می‌گوید: «در فرهنگ ما گفته می‌شود در کاری که مربوط به تو نیست؛ دخالت نکن (سری را که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند!) اما حالا می‌بینم ما واقعا باید نسبت به اطرافمان توجه داشته باشیم. شاید کسانی؛ مانند این بچه‌ها نیازمند کمک ما باشند و بتوانیم زندگی آن‌ها را نجات دهیم»
آقای مسعود نظری در پایان عنوان کرد: «رئیس من، آقای رضا شقاعی و همکارم آقای منصور رشیدی هم خیلی نگران بودند و پیگیری‌های زیادی کردند.»

کم‌کم حواس همکاران مسعود هم متوجه صدا می‌شود و در نهایت با پیگیری مسعود و تماس آن‌ها پلیس به محل می‌آید اما هرچه مأموران پلیس در می‌زنند کسی در را باز نمی‌کند. در این میان صدای بچه هم به دلیل نامعلومی قطع شده بود و در نهایت پلیس محل را ترک می‌کند.
مسعود که نمی‌تواند بی‌خیال صدا شود، از همسایه‌ها پرس‌وجو می‌کند. با وجود اینکه بعضی همسایه‌ها صدا را شنیده بودند اما در نهایت می‌گویند پیگیری ماجرا وظیفه پلیس است و اهمیت چندانی به موضوع نمی‌دهند.
مسعود نگران از در پیش بودن روزهای تعطیل و سرنوشت کودکی که صدای آن را شنیده دوباره به ۹۱۱ زنگ می‌زند و در نهایت با اصرار او پلیس دیگری به محل می‌آید. مسعود از او می‌خواهد تا ابتدا بی‌صدا و آرام به صدایی گوش کند که از خانه می‌آید و اینجاست که پلیس صدای کودک را می‌شنود. در نهایت پس از باز شدن در خانه با کمک تأسیساتی آن محل، پلیس با یک زن مرده



صدای گریه دو کودک را خیلی از همسایگان در این ساختمان شنیدند

پگاه شریفی

ایرانیانِ کانادا به نجات جان دو کودک توسط هموطن تورنتویی چگونه واکنش نشان دادند؟ از سردی کانادایی‌ها تا بی‌خیالی پلیس

شده بود که برخی از آن‌ها را می‌خوانید:
هیلدا: «پلیس فقط تقاضای کمک و همکاری می‌کنه کم کم باید مثل فیلم‌های وسترن از افراد شهر برای تامین امنیت استفاده کنند.»
هنگامه: «پلیس کانادا باید بیشتر پیگیری می‌کرد، متأسفانه پلیس اینجا فقط برای جریمه کردن ماشین خیلی فعالانه انجام وظیفه می‌کنند.»
ملیحه: «شاید اگر پلیس زودتر در را باز کرده بود مادر را زنده پیدا می‌کردند.»
شیوا: «آفرین بر هموطن ایرانی پلیس‌های

وقتی داستان مسعود نظری را در فضای مجازی رسانه «هفته» منتشر کردیم؛ بازخوردهای زیادی را از سوی جامعه ایرانیان-کانادا شاهد بودیم. اگر از تشویق‌ها و کامنت‌های احساسی افراد بگذریم؛ چند مورد دیگر هم بود که بسیار زیاد مورد تأکید قرار گرفته بود.

• انتقاد از عملکرد پلیس

یکی از این موارد؛ انتقاداتی بود که نسبت به نوع عملکرد پلیس کانادا مطرح

هیلتا: «پلیس فقط تقاضای کمک و همکاری می‌کنه کم کم باید مثل فیلم‌های وسترن از افراد شهر برای تامین امنیت استفاده کنند»، هنگامه: «پلیس کانادا باید بیشتر پیگیری می‌کرد، متأسفانه پلیس اینجا فقط برای جریمه کردن ماشین خیلی فعالانه انجام وظیفه می‌کنند»، ملیحه: «شاید اگر پلیس زودتر در را باز کرده بود مادر را زنده پیدا می‌کردند»، شیوا: «آفرین بر هم‌وطن ایرانی پلیس‌های اینجا نمی‌دونم چرا این‌قدر بی‌حال و بی‌توجه هستن آخه» و فردی دیگر که عنوان کرده: «مسعود انسانیتش از پلیس تورنتو بیشتر بوده چه واقعه دردناکی».



مسعود نظری، جوان ایرانی ساکن تورنتو تصمیم گرفت مسئولیت بپذیرد و این تصمیم او سبب نجات دو کودک از مرگ احتمالی شد.

متیس‌ها (مردمی با تبار مشترک اروپایی و بومی) حتی کمتر هم بود و از هر ۱۰ نفر؛ تنها ۳ نفر به پلیس اعتماد داشتند. این آمار در بین افراد غیربومی به ۴۲٪ می‌رسید.

کانادایی‌های متعلق به گروه‌های جمعیتی که به‌عنوان اقلیت‌های مشهود شناخته می‌شوند؛ (۳۵٪) و اقلیت‌های کمتر شناخته شده (۴۴٪) به پلیس اعتماد داشتند.

تفاوت این آمار بین دو گروه مسن و جوان کانادایی هم بسیار زیاد بود. افراد مسن (۵۳٪) اما جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کانادایی (۳۶٪) به پلیس اعتماد داشتند.

در حالت کلی هم کمتر از نیمی از کانادایی‌ها (۴۹٪) معتقدند که پلیس محلی با آن‌ها ارتباط خوبی دارد. این میزان رضایت در مورد اجرای قوانین (۴۶٪)، تضمین امنیت شهروندان (۴۴٪)، رفتار منصفانه با مردم (۴۲٪)، پاسخگویی سریع به تماس‌ها (۴۰٪) و ارائه اطلاعات به مردم در مورد راه‌های پیشگیری از جرم (۳۷٪) بود.

کسانی هم که بر این باور بودند که پلیس محلی در همه این موارد

اینجا نمی‌دونم چرا این‌قدر بی‌حال و بی‌توجه هستن آخه» و فردی دیگر که عنوان کرده: «مسعود انسانیتش از پلیس تورنتو بیشتر بوده چه واقعه دردناکی».

واقعیت این است که بر اساس گزارش سایت ۱۵۰. statcan. gc. ca در سال ۲۰۱۹، از هر ۱۰ کانادایی چهار نفر به پلیس اعتماد داشتند درحالی‌که حدود نزدیک به نیمی (۴۹٪) به پلیس اعتماد «کمی» داشتند. آماری که نشان می‌دهد احساس جامعه ایرانیان-کانادا نسبت به عملکرد پلیس، خیلی دور از آمار و کل جامعه کانادا نیست.

این آمار در مناطق شهری مختلف؛ باهم تفاوت‌هایی داشت؛ رضایت مردم در کلان‌شهرها نیست به عملکرد پلیس (۴۰٪)، در حاشیه (۴۴٪) و در مناطق روستایی (۴۵٪) بود.

قابل توجه اینکه کسانی که دارای معلولیت جسمی بودند؛ (۳۸٪)، آن‌ها که معلولیت ذهنی یا شناختی داشتند؛ (۳۳٪) به پلیس اعتماد داشتند که در مقابل میزان رضایت افراد بدون معلولیت عدد پایین‌تری بود.

این آمار در بین اینوئیت‌ها (مردم بومی با فرهنگ جمعی قطب شمال) و

خوب عمل می‌کند؛ کمتر از (۱۸٪) بودند.

• مسئولیت‌پذیری پلیس؛ بی‌تفاوتی مردم؛ مسئله کدام است؟

اگر بازهم برگردیم به یکی از نظراتی که در بالا خوانیدم و به نوعی طنز بود - کم‌کم پلیس باید مثل فیلم‌های وسترن از افراد شهر برای تأمین امنیت استفاده کند - باید بگوییم این مورد دقیقاً در پایه‌گذاری پلیس کانادا لحاظ شده است و در کانادا، پلیس برای رسیدگی کارآمد و موفقیت‌آمیز وظایف خود به حمایت و همکاری مستمر مردم کانادا خود را متکی می‌داند.

در چنین بستری همکاری بین مردم و پلیس مانند تمایل مردم به گزارش جرم، همکاری با پلیس در طول تحقیقات، تماس گرفتن در صورت نیاز؛ جنبه حیاتی برای امنیت عمومی پیدا می‌کند تا جرم به پایین‌ترین سطح خود در جامعه برسد. برای همین است که شماره‌تلفن‌های بسیاری برای تماس ضروری و غیرضروری مردم؛ مشخص کرده است.

اما مورد دیگری که در بین کامنت‌ها به آن اشاره شده بود؛ دقیقاً همین موضوع بود؛ عدم تمایل مردم برای تماس برقرار کردن با پلیس و ارائه گزارش.

کامران در زیر پست مربوط به مسعود نظری نوشته است: «من به روز صبح زود خیلی سرد می‌رفتم سر کار به خانم بی‌خانمان تو خیابون افتاده بود نفس نمی‌کشید دقیقاً سر چهارراه بود ولی همه بدون توجه به راهشون ادامه می‌دادن من به چند تا عابر پیاده هم گفتم و نشونش دادم اما اون‌ها هم گفتن آی دونت کر».

فردی با نام اختصاری kz هم کامنت گذاشته: «متأسفانه کانادا فجایع زیادی داخلش هست. اخلاق باتوجه‌به قوانین و شرایط زندگی مردم خیلی دچار چالش است و بی‌مهری زیاد دیده میشه».

بهناز هم نوشته: «آمان از بی‌مهری که تو کانادا به‌وضوح می‌بینی» و... کامنت‌های دیگری که مردم کانادا را افرادی سرد می‌دانند.

از کلیشه کانادایی مهربان تا کانادایی سرد و بی‌تفاوت

در این مورد هم اگر بخواهیم دقیق‌تر باشیم؛ می‌توانیم به مجله macleans.ca نگاهی داشته باشیم. در یکی از گزارش‌های این مجله آمده است که «دو سوم کانادایی‌ها فکر می‌کنند؛ از نظر مردم دنیا افرادی خوب هستند» اما این مورد یک کلیشه است و یا واقعیت؟ کلیشه‌ای که جامعه ایرانی قبول ندارد یا واقعیتی که به‌درستی - بازهم از سوی جامعه ایرانی - دیده و درک نمی‌شود.

نلسون وایزمن، مدیر مطالعات کانادایی در دانشگاه تورنتو، نظریه‌هایی در مورد منشأ کلیشه مهربانی کانادایی‌ها دارد. او می‌گوید: «به طور خاص، کانادایی‌ها ممکن است خوب باشند زیرا تاریخ از ما این‌چنین خواسته است. جان مک‌دونالد، (سیاست‌مدار و اولین نخست‌وزیر کانادا) ما را مردمی مطیع می‌دانست که تا حد زیادی به دلیل مقایسه با فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها بود.»

وایزمن «خوب بودن» کانادایی‌ها را با آمریکایی هم مقایسه می‌کند و می‌گوید: «ایالات متحده برای فردیت ارزش بیشتری قائل است و بنابراین مردم آن خودخواه‌تر به حساب می‌آیند اما کانادا نسبتاً نگاه اجتماعی‌تری دارد و به همین دلیل مهربان‌تر - بخواهیم از کلمه درست‌تر انگلیسی‌ها استفاده کنیم: NICE - دیده می‌شوند.»

حالا جامعه ایرانیان - کانادا که بر پایه آمار وزارت امور خارجه ایران در سال

نلسون وایزمن، مدیر مطالعات کانادایی در دانشگاه تورنتو، نظریه‌هایی در مورد منشأ کلیشه مهربانی کانادایی‌ها دارد. او می‌گوید: «به طور خاص، کانادایی‌ها ممکن است خوب باشند زیرا تاریخ از ما این‌چنین خواسته است. جان مک‌دونالد، (سیاست‌مدار و اولین نخست‌وزیر کانادا) ما را مردمی مطیع می‌دانست که تا حد زیادی به دلیل مقایسه با فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها بود.»

۲۰۲۱ میلادی ۴۰۰.۰۰۰ نفر هستند؛ در دل جمعیت ۳۸ میلیونی کشوری که بالاترین نرخ سرانه مهاجرپذیری در دنیا را دارد و بیش از ۳۴ گروه قومی در آن زندگی می‌کنند؛ چطور می‌تواند به این نتیجه برسد که مردم کانادا «بی‌تفاوت» و «سرد» هستند، برداشتی که کمی عجیب است. خصوصاً در وضعیتی که ما یکی گروه‌های مهاجر با جمعیت زیاد و در حال رشد در این کشور هستیم. (در سرشماری سال ۲۰۰۶ جمعیت ایرانیان و ایرانی‌تبارها ۱۲۱ هزار نفر اعلام شد؛ سال ۲۰۱۶ مرکز آمار کانادا این رقم را ۲۱۰ هزار نفر دانست و روزبه‌روز با توجه به شرایط وضعیت ایران بر سیل مهاجران افزوده می‌شود.) چسباندن اتیکت «سردی» و «بی‌تفاوتی» به جامعه‌ای که اولاً باور به «خدمات اجتماعی دولتی» در تاریخ آن ریشه‌دار است؛ دوماً یکی از پرجمعیت‌ترین گروه‌های مهاجرش خود ما هستیم، کمی دور از واقع‌بینی است و شاید بهتر است ما هم مانند نلسون وایزمن، تکلیف خودمان را با این موضوع روشن کنیم که داریم کانادایی‌ها - به قول خودمان - با چه کسانی مقایسه می‌کنیم.

دست آخر اینکه هر جوری که به این داستان نگاه کنیم؛ اگر طبقه‌بندی‌ها را کنار بگذاریم؛ انسانی به انسانی دیگر کمک کرده است؛ نسبت به جامعه اطرافش بی‌توجه نبوده و از اتفاقی بدتر - اگر نگوییم فاجعه - جلوگیری کرده است... که اصل همین است؛ به قول شاملو «حضور انسان» است که «آبادانی» است...



چگونه سفر زوجی ایرانی به کانادا منجر به تراژدی و هزینه‌ی میلیون دلاری شد

خانم خاکی می‌گوید که او و دو فرزندش تمام تلاش خود را برای قوی ماندن انجام داده‌اند اما دیگر تاب‌وتوان از دست‌داده‌اند و نومید گشته‌اند.

در فوریه ۲۰۲۰، خاکی و سرآبادانی از تهران برای دیدن دخترشان سوگل، ۲۶ ساله، و پسرشان سروش، ۲۲ ساله، که در مونترال دانشجوی هستند به کانادا آمدند و این سفری بود که این دو از سال ۲۰۱۷ هر سال انجام داده‌اند.

اما این بار به همه‌گیری خوردند و با بسته‌شدن مرزها و لغو پروازها، این زوج نتوانستند به ایران برگردند و مجبور شدند اقامت خود را تمدید کنند، درحالی‌که مطمئن نبودند چه زمانی سفرهای جهانی از سر گرفته خواهد شد. تابستان آن سال آن‌ها به تورنتو رفتند تا در فضای باهمستان ایرانیان آن‌جا باشند و این که در تورنتو بودن نیازی به فرانسه دانستن ندارد.

در ۱۰ مه ۲۰۲۱، خاکی فسنجان که شوهرش خیلی دوست دارد درست کرده بود. تا ۶ بعدازظهر آن روز از سرآبادانی هیچ خبری نشد. سپس همسر تنها دوستشان در تورنتو زنگ زد و به خاکی گفت که شوهرانشان دچار تصادف رانندگی جدی در جاده

پگاه خاکی هر روز را با همسرش می‌گذرانند. او را حمام می‌کند، صورتش را می‌تراشد و دندان‌هایش را مسواک می‌زند.

حمید سرآبادانی در طول زندگی‌اش آدمی بوده که همیشه پاکیزه و مرتب بوده است. اکنون هم که روی تخت بیمارستان دراز کشیده است، همسرش می‌داند که او می‌خواهد تمیز و آراسته به نظر برسد.

اینها تنها کارهای او در قبال شوهرش در بیمارستان عمومی نورث یورک نیستند. خانم خاکی یک سالی است که در این بیمارستان است و کارکنان بیمارستان را به نام و نام خانوادگی می‌شناسد.

سرآبادانی به وضعیتی که به زبان پزشکی «وضعیت نباتی» توصیف می‌شود گرفتار آمده است. همسرش، پوشکش را عوض می‌کند، به خورد و خوراکش می‌رسد و اندام‌هایش را ورزش می‌دهد تا سفت و سخت نشوند.

قرار نبود سفر این زوج نیمه‌بازنشسته به کانادا این‌گونه باشد. اکنون این دو در مملکتی غریب با قبض‌های پزشکی ۱.۴ میلیون دلاری مواجه شده‌اند و آینده‌شان در حاله‌ای از ابهام است.

واستون و خیابان استیلز شده‌اند.

خاکی می‌گوید: «سرما وجودم را گرفت. شوکه شدم. به برادرم در مونترال زنگ زدم و او به من گفت که با او بر به بیمارستان بروم. در وسط ناکجاآباد رها شده بودم. تنها بودم و نمی‌دانستم اورژانس کجاست. به دلیل کووید، نگهبانان آنجا بودند. فقط شروع کردم به گریه کردن و جیغ زدن.»

خاکی ۴۷ ساله است. در ایران او به کودکان دچار اوتیسم و معلولیت ذهنی آموزش می‌داد و همچنین داوطلبانه به پناهندگان افغانستانی در ایران یاری می‌رساند.

هنگامی که او در نهایت به بخش اورژانس راه یافت، کارکنان بیمارستان سانی بروک به او اطلاع دادند که سرآبادانی تحت چندین عمل جراحی است. در ساعات اولیه صبح در اتاق انتظار بود که خاکی در خبرها فوراً کوچک آسیب‌دیده‌ی شوهرش را دید.

او گفت که این خودروی ما بود که حتی برای من نیز دیگر قابل تشخیص نبود.

بر اساس گزارش پزشکی سانی بروک، سرآبادانی دچار ضایعه سر به همراه خونریزی مغزی در چند بخش، شکستگی دنده و لگن، خونریزی داخلی، پارگی روده و ازدست‌دادن کامل توان عضلانی در قسمت تحتانی شکم، باسن و پاها شده است.

گزارش شاهدان به پلیس حاکی از آن است که اندکی قبل از ساعت ۶ بعدازظهر، یک هوندا سی‌آر. وی خاکستری تیره با «سرعت بسیار زیاد» به چراغ قرمز در تقاطع نزدیک شده بود و فوراً سرآبادانی را به پشت برگرداند و سپس خودروی دیگری را هم واژگون کرد و سپس در وسط تقاطع فرود آمد.

مرجان دلاور، وکیل بیمه و جراح خانواده، می‌گوید: «وایل امسال به خاکی اطلاع داده شد که اتهام سهل‌انگاری راننده هوندا سی‌آر.وی به دلیل اینکه وی در زمان وقوع تصادف دچار بیماری دیابت تشخیص داده نشده بوده، منتفی شده است.»

اگرچه خاکی و سرآبادانی هر دو تحت برنامه بیمه مسافرتی تمدید شده خود ۲۵ هزار دلار و تحت بیمه‌نامه خودرو تا یک میلیون دلار پوشش بیمه‌ای داشتند، قبوض پزشکی سرآبادانی در سانی بروک و بعداً در نورث یورک در حال حاضر به ۱.۴ میلیون دلار رسیده است.

در این مورد، آنها همه کارها را به‌درستی انجام دادند، به این معنا که بیمه‌ی سفر داشتند و به دلیل این که بازگشتشان به ایران در زمان همه‌گیری نشدنی بود، روادیدشان را هم را تمدید کردند. علی‌رغم این‌ها به گفته‌ی دلاور: «ما هرگز کسی نمی‌توانست چنین حادثه ویرانگری را تصور کند.»

در طول همه‌گیری، دولت انتاریو سیاست موقتی برای پرداخت هزینه خدمات ضروری بیماران بدون بیمه، از جمله مسافران در کشور، به بیمارستان‌ها و پزشکان داشته است. باین‌حال دلاور گفت که سرآبادانی به دلیل تصادف رانندگی و تحت پوشش بیمه‌نامه خودرو بودن از این پوشش بیمه‌ای استان محروم شده است.

دلاور می‌گوید: «یک کانادایی ... باعث این تصادف شد که عملاً به زندگی یک نان‌آور ۵۶ ساله قوی، سالم و فعال پایان داد. فردی که در ابتدا متهم شده بود، اکنون نه تنها رهایی یافته، بلکه با برداشته شدن کامل اتهامات به زندگی خود ادامه می‌دهد. کانادا کشور شگفت‌انگیزی است که هیچ‌کس را پشت سر نمی‌گذارد و همه ما وظیفه داریم در سطح انسان‌دوستانه و اخلاقی این خانواده را حمایت کنیم، خانواده‌ای که از پافتاده، از نظر مالی ویران شده و در حالت استیصال است.»

در ماه نوامبر، خانم خاکی درخواست اقامت دائم به دلایل بشردوستانه برای خود، همسرش و پسرشان ارائه کرد، به این امید که تغییر وضعیت بتواند به سرآبادانی برای پوشش پزشکی مورد نیازش کمک کند، درحالی‌که بقیه اعضای خانواده می‌توانند در کانادا بمانند، کار کنند و از او مراقبت کنند.

در این میان، دخترشان در حال حاضر دارای مجوز کار است و روند گرفتن اقامت دائمش را سپری می‌کند. ویزای بازدید خاکی و همسرش هم منقضی شده و تصمیم‌گیری در مورد درخواست تمدید آنها از ماه مارس در حال بررسی است.

وکیل مهاجرت آنها، پانت‌آ جعفری، گفته است که این زوج قصد اقامت در کانادا را نداشتند، زیرا آنها قبل از حادثه تجارت موفق و زندگی راحت در ایران داشتند.

او افزود، باین‌حال، سرآبادانی نمی‌تواند همین کیفیت مراقبت را در ایران دریافت کند، جایی که تحریم‌های بین‌المللی به معنای در دسترس نبودن برخی از تجهیزات اولیه پزشکی است. او در حال حاضر ۲۲ داروی مختلف مصرف می‌کند و نیاز به مراقبت متخصصان مختلف دارد.

او گفت که اعضای خانواده می‌توانستند درخواست پناهندگی بدهند تا هزینه‌های پزشکی را فوراً تحت پوشش قرار دهند، اما ترجیح داده‌اند این کار را نکنند زیرا خود را پناهنده واقعی یعنی کسی که از آزار و شکنجه فرار کرده است نمی‌دانند. آنها همچنین از کسی کمک مالی نخواستند.

خاکی علی‌رغم مشکلات و سختی‌های کنونی‌شان، وقتی ماجرای آشنایی با همسرش را در مراسم

خاک‌سپاری مادر بزرگش در سال ۱۹۸۸ تعریف می‌کند، لبخندی به مهر بر لبانش می‌نشیند.

عشق آنها عشق در نگاه اول بود و سرآبادانی به‌زودی نزد خانواده‌اش آمد و از او خواستگاری کرد. باین‌حال، پدرش اصرار داشت که او ابتدا مدرسه را تمام کند، باین‌حال، سرآبادانی مدام به هر بهانه‌ای به خانه‌ی آنها آمد و شد و سرانجام وقتی او در ۱۸ سالگی از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد، ازدواج کردند.

سرآبادانی که فارغ‌التحصیل رشته مهندسی معدن از دانشگاه فنی تهران است، شروع به کار کرد و بعداً صاحب یک شرکت واردکننده‌ی آلیاژ برای کارخانه‌های متالورژی شد و سپس در ژوئن ۲۰۱۹ آن را فروخت.

خاکی می‌گوید: «همه چیز خوب بود. ما زندگی بسیار راحتی داشتیم. دو مزرعه کاشت کیوی و برنج خریدیم بودیم. قصد داشتیم بیشتر سفر کنیم تا اینکه در کانادا این حادثه پیش آمد. ما هرگز نگرانی مالی نداشتیم.»

دنیای آنها به طرز چشمگیری تغییر کرده است. سرور، پسرشان که سال گذشته از برنامه مدیریت خدمات غذایی انصراف داد و مسئولیت مراقبت از سرآبادانی را با مادرش تقسیم کرده است، می‌گوید: «پدر و مادرم قرار بود از دوران بازنشستگی خود لذت ببرند. چه کسی می‌دانست که ممکن است این اتفاق بیفتد و ناگهان زندگی از هم بپاشد؟ همه چیز برای ما غیرواقعی است. امیدوارم مردم بتوانند خود را به‌جای ما بگذارند. ما آبرو داریم. به دنبال همدردی نیستیم، بلکه به دنبال همدلی هستیم.»

مقامات مهاجرت می‌گویند که از شرایط خانواده آگاه هستند. درخواست آنها از نوامبر در نوبت پردازش بوده است - و زمان پردازش فعلی حدود ۲۱ ماه طول می‌کشد.

در همین حال، خاکی در حین مراجعه به بیمارستان، صدای ضبط شده مادر شوهر پیرش و دو خواهر او را از ایران و همچنین موسیقی ایرانی موردعلاقه شوهرش را پخش می‌کند، به این امید که بتواند با چشمک، لبخند یا تکان دادن سر همسرش روبه‌رو شود.

خاکی درحالی‌که سرآبادانی را به‌آرامی روی صندلی می‌نشاند و به‌آرامی چند بالش را دور او می‌گذارد تا جایش را تشبیه کند و به او راحتی دهد، می‌گوید: «می‌دانم امیدوی به بهبودی او نیست، اما در همین حال، باید کاری کنم تا احساس خوبی داشته باشم. گاهی اوقات، فکر می‌کنم همه این کارها را فقط برای خودم انجام می‌دهم. شاید احمقانه به نظر برسد، اما من نمی‌توانم کاری انجام دهم.»

منبع: وب‌سایت تورنتواستار



استخدام

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند: ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی است.

- نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
 - شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
 - مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی متمدول
 - ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف
- باحقوق عالی** (به صورت نقدی یا چک)

Hiring by: Family Care Services
Please contact Ms. Anna Lee
514-690-7005
Resumes to:
4familycareservices@gmail.com

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

Residential Real Estate Broker

شهره شهریان

مشاور املاک در کلان شهر مونتreal



- خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونتreal جهت خرید
- هزینه محضر هدیه من به خریداران

514 - 290 - 2210

shahrianrealtor@gmail.com



مهاجرت
مقاله
مصاحبه



اثبات رابطه در برنامه مهاجرتی کفالت همسر چگونه صورت می گیرد؟



تلفن همراه، فیش حقوقی، صورت‌های مالی، سوابق مالیاتی، بیمه‌نامه و غیره)

متقاضیانی که دارای ازدواج قانونی نیستند و به‌عنوان شریک زندگی یا یکدیگر زندگی می‌کنند اثبات حداقل یک‌سال زندگی مشترک الزامی است، لذا باید مدارک پشتیبان، تأمین‌کننده موارد زیر باشند:

- شواهدی که ارتباط مستمر همسران را از طریق نامه، پیام، ایمیل، مکالمات از طریق رسانه‌های اجتماعی و یا سایر اسنادی که نشان می‌دهد با هم در تماس مستمر بوده‌اند، داشته باشند.

- مدارکی مبنی بر اینکه شهروند یا مقیم دائم کانادا و یا همسر وی برای دیدار یکدیگر سفر نموده‌اند. در صورتی که سفری برای دیدار صورت نگرفته دلیل آن باید بر اساس توضیح‌نامه کتبی همراه با درخواست ارسال گردد.

- لازم به ذکر است که ازدواج‌های غیرحضوری مورد تأیید اداره مهاجرت برای درخواست کفالت همسر مورد تأیید نیست.

- در صورتی که از کمک مشاورین رسمی و یا وکلا برای ارسال درخواست کفالت استفاده نمی‌شود توصیه بر این است که قبل از ارسال فایل از نظر تخصصی فایل درخواست برای بازبینی و رفع اشکالات احتمالی به منظور جلوگیری از طولانی شدن دوره پردازش و یا رد تقاضا استفاده شود.



تماس با نویسنده: معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی. ICP Immigration حمایت شده است.

با شریک زندگی و یا شخص مورد حمایت و تکفل استفاده شوند، این موارد عبارتند از:

- مدارک چدایی از همسر سابق در صورتی که هر یک از افراد قبلاً ازدواج کرده باشند
- اگر زوجین دارای فرزندان مشترک باشند، گواهی تولد که نام والدین را تأیید کند
- عکس‌های مشترک

حداقل دو مورد از مجموعه‌های مدارک زیر نیز می‌بایست همراه با درخواست ارسال گردند. در صورت عدم توانایی برای این مدارک متقاضی می‌بایست دارای توضیح‌نامه کتبی باشد.

- اسنادی که نشان می‌دهد زوجین در یک رابطه قانونی مشترک هستند (مانند مزایای استخدام یا بیمه)
- شواهدی مبنی بر هزینه‌های مشترک یا حمایت مالی بین زوجین
- شواهدی مبنی بر اینکه این رابطه توسط دوستان و فامیل و افراد خانواده طرفین به رسمیت شناخته شده است.

(نامه‌ها، اطلاعات رسانه‌های اجتماعی که نشان می‌دهد رابطه بین زوجین رسماً و عموماً شناخته شده است)

در صورتی که هر دو متقاضی کفیل و همسر با هم زندگی می‌کنند، باید حداقل دو مورد از مدارک زیر را همراه با درخواست ارائه دهند:

- شواهدی مبنی بر مالکیت مشترک ملک مسکونی، یا قرارداد اجاره که نشان می‌دهد زوجین ساکن یک ملک هستند

- مدارک حساب‌های مشترک تأسیسات (مانند برق، گاز، تلفن، اینترنت)

- کارت‌های اعتباری مشترک یا حساب‌های بانکی
- بیمه خودرو که تأییدکننده ارائه آدرس سکونت مشترک به شرکت بیمه است

- مدرک شناسایی صادر شده توسط دولت که نشانی یکسان را نشان می‌دهد (مانند گواهینامه رانندگی)

- سایر مدارک صادر شده برای زوجین که نشان می‌دهد آدرس یکسانی دارند (مانند صورت‌حساب

اداره مهاجرت کانادا برای اثبات رابطه با شریک زندگی در برنامه مهاجرتی درخواست اقامت دائم و تکفل همسر به مدارکی نیاز دارد که بتواند رابطه واقعی با متقاضی اقامت دائم را اثبات کند.

شهروندان و مقیمان قادر خواهند بود در صورت داشتن ارتباط عاطفی و یا همسری با یک تبعه خارجی برای درخواست مهاجرت وی به کانادا از طریق برنامه تکفل همسران عرفی و قانونی خود اقدام کنند تا در کنار هم به زندگی در کانادا ادامه دهند.

برای واجد شرایط شدن درخواست می‌بایست متقاضی با ارائه شواهد و مدارک پشتیبان، صحت رابطه با شخص مورد حمایت را ثابت کند. بدیهی است شرایط اثبات دارای فرمول‌های مختلفی بسته به چگونگی ارتباط دو نفر دارد و ممکن است برای افراد مختلف دارای لیست مدارک مختلفی باشد ولی به‌طور کلی علاوه بر ارائه مدارک اثبات ارتباط اداره مهاجرت دارای یک چک‌لیست مشخص کلی برای تمام متقاضیان است.

از زوجین انتظار می‌رود حداقل دو مورد از موارد زیر را ارائه دهند:

- مدارک مالکیت مشترک ملک مسکونی
- قرارداد اجاره که نشان می‌دهد زوج ساکن ملک هستند

- مدارک مربوط به حساب‌های مشترک خدمات شهری (مانند برق، گاز، تلفن، اینترنت)، کارت‌های اعتباری مشترک یا حساب‌های بانکی

- بیمه خودرو که نشان می‌دهد هر دو به‌عنوان ساکنان یک آدرس به شرکت بیمه اعلام شده‌اند

- مدرک شناسایی صادر شده توسط دولت که نشانی یکسان را نشان می‌دهد (مانند گواهینامه رانندگی)

- سایر اسنادی که نشان می‌دهد زوجین آدرس یکسانی دارند (مانند قبض تلفن، فیش حقوقی، سوابق مالیاتی و غیره)

اثبات رابطه با شریک زندگی تان

IRCC همچنین فهرستی از اسناد مورد قبول را ارائه می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان مدرکی برای اثبات رابطه

بررسی‌های موسسه نظرسنجی استاتسیس نشان می‌دهد: کانادا دومین گزینه محبوب ایرانی‌ها برای مهاجرت

بر اساس اعلام وبسایت نظرسنجی استاتسیس، کشور کانادا به‌عنوان دومین گزینه محبوب ایرانی‌ها برای مهاجرت اعلام شده است. این وبسایت متعلق به شرکت تحلیل داده‌های استاتسیس است که در شهر واشنگتن دی.سی آمریکا ثبت شده است.

به گزارش هفته و به نقل از وبسایت نظرسنجی استاتسیس، حدود ۱۶ درصد از ایرانی‌ها می‌گویند که اگر از ایران مهاجرت کنند، دوست دارند در کشور آلمان زندگی کنند. کانادا و آمریکا با ۱۵ و ۱۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

همچنین بر اساس این نظرسنجی، یک‌سوم ایرانی‌ها گفته‌اند اگر فرصت برایشان فراهم شود، ترجیح می‌دهند ایران را ترک و در یک کشور خارجی سکونت کنند. این رقم در میان جوانان ایرانی (افراد بین ۱۸ تا ۲۹ سال) برابر با ۴۹ درصد است. بر اساس داده‌های این نظرسنجی، از هر ۱۰ جوان ایرانی (افراد بین ۱۸ تا ۲۹ سال)، پنج نفر به دنبال مهاجرت هستند. با افزایش سن، میزان تمایل به ترک کشور در میان ایرانی‌ها کاهش محسوسی نشان می‌دهد.

در این نظرسنجی که توسط شرکت تحلیل داده‌های استاتسیس در هفته آخر تیر و هفته اول مردادماه سال ۱۴۰۱ انجام شده است، دلایل مهاجرت ایرانی‌ها هم پرسیده شده است. براین اساس، از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که به

نظر آنها مهم‌ترین دلایل ترک کشور از سوی ایرانی‌ها طی سال‌های گذشته چه بوده است؟ در پاسخ، مشکلات اقتصادی با ۵۷ درصد رتبه اول را به خودش اختصاص داد. آزادی‌های سیاسی یا اجتماعی با ۲۶ درصد و مهاجرت برای جستجوی زندگی بهتر با ۲۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفت.

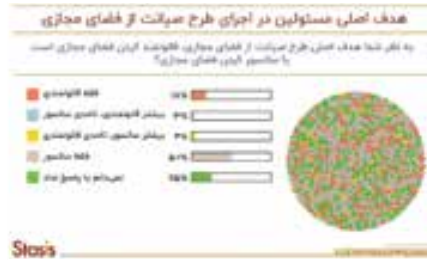
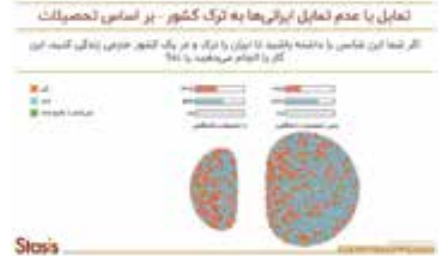
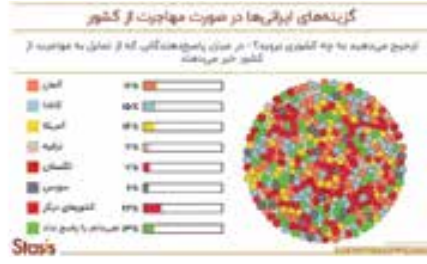
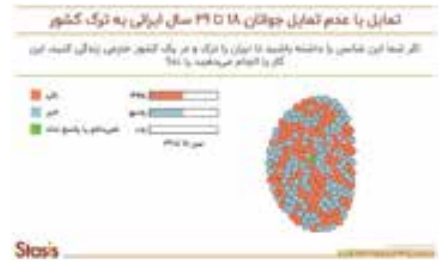
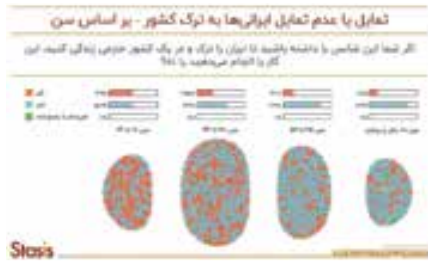
همچنین ۷۷ درصد پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که جوان‌ها، آینده موفقیت‌آمیزی در کشور برای خودشان نمی‌بینند و ۲۰ درصد هم با این نظر مخالفت بودند. حدود ۵۳ درصد از پاسخ‌دهندگان به این نظرسنجی هم اعتقاد دارند که «مسئولان آزادی جوان‌ها را با دخالت در زندگی خصوصی آنها محدود می‌کنند». این رقم برای افراد در گروه سنی بین ۱۸ تا ۲۹ سال، برابر با ۶۴ درصد بوده است.

از سوی دیگر، طبق نتایج این نظرسنجی، اکثریت ایرانی‌ها به حل مسائل و مشکلات جوان‌ها در دولت آقای رئیسی چندان اعتمادی ندارند. تنها ۳۵ درصد می‌گویند که «حل مسائل و مشکلات جوان‌ها، از اولویت‌های اصلی دولت رئیسی است». اما ۵۵ درصد با این نظر مخالف هستند. در میان افراد گروه سنی بین ۱۸ تا ۲۹ سال، میزان این مخالفت، ۶۵ درصد بوده است. همچنین اکثریت ایرانی‌ها (۵۹ درصد) اعتقاد دارند که انتخاب آقای رئیسی به ریاست‌جمهوری اسلامی، فرصت‌های

اقتصادی بیشتری برای جوان‌ها فراهم نمی‌کند. بخش دیگری از این نظرسنجی در مورد مباحث جمعیتی ایران بوده است. ۶۸ درصد از پاسخ‌دهندگان به این نظرسنجی، از شرایط نامناسب اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین دلیل کاهش میزان فرزندآوری در ایران طی سال‌های گذشته، نام برده‌اند. هزینه‌های بالای زندگی با ۲۹ درصد و بیکاری با ۱۳ درصد، در رده‌های بعدی قرار دارند. همچنین اکثر ایرانی‌ها مخالف طرح موسوم به صیانت از فضای مجازی هستند. ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی استاتسیس می‌گویند که با این طرح مخالف هستند و تنها ۲۵ درصد می‌گویند که با این طرح موافقتند.

هدف از وبسایت شرکت تحلیل داده‌های استاتسیس، سنجش افکار عمومی مردم ایران در مواردی چون نظرسنجی‌های انتخاباتی، رضایت یا عدم رضایت از عملکرد مسئولان حکومتی، محبوبیت یا عدم محبوبیت چهره‌های مشهور، استفاده از رسانه‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی و موضوعات روز کشور اعلام شده است.

همچنین این شرکت اعلام کرده که فعالیت‌هایشان در این وبسایت طی ماه‌های آینده سه بخش دیگر را هم در برخواهد گرفت که شامل تحقیقات مرتبط با شبکه‌های اجتماعی و داده‌های بزرگ، مدل‌سازی سایر نظرسنجی‌های انجام شده توسط مؤسسات معتبر دیگر و شبیه‌سازی داده‌ها خواهد بود.



واریانس ممکن (باتوجه به تعداد پاسخ‌دهندگان معتبر به هر سؤال)، می‌توان به کل افراد بالای ۱۸ سال ساکن ایران تعمیم داد. این وب‌سایت نظرسنجی اعلام کرده که میزان اعتماد و صداقت پاسخ‌گویان از طرف پرسشگران با تجربه ارزیابی شده است؛ طوری که ۴۲ نفر از کسانی که میزان صداقت یا اعتماد آنان در یک طیف پنج‌قسمتی، «بسیار کم» ارزیابی شده بود (و یا در هر دو معیار صداقت و اعتماد، کم یا خیلی کم ارزیابی شده بودند) از نمونه کنار گذاشته شدند. منبع: وب‌سایت رسمی موسسه surveycenter.io

مرحله‌ای طبقه‌بندی شده، منطبق با جمعیت هر استان تهیه شده است. دارندگان تلفن در سطح کل کشور واحد نمونه را تشکیل می‌دهند. نمونه‌ها بر اساس جنس، سن و محل سکونت (منطقه شهری یا روستایی) و بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و همچنین سالنامه آماری ۱۳۹۷، وزن‌دهی شده‌اند. بر اساس اعلام وب‌سایت این نظرسنجی، «یافته‌های این نظرسنجی را با اطمینان ۹۵ درصد و در فاصله اطمینان ۰.۲ درصد، برای کمترین

نظرسنجی استاتسیس، چگونه انجام شده است؟ این پیمایش به صورت تلفنی در روزهای ۲۸ تا ۳۰ تیرماه و ۴ تا ۷ مردادماه ۱۴۰۱، توسط پرسشگران آموزش‌دیده در طول ساعات فعال هر روز انجام شده است. حجم نمونه ۱۲۴۶ نفر است. پاسخ‌گویان این نظرسنجی از میان کلیه ساکنان بالاتر از ۱۸ سال مناطق شهری و روستایی سراسر کشور که دارای تلفن بوده‌اند با نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده است. نمونه‌گیری به صورت



شکيب نصرالله از دانشگاه زيرزميني تهران تا دانشگاه مک گيل: رؤيایي نداشتم، فقط می خواستم زندگی کنم

۲۰۰۷، افراد کمی در کانادا از مؤسسه آموزش عالی بهائی و سرکوب بهائیان در ایران اطلاع داشتند. دکتر نیکی کامران، استاد ریاضیات دانشگاه مک گیل که او هم بهائی است و پذیرش درخواست نصرالله برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد روان شناسی در این دانشگاه را تسهیل کرد، می گوید: «مک گیل فهرستی از دانشگاه های شناخته شده داشت اما مؤسسه آموزش عالی بهائی در آن نبود.»

به همین علت دکتر کامران وضعیت سیاسی تبعیض آمیز علیه بهائیان ایران را به طور مفصل و دقیق برای اعضای هیئت علمی دانشگاه تشریح کرد. او در همین راستا اسنادی را گردآوری کرد که امکان ایجاد معادل سازی بین دروس گذرانده شده در رشته روان شناسی در مؤسسه آموزش عالی بهائی و دوره های تدریس شده در مک گیل را فراهم می کرد. نصرالله که فشارهای روانی زیادی را به دلیل آینده نامشخص خود در آن زمان در پیچ خم های اداری دانشگاهی تحمل کرد، می گوید برای تهیه و ارائه مدارک مستدل و مناسب به دانشگاه مونترال تلاش های زیادی صورت گرفت.

او یادش هست که در آن زمان دکتر مورتون جی. مندلسون از دانشکده روان شناسی دانشگاه مک گیل، به رغم همه مخالفت ها از پذیرش او حمایت کرد. مندلسون که خودش یهودی بود، بی عدالتی هایی را که به بهائیان در ایران تحمیل می شد، درک می کرد. نصرالله می گوید: «از سال ۲۰۰۳ و در پی دستگیری و شکنجه مرگبار زهرا کاظمی، خبرنگار ایرانی-کانادایی در زندان اوین تهران، روابط کانادا با ایران متشنج شد. سرانجام در پاییز ۲۰۰۷ توانستم اولین کلاس های رسمی دانشگاه خود را با دوهفته تأخیر و با تحمل فشارهای روانی شدید بگذرانم و ثابت کنم که شایسته تحصیل در دانشگاه مک گیل هستم.»

در حال حاضر مؤسسه آموزش عالی بهائی از طرف دانشگاه مک گیل به رسمیت شناخته می شود و دکتر شکيب نصرالله دارنده مدرک دکترای روان شناسی از سال ۲۰۲۰، یکی از اعضای فعال کمیته اداری این دانشگاه است و در آن تدریس می کند.

منبع: وبسایت شبکه خبری نیوکانادین مدیا

هنوز ۹ سال بیشتر نداشت، معلمش در مدرسه از قتل عام بهائیان در یزد تمجید می کرد. او می گوید: «وقتی از خانه مان در تهران خارج می شدیم، به خاطر این که متهم به ترویج و ترویج دین خود متهم نشویم، مجبور بودیم کاملاً جانب احتیاط را رعایت کنیم و از صحبت کردن در مورد دین و اعتقاداتمان اجتناب کنیم.» اما خواهر بزرگش تاوان بی احتیاطی خود را پرداخت و پس از اینکه معلمش او را مجبور کرد دین خود را بگوید، از مدرسه اخراج شد.

نصرالله در سال ۱۹۹۹ تحصیلات خود را در مؤسسه آموزش عالی بهائی (BIHE) آغاز کرد. این مؤسسه در واقع یک دانشگاه زیرزمینی است که از سال ۱۹۸۷ به طور مخفیانه توسط بهائیان محلی اداره می شود چرا که دولت ایران آن را به رسمیت نمی شناسد. برای نصرالله در میان معدود رشته هایی که در این مؤسسه ارائه می شد، روان شناسی جالب بود.

این دکتر روان شناس می گوید: «ماهیت مخفیانه مؤسسه آموزش عالی بهائی مستلزم تلاش های گسترده و هماهنگی از طرف همه معلمان، دانش آموزان و خانواده های بهایی بود.» نصرالله روز اول کلاس درس در این مؤسسه را به خوبی به یاد می آورد. کلاس در خانه ای که نشانی آن توسط مسئولان مؤسسه برای خانواده ها ارسال شده بود، برگزار شد. نصرالله با احتیاط کامل از وسایل نقلیه عمومی برای رسیدن به آنجا استفاده کرد. زنگ خانه را به صدا آورد. صدای ناشناسی از آیفون به گوش رسید. با صدایی لرزان پاسخ داد که آمده است تا در آنجا یک دوره آموزشی بگذراند. جو سنگینی بر خانه حکم فرما بود. اکثر افراد حاضر در خانه یکدیگر را نمی شناختند. شروع دوره آموزشی آمیخته با این ترس بود که مبادا جاسوسان دولتی در میان آن ها نشسته باشند و آن ها را به دلیل آموزش غیرقانونی دستگیر کنند. نصرالله می گوید: «واقعیت این بود که ما در ترس دائمی زندگی می کردیم.»

فرایند دشوار و طولانی به رسمیت شناختن مدرک نصرالله با داشتن مدرک لیسانس روان شناسی سعی کرد پذیرش دانشگاه مک گیل را بگیرد. در سال

شکيب نصرالله، فارغ التحصیل رشته روان شناسی در مقطع دکترا از دانشگاه مک گیل با کنایه می گوید: «مدرک من برای ایران قابل قبول نبود اما برای دانشگاه مک گیل کفایت می کرد.»

دکتر نصرالله پس از تحصیلات مخفیانه خود در مؤسسه آموزش عالی بهائی (BIHE) که به شکلی مخفیانه و غیرقانونی فعالیت می کند، در سال ۲۰۰۷ برای ادامه تحصیل به مونترال مهاجرت کرد.

دکتر نصرالله ایرانی تبار و پیرو مذهب بهایی است. بهائیان یک اقلیت مذهبی مظلوم در ایران هستند که طبق گزارش سرویس جهانی اخبار بهائیان، بیش از پنج میلیون عضو در سراسر جهان دارد. جمهوری اسلامی که از سال ۱۹۷۹ در ایران روی کار آمد، همواره طی این سال ها سرکوب نهادینه شده ای را علیه بهائیت که یک فرقه ضاله و ضد اسلام تلقی می شود، اعمال کرده است. اعضای این اقلیت مذهبی در ایران از برخی حقوق به ویژه آموزش عالی منع شده اند.

به گزارش رسانه بریتانیایی فارسی زبان ایران اینترنشنال، سپتامبر ۲۰۲۱ ابراهیم رئیسی رئیس جمهور ایران تصمیم سلف خود حسن روحانی را مبنی بر اعمال سند جهانی آموزش ۲۰۳۰ یونسکو که دسترسی فراگیر به آموزش را برای همه تضمین می کند، لغو کرد. این تصمیم کورسوی امید بهائیان مقیم ایران مثل دکتر نصرالله را برای دسترسی به تحصیلات عالی در ایران خاموش کرد.

دکتر نصرالله: «من رؤیایی نداشتم، فقط می خواستم زندگی کنم.»

دکتر نصرالله تحت سیاست های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی ایران که دین اسلام و فرامین آن در همه عرصه های زندگی نفوذ کرده است، بزرگ شد. او می گوید در ایران دستگیری، ربایش، ترور و اخراج علیه بهائیان امری رایج است. او می گوید پدرم صرفاً به واسطه اعتقادات مذهبی اش، از سمت اجرایی خود در شرکت پسیکو اخراج شد.

این دکتر روان شناس با یادآوری رفتارهای سرکوبگرانه سیاسی که در دوره کودکی متحمل شده است، می گوید: «من رؤیایی نداشتم، فقط می خواستم زندگی کنم.» او هنوز یادش نرفته است که وقتی



فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه
Financial Security Advisor

سابقاً تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه
فازع التحصیل ارشد مدیریت از
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویان، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکیها به منظور ارائه بهترین خدمات

438-345-5066

<http://www.sunlife.ca/beribaalizadeh>

beribaalizadeh@sunlife.com

معصومه علیمحمدی مشاور رسمی مهاجرت

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا سوخت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی قدرتی و استانی از طریق سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خوشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

info@icpimmigration.com
icpimmigrationtocanada
icpimmigrationtocanada
@ICPimmigrationTOCANADA
WWW.ICPIMMIGRATION.COM

Canadian Association of Professional Immigration Consultants
L'Association Canadienne des Conseillers Professionnels en Immigration
عضو انجمن مشاوران متخصصین مهاجرت و شهروندی کانادا

CICC CCIC
Canadian Immigration Consultants
L'Association Canadienne des Conseillers Professionnels en Immigration
عضو رسمی انجمن مشاوران رسمی مهاجرت و شهروندی کانادا

Tehran
Office: 021-2288-1684
Mobile: 0937-489-6676

Montreal
Office: 514-289-9011 / 514-289-9044
WhatsApp: 514-778-9011
Address: 1117 Ste. Catherine West, 511^e, Montreal, Qc. H3B 1H9

جهت مشاوره و تعیین وقت
فبلی با دفتر ما در مونترال
تماس حاصل فرمایید.



محمد تائبی

مشاور بیمه

• Mohammad Taebi
Personal-lines Damage Insurance Broker, MBA

- بیمه منزل
- بیمه موتور
- بیمه اتومبیل
- بیمه مالکان خانه در برابر کلاهبرداری

بهترین بیمه نامه را از
بین شرکتهای مختلف بیمه می خواهید؟
با من تماس بگیرید!

514-866-BIME 800-361-1321 Ext:321
Mohammad.Taebi@jgfortin.com

AVIVA leclerc echelon insurance L'Unique economical IMPCO Intact

استودیو عکاسی روز

STUDIO PHOTO ROSE

انواع خدمات عکاسی حرفه ای

PASSPORT
PORTRAIT
NEWBORN
BUSINESS

(514) 488 7121

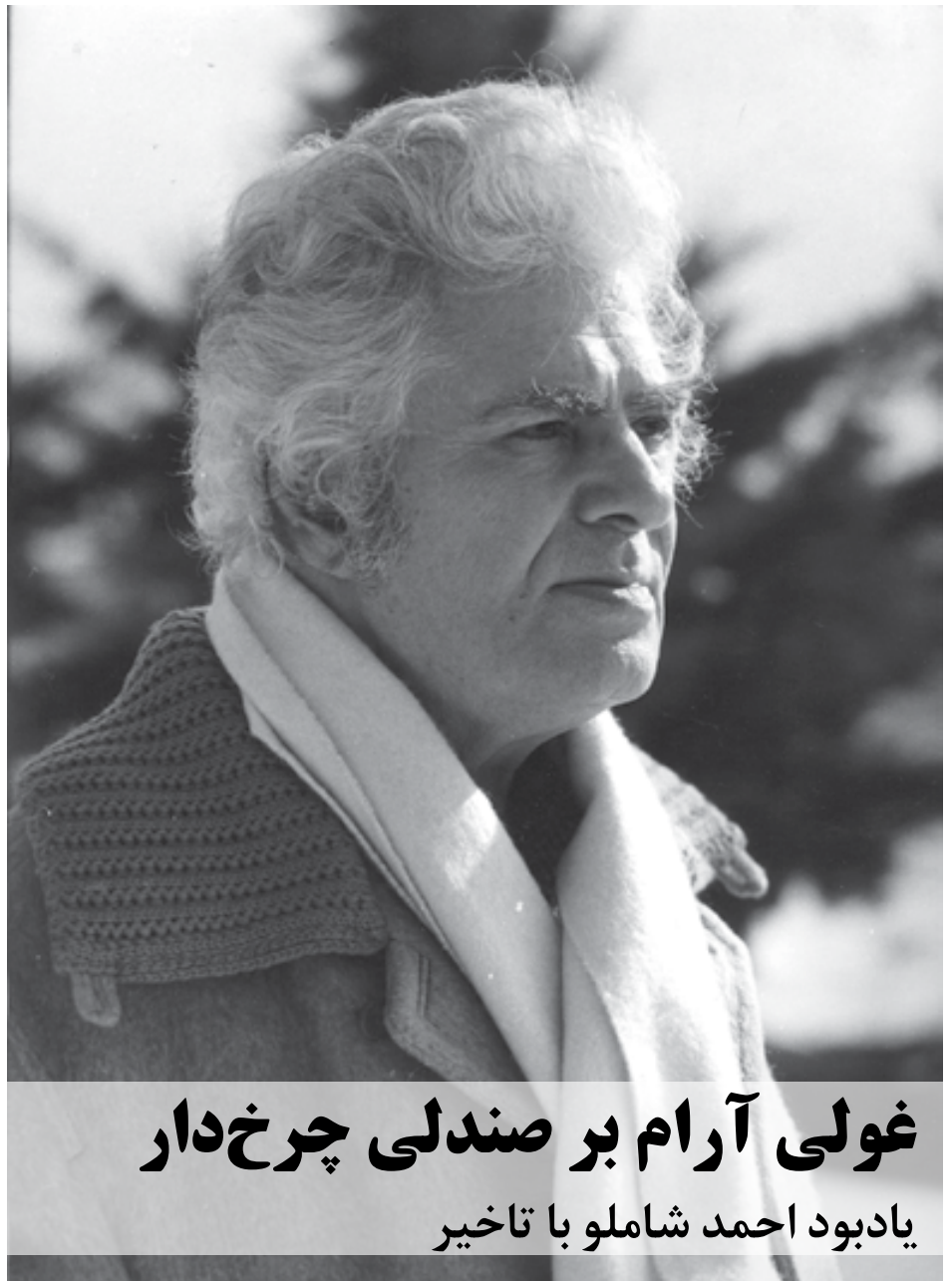
5301 Queen Mary
(Corner of Décarie),
H3X1T9, Montréal, QC.

ما را در اینستاگرام و
فیسبوک دنبال کنید.

studiophotorose



ادبیات
فرہنگ
ہنر سینما



غولی آرام بر صندلی چرخ‌دار یادبود احمد شاملو با تاخیر

همشهریم است، با من. تازه در گیر و دار تبدیل سازمان دانشجویان به اولین خبرگزاری غیررسمی ایران (ایسنا) بودیم. چند دانشجوی جوان که بزرگ‌ترین مان ۲۵ سال هم نداشت. محسن مسوول سرویس ادبی بود و کارش این بود که هی ارتباط برقرار کند و مصاحبه بگیرد. یک لیست کاغذی چندین صفحه‌ای پر از نام و شماره‌ی تلفن هم داشت، که به تازگی چندتایش خط خورده بود،

اگر مثلاً بگویی لاهیجانی، انگار فحشش داده باشی، برایت توضیح می‌دهد که همشهری نیستند. این قصه در مورد هر گیلانی صدق می‌کند؛ رشتی، لاهیجی، انزلی‌چی، دیلم، فومنی...

ولی برای یک مازندرانی همه همشهری‌اند: بابل، ساروی، چالوسی، چابکسری، حتی گنبدی و گرگانی... یا دست‌کم برای ما این‌طور بود؛ جوری که محسن هر بار می‌گفت فلانی

تضمینی بر صحت و سقم جزئیاتِ خاطرات ذکر شده در این نوشته نیست. نام اشخاص و مکان‌ها و زمان وقوع رخدادها تخیلی نیستند، مشمول مرور زمان و ضعف حافظه‌اند.

«مازندرانی بودن»

وقتی به یک رشتی بگویند که فلانی همشهری توست، اول با بدگمانی می‌پرسد کجایی‌ست.

مثل محمد مختاری، محمد جعفر پوینده... این شد که وقتی روزی از در آمد و گفت، قرار شده بروم خانه‌ی پاشایی برای صحبت درباره‌ی شاملو، می‌شد حدس زد که همشهری‌اند، که پرسیدیم و تصدیق شد.

وقتی برگشت، یک بغل پر از کتاب داشت و با چشمان و تمام سبیلش می‌خندید.

از دیگر مزایای مازندرانی بودن این است که همشهری بودن کافی ست تا کلا با هم ندار شوید. این شد که دیگر هر وقت دنبال محسن می‌گشتی خانه‌ی پاشایی بود. اخلاق خوش پاشایی که سخاوتمندانه هر چه داشت و می‌دانست را در اختیار همشهری جوانش می‌گذاشت، همشهری‌ترشان می‌کرد. برای همه‌ی جمع کوچک ما، پاشایی دریچه‌ای برای شناخت شاملو بود: همراهی سالیان، دوستان مشترک، به قول خودش «خانه یکی» بودند با احمد.

برای ما هم شاملو غولی بود ایستاده در انتهای جهان که تنها به واسطه‌ی پاشایی تجربه می‌شد: خاطرات مشترک شاملو و پاشایی، داشت کم کم خاطرات مشترک ما و شاملو پاشایی می‌شد، از دریچه‌ی حافظه‌ی خارق‌العاده‌ی محسن.

جوان و باهوش و جاه‌طلب بودیم، از دانشکده‌های متفاوت، به جز ادبیات. نه منش نوجه‌پورانه‌ی ادبیاتی‌ها را برمی‌تابیدیم، نه توانایی استاد استاد گفتن به هر کسی داشتیم. من و امیرحسین هم‌خانه بودیم، خانه‌ی کوچکی در آبان شمالی کرایه کرده بودیم که امیرخسرو برادر بزرگ امیرحسین هم مهمان مقیم‌مان بود. امیرحسین که دندان‌پزشکی می‌خواند، از طریق جهاد دانشگاهی علوم پزشکی تهران و ابوالفضل فاتح توانسته بود واحد ادبی‌ای درست کند که بهانه‌ی آشنایی و جمع‌شدن‌مان بود. شاهرخ عمران می‌خواند، محسن کامپیوتر، علی و کاوه هم پزشکی. جلسه‌ی شعر هفتگی داشتیم، نشریه‌ی دانشجویی در می‌آوردیم و مدام کنگره می‌گذاشتیم. مد بود...

ولی جمع ما فقط یک مازندرانی داشت: محسن

۲

«بستنی رژیمی»

از ما فقط کاوه بود که ماشین داشت، یک بیوک

بزرگ جادار سرمه‌ای که همراه عزا و عروسی همه بود. پرش می‌کردی از بنزینی که آن قدر مفت بود که می‌شد با آن ماشین بشوری یا باغچه آب بدهی... و تمام. از عروسی مهدی و سرمه تا خاکسپاری پوینده را به چشم دیده بود.

این بود که روزی که محسن از تلفن سکه‌ای خوابگاه طرشت زنگ زند که بعد از ظهر برویم دیدن شاملو، اولین دعوتی مراسم، بیوک کاوه بود. قرار بود از در واحد ادبی، من و امیرحسین و شاهرخ و کاوه برویم دولت، در خانه‌ی پاشایی، محسن و او را سوار کنیم.

هر کس پاشایی را بشناسد، می‌داند که بارزترین خصیصه‌اش که خودش هم به آن اعتراف می‌کند، پرحرفی است. این است که ننشسته، به طرز خارق‌العاده‌ای با تمام نیم‌تنه چرخید به عقب و شروع کرد به حرف زدن. کمی که رفتیم، یادش افتاد به دلیل اصلی دیدار آن روز: این که شاملو عاشق بستنی ست و به دلیل دیابت، تنها می‌تواند بستنی رژیمی‌ای بخورد که تنها در سوپرمارکتی در ظفر یافت می‌شود. این بود که بیوک کاوه دوباره مسیر عوض کرد و پر شد از بستنی رژیمی‌ی دایبیتی.

تقریباً از مسیر هیچ یاد نیست، نه از مسیر، نه از طولش، نه هیچ. چون تمام وقت پاشایی داشت حرف می‌زد. فقط هر از چند گاهی به بستنی‌ها در صندوق عقب فکر می‌کردم که الان چه وضعیتی دارند. بستنی‌های رژیمی‌ی دایبیتی که تا امروز نمی‌دانستم اصلاً وجود دارند.

۳

«زامبون روی صندلی»

وقتی پاشایی گفت بالاخره رسیدیم، دم نگهبانی شهرک دهکده بودیم. و بعد ردیف خیابان‌های مشجر زیبای تابستان. خانه‌هایی که فقط در فیلم‌ها دیده بودیم، تمام چوبی و دو اشکوبه با ورودی و در و پنجره‌های زیبا. و پاشایی داشت توضیح می‌داد که شهرک را کانادایی‌ها پیش از انقلاب ساخته‌اند، که آیدا کل زندگیش را فروخته تا با اندوخته‌ی نداشته‌ی شاملو این خانه را بخرند.

یادم افتاد که جایی مصاحبه‌ای از شاملو خوانده بودم که در جدایی، تنها پالتواش را برداشته و

بیرون زده بود.

آیدا که در را باز کرد، دچار احساساتی دوگانه بودم؛ تنها آیدایی که می‌شناختم، آیدای درون شعرها بود، آیدا در آینه، آیدا، درخت، خنجر و خاطره، حتی عکسش را ندیده بودم.

محسن که خانه‌زاد بود، بستنی‌ها را گرفت و رفت کمک آیدا تا جاشان دهد. ما ماندیم و شاعر... غولی آرام گرفته بر صندلی چرخدار. پاشایی که احوال پرسید، با خنده گفت: «چه حالی، چه احوالی، احساس ژامبونی را دارم که هر روز می‌آیند چند تا برش جدید ازش می‌برند.» اشاره به پای تازه قطع شده‌اش کرد و صحبت گرم گرفت. از همه چیز می‌گفتند پاشایی و شاملو و ما همه گوش بودیم فقط.

یادم هست که جایی، پاشایی که داشت ما را به عنوان شاعرانی جوان معرفی می‌کرد و شاملو سر تکان می‌داد، اضافه کرد حالا که اینجاییم، اگر می‌خواهیم شعری بخوانیم، ولی مگر کسی جرأت می‌کرد؟

مایی که مایاکوفسکی‌وار برای احدی تره خورد نمی‌کردیم، چنان مجذوب ابهت این غول پا بریده بودیم که فقط می‌توانستیم لبخند بزنییم، و شاملو برای اینکه بیشتر از این معذب نشویم، بحث را عوض کرد تا نفسی بکشیم و کف دست‌های عرق کرده را به ران‌هایمان بساییم. بیشتر نگران فیش‌های گم شده‌ی کتاب کوچه در هارد کامپیوترهایش بود و گلایه از این داشت که چون نمی‌داند، هر بار جایی ضبط‌شان می‌کند که ناپدید می‌شوند. محسن پذیرفت که پیدایشان کند.

فکر می‌کنم همان روز در بازگشت بود که طرح اولیه‌ی shamlou.org ریخته شد، که پاشایی از محسن خواست تا نظمی به این چیزها بدهد و محسن خواست که اجازه بیابد برای آغاز کار سایت رسمی احمد شاملو، که کاری بود نو در آن زمان، که آغازی بود برای ما هم بودن بیشترمان از آن پس...

از آن دیدار اول کمتر چیزی به خاطرمان مانده، جز گربه‌ی غول‌پیکر آیدا، و خود آیدا که چون سایه می‌آمد و می‌رفت و بامداد را تر و خشک می‌کرد...

عکس‌های زیادی هم گرفتیم، کمی بعدتر که یخ‌مان باز شد، عکس‌هایی که حالا نمی‌دانم

مجری می‌خواهیم.»

با همه‌ی مدعوین صحبت شده بود که این بزرگداشت شاملو در اولین سالروز تولدش پس از مرگ، قرار است گرامی‌داشت شاعر باشد، با فضایی راحت که در خور تولد شاعر است. من هم در انتخاب شعرها برای فواصل سخنرانی‌ها، سعی کردم شعرهایی روان، عاشقانه و با فضاهای سرخوشانه بیابم.

اول از همه از سیمین بهبهانی دعوت کردم که پشت تربون بیاید. با گریه آمد، با گریه حرف زد و شعر خواند و با گریه رفت. تذکر دادم که نیت جلسه چیست و قطعه‌ای عاشقانه خواندم. بعدی دولت‌آبادی بود که با خشم آمد، با خشم حرف زد، و با گریه رفت.

دوباره تذکر دادم و شعری سرخوشانه خواندم. داشتم از کوره در می‌رفتم که عمران صلاحی با لبخند زیبای همیشگی‌اش آمد، گفت راست می‌گوید بابا، تولد شاعر است. بعد کلی حرف خوب زد و همه را خندانند، دست آخر هم چیزی از «حالا حکایت ماست» خواند و در میان کف زدن حضار سر جایش برگشت.

با همان کت و شلوار من رفتیم دکه‌ی آقا عبدی، کلی سمبوسه و فلافل با سس مخصوص عبدی خوردیم، همان طور که همه‌ی سخنران‌ها را مسخره می‌کردیم.

خسته و کوفته از راهپیمایی طولانی آخر پاییز تهران که به خانه رسیدیم، یارم زنگ زد که چه خبر، چه طور بود؟ بی‌حوصله گفتم: «خوب بود، فقط کیکش کمی مانده بود...»

توضیح: این مقاله در سال ۲۰۱۷ در مجله هفته منتشر شده و در اینجا بازنشر می‌شود. / تحریریه هفته



فقط سرم را تکان دادن و لبم را گزیدم. کلارا خانس از اسپانیا زنگ زده بود، اشک می‌ریخت و صدایش گرفته بود. پاشایی هم به جمع ما در پایین اضافه شد، بی حرف و خسته، و راه افتادیم سمت امامزاده طاهر. آنجا علی اشرف درویشیان کمی صحبت کرد و چند نفر دیگر، ما هم در اندوه روشنفکرانه‌مان، تمام کاغذ و توتون کاوه را پیچیدیم و دود کردیم، جوری که در راه برگشت هر کدام استاد سیگارپیچی شده بودیم، لباس‌هایمان بوی گند می‌داد و چند جای صندلی ماشین کاوه هم سوخته بود. رفقا هم کلی پیراهن سیاه مرا مسخره کردند، همین طور که با پلاسیدو دومینگو که در پخش صوت بیوک سورمه‌ای بزرگ‌مان نعره می‌کشید، نعره می‌کشیدند.

یک دفعه امیرحسین گفت: «اوه، نکند امیر خسرو «تابستان گرم و طولانی» را پس داده باشد؟»

۵

«تولد شاعر مرده»

امیرحسین گفت: «بیا، محسن با تو کار دارد.» گوشی را که گرفتم، بی‌مقدمه گفت: «اسی، یک مشغولیت خوب برایت سراغ دارم که بتوانی حسابی حس کثیف خودنمایی‌ات را ارضاء کنی.»

گفتم: «از تو که عمرا خیری به ما برسد، بنال!» امیرحسین همین‌طور که سرش توی کتاب بود، نیشخندی زد. دستم را گذاشتم روی گوشی و گفتم: «پس تو خبر داری قضیه از چه قرار است؟!»

همان طور سر پایین اشاره کرد که «خفه شو، ادامه بده...» گفتم: «خوب؟»

گفت: «آن کت و شلوار مسخره‌ات را تمیز کن که کارش داری.»

راست می‌گفت، کت و شلوارم نیاز به تمیز کردن داشت، چون خودش بار آخر قرض گرفته بود و لجن برگردانده بود.

«چی کار؟»

«تولد شاملوست، توی شریف»

«خوب، باید برقصم آن وسط؟»

«اگر استعدادش را داشتی که بد نبود، ولی

کجای اسباب و اثاثیه‌ام در آن سوی دنیا خاک می‌خورند با نگاتیوهای‌شان. آن جمع هم همه آواره‌تر از من، از هر کدام که خواستم چیزی نیافتم.

۴

«تابستان گرم و طولانی»

صدای زنگ در که آمد، ولو بودیم جلوی تلویزیون سیاه و سفید ۱۴ اینچ، فیلم می‌دیدیم. من بودم، امیرحسین و شاهرخ. بعد از کلی جدال سر این که نوبت کیست، رفتم و در را باز کردم.

در که باز شد، محسن با چشم‌های سرخ ورم کرده شروع کرد به بلند بلند گریستن. شوکه، شروع کردم به سرش داد زدن که چه خبر شده. بریده، بریده گفت که شاملو هم رفت. آنقدر عصبانی و وحشت‌زده بودم که محکم گرفتم و تکانش دادم، یادم هست که چیز بدی هم گفتم مثل این که رفت که رفت، فکر کردم بلایی سرت آمده.

بقیه همین‌طور نشسته بودند. امیرحسین پوست تخمه را توی روزنامه انداخت و گفت: «بنشین، داریم تابستان گرم و طولانی می‌بینیم، پل نیومن، اورسون ولز...»

فقط صدای نوار قدیمی ویدئو و دماغ بالا کشیدن‌های محسن می‌آمد. شاهرخ رفت دستشویی و نیم ساعت بعد او هم با چشم‌های ورم کرده و سرخ بیرون آمد. نشست و اشاره کرد به تلویزیون که چی شد؟ امیرحسین هم تندتند تخمه می‌شکست. من هم رفته بودم توی آشپزخانه و ظرف می‌شستم و غر می‌زدم: این ظرف‌ها اگر یک ماه هم اینجا بمانند و کپک بزنند، جز من کسی دست بهشان نمی‌زند. حالا چی کوفت می‌کنید درست کنم؟

کاوه که زنگ در را زد، همه پریدند: زود بپوشید بیایید پایین.

توی ماشین که نشستیم، بی‌مقدمه گفت: «بینید چی خریدم؟» و بسته‌ی دستگاه پیچیدن سیگار با کیسه‌ی کاغذ و توتون را داد عقب: «عمرا نفهمید چه جوری کار می‌کند. نصف روز جان‌کندم تا توانستم یکی بپیچم» و راه افتاد.

خانه‌ی شاملو غلغله بود. نگاهم که به آیدا افتاد،

کوه آرات

از اوین تا مونترال (۸)

دست داد، هم نتیجه‌ی خبر ناگوار بود هم موج سرما. گفتم اجازه بده لباس بپوشم! باعجله لباس پوشیدم و با او به طبقه‌ی بالا رفتم. آنجا در واقع سالن غذاخوری هتل بود. یک زیرانداز و رواندازی وجود داشت زیر دیوار سالن که به من نشان داد و گفت همین‌جا بخواب! من گذرنامه نداشتم و طبیعتاً پلیس می‌توانست به‌عنوان مسافر قاچاق هم خودم را بازداشت کند و هم هتل به دردسر بیفتد. به خواب عمیق و طولانی احتیاج داشتم اما چیچی شده بود. روانداز را کشیدم سرم و سعی کردم دوباره بخوابم. خیلی سطحی تا هوا روشن شد به همین وضعیت ماندم. امیدوارم بوم که رابط بالاخره به دوبایزید برسد... هم گذرنامه را بیاورد و هم کمک کند که به شهر بعدی، یعنی ایغدیر برویم. آنجا باید تدارک سفر هوایی به استانبول را می‌کردیم.

هزینه‌ی اقامت دیشب در هتل را پرداخت کرده بودم. هوا که کاملاً روشن شد گفتم بروم بیرون و چیزی به‌عنوان صبحانه بخورم. از پذیرش، از همان مرد که دیشب صد دلاری را گرفته بود و لیر کرده بود و سهم خودش را برداشته بود، خداحافظی کردم. گفت که اگر نتوانستی بروی، دوباره همین‌جا بیا... تذکراتی داد که دوبایزید امن نیست و باید مراقب باشم. طبیعتاً نگران این بود که اگر عزیمت من امشب ممکن نشود، به‌جای این هتل، هتل یا مسافرخانه‌ی دیگری را انتخاب کنم. از او جدا شدم و راه افتادم. دوبایزید شهر کوچکی ست که تا نبینید، حال و هوای آن را درک نخواهید کرد.

من جایی را پیدا کردم که نان و شیرینی خوشمزه‌ی ترکی می‌داد با یک فنجان قهوه. انگلیسی صحبت می‌کردم و کم‌وبیش می‌فهمیدند که مقصودم چیست. وقتی قهوه و شیرینی را خوردم، به یک مجتمع تجاری رفتم و در کافه‌ای بزرگ‌تر که در طبقه‌ی بالا بود جایی را پیدا کردم تا بنشینم و منتظر بمانم. گردیدن در سطح شهر برای آدمی مثل من که هیچ اوراق هویتی نداشت به صلاح

لباس زندان به من داده بودند، این شُرت باکیفیت شرکت دوریانس، تنها چیزی بود که از اسباب و اثاثیه‌ی شخصی خودم، با من بود. و حالا من لخت، با همین شُرت، در اتاق هتل را باز کردم و دیدم همان پسرک جوان که اتاق را به من نشان داده بود، مقابل اتاق ایستاده است.

او گفت که پلیس آمده و من باید هر چه زودتر با او به طبقه‌ی بالایی هتل بروم. حقیقتاً موجب دلهره شد. داخل اتاق را بخار آب حمام چند ساعت پیش گرفته بود؛ اما در که باز شد، موجی از هوای سرد به داخل اتاق هجوم آورد و من هم که لخت خوابیده بودم، سردم شد. ترس و لرزی که به من

همه‌چیز برای یک خواب عمیق مهیا بود. من به خواب عمیقی فرو رفته بودم که ناگهان با صدای در اتاق از خواب پریدم.

در را باز کردم. فقط یک لباس زیر، یک شُرت تنم بود! کسی که این‌طور در می‌زد در حدود ساعت سه‌ی صبح، احتمالاً اهمیتی نمی‌داد که من حتماً پوشیده در را باز کنم! شُرتی که پایم بود، شُرتی بود با مارک دوریانس که یک پلاک فلزی با همین اسم دوریانس داشت و در تمام مدتی که من سلول انفرادی بودم، همراهم بود! حسب اتفاق، وقتی که بازداشت شدم، لباس زیرم همین بود. یک شلوار و پلیوری پوشیدم و با اینها رفتم و در تمام مدت که



دیگر از جمله تایلد، چیز مشکوکی پیدا نکرده بودند. اما به نظرشان کسی که ویزای کانادا در گذرنامه دارد، احتمالاً دلش برای ورود به ترکیه لک زده است! نمی‌دانم... هر چه بود گذرنامه را پس داد و گفت بروید! راننده وقتی دست‌به‌فرمان و دنده برد، چند باری گفت که «پلیس... در دسر... در دسر...» ما عبور کردیم و چند دقیقه‌ی بعد به کمربندی ایغدیر رسیدیم.

در ایغدیر، به‌راحتی رابط را پیدا کردم که جلوتر از من هتلی کرایه کرده بود. بعد استقرار در هتل، اول رفتیم به درمانگاه شهر تا من آزمایش کرونا بدهم. طبیعتاً بدون گواهی مصونیت کرونا اجازه‌ی سوارشدن به هواپیما نمی‌دادند. خوشبختانه کار سخت نبود. مأمور درمانگاه، گذرنامه را می‌دید و بدون اوراق هویتی ظاهراً از کسی آزمایش نمی‌گرفتند. اما او کاری نداشت به اینکه گذرنامه‌ی من مهر ورود خورده یا نه. هزینه‌اش را هم نقداً می‌گرفت. از قرار، حکم پرداخت از طریق بانک، فقط در دوبایزید لازم‌الاجرا بود. یادم هست که خانم پرستار جوان هیچ انگلیسی بلد نبود. اما آن سوزن دراز را که کرد داخل بینی‌ام، بیشتر قلقلک داد و موجب خنده شد تا درد... آزمایش را دادیم و قرار شد چند ساعت بعد تحویل بگیریم.

برای گرفتن جواب، رابط گفت بهتر است من در هتل بمانم و بیرون نباشم. او خودش رفت و نتیجه را گرفت و برگشت. تا او بیاید، بارها فکر کردم که حالا که از ایران خارج شده‌ام، وقت آن رسیده که تجربه‌ی چهار هفته سلول انفرادی را در قالب طرحی که در ذهنم هست، بنویسم و در فیس‌بوکم منتشر کنم. طرحی که در ذهن داشتیم، هم گزارشی از این تجربه‌ی هولناک سلول انفرادی می‌داد و هم محتوای عاطفی آنچه بر من گذشته بود را تا حدی بیان می‌کرد. اما گوشی‌ام هنوز یک گوشی آیفون چهار بود. کی‌برد مخصوص اپل، یعنی مجیک کی‌برد مورد علاقه‌ام، همراه با دیگر وسائلی که رابط آورده بود در اختیارم بود. اما نه این کی‌برد خوش‌دست به این آیفون متصل می‌شد، و نه هنوز ذهن و روان من کاملاً آماده بود تا شرح ماجرا دهد. باید جایی می‌رسیدم و آرام می‌گرفتم و احساس امنیت می‌کردم تا تمرکز کافی داشته باشم. چه کسی می‌داند؟! شاید در استانبول این لحظه فرامی‌رسید. لحظه‌ای که با احساس آزادی کافی، سلول انفرادی را شرح دهم.

رابط رسید. آن شب در هتل، آب‌جو خوری مفصلی کردیم به امید اینکه فردا در فرودگاه مشکلی پیش نیاید. ادامه دارد

با راننده‌ی کرد رفتیم. او آمد و حرکت کردیم. روی گذرنامه‌ی من -چنانکه گفتم- جای مهر ویزای قبلی کانادا بود. ویزایی که منقذی شده بود اما به چشم می‌آمد. اولین بار بود که این مسیر زیبا را با ماشین طی می‌کردم. افسوس خوردم که فرصت نکردم در یک شرایط عادی برنامه‌ریزی کنم و این جاده‌ی زیبا را با خاطری آسوده بگردم. راننده‌ی کرد به واسطه‌ی مادرش کمی فارسی بلد بود و تقریباً هیچ انگلیسی نمی‌دانست. یک مقداری شوخی کردیم در مورد تجرد و تأهل با زبانی دست‌وپا شکسته... تا اینکه ناگهان دیدم در کناره‌ی جاده، کوهی عظیم، باشکوه و سرسپید نشسته است! حقیقتاً میخ شدم! دور این کوه سپید شده از برف، مجموعه‌ای از کوه‌های خاکستری بودند. پیدا بود یک کوهستان است و راننده گفت که این کوه مرتفع‌تر است. در این وقت سال از برف سپیدپوش است، آزارات است. آزارات افسانه‌ای... این منطقه از کهن‌ترین مناطق ایرانی‌نشین، مشخصاً محل سکونت ارمنی‌ها بوده است. نام آزارات، در کهن‌ترین متون مقدس انسان، از جمله در عهد عتیق آمده است. کاتبان عهد عتیق نوشته‌اند که کشتی نوح، بعد طوفان و فرونشستن سیل، بر قله‌ی آزارات به گل نشست! در واقع آزارات برای آن‌ها، نماد مرتفع‌ترین بخش زمین بوده است. شکوه این کوه طوری بود که برای دقایقی پاک فراموش کردم که پاسگاهی جلوتر، انتظارم را می‌کشد!

ماشین به سربالایی افتاده بود. حتی عبور کردن از کنار آزارات هم مستلزم ارتفاع گرفتن بود. در اوج، دیدم مسیر را پلیس بسته، و دو سرباز مسلح، درحالی‌که خودشان را پوشانده بودند تا سرما را تاب بیاورند، ماشین را متوقف کردند. یکی از آن‌ها با راننده حرف زد و بعد خطاب به من، مدرک شناسایی خواست. گذرنامه را دادم در حالی که اضطراب وجودم را برداشته بود و سعی می‌کردم که در چهره‌ام منعکس نشود. گذرنامه را گرفت، و گفت بزنید کنار! ...

لابد می‌خواستس با دقت، و صفحه به صفحه نگاه کند! کلکم کنده بود؟! این را فقط چند دقیقه‌ی آینده مشخص می‌کرد. راننده‌ی جوان که متوجه بود یا شاید حدس زده بود که این لحظات پرمخاطره‌ای برای من است، چیزی نمی‌گفت. در سکوت محض چند دقیقه‌ای گذشت تا اینکه یکی از آن دو پلیس سر رسید. کنار پنجره ایستاد و درحالی‌که گذرنامه‌ی کانادا را نگاه می‌کرد چند باری با خنده گفت: کانادا؟! ... کانادا؟! ... انگاری در میان مهرهای مختلف ویزا و مهرهای ورود و خروج به کشورهای

نبود. در داخل کافه، از اینترنت خود کافه استفاده کردم و تماس‌هایی گرفتم؛ از جمله با شخص رابط تا بفهمم کی می‌رسد.

او بالاخره رسید. وقتی که ناهار خورده بودم و همه‌ی سوراخ و سنبه‌های این مجتمع تجاری و اطرافش را سنجیده بودم. رسیدن او، خوشحالم کرد. تا او برسد، با مابقی پولم، یک نیم‌تنه‌ی گرم و بدون آستین خریدم که انصافاً خیلی بهتر از پولیور بی‌خاصیت خودم عمل می‌کرد. گذرنامه‌ام را گرفتم و به‌اتفاق یک نوشیدنی گرم دیگر سفارش دادیم. هوا تاریک شده بود و موقع شام بود.

به توصیه‌ی رابط، هتل دیگری را کرایه کردیم برای یک شب دیگر در دوبایزید. او به من توضیح داد که خیلی‌ها اینجا مأمور مخفی هستند. پلیس مخفی ترکیه با لباسی شخصی، در خیابان‌های دوبایزید پرسه می‌زد. کمک هم می‌کردند به مسافران اما مأموریتشان لابد پیدا کردن مسافر قاچاق بود. کباب ترکی (دونر) سفارش دادیم و خوردیم. برنامه‌ی فردا تدارک حرکت به سمت ایغدیر بود و مهم‌ترین چالش این بود که روی گذرنامه‌ی من مهر ورود به ترکیه زده نشده بود؛ بنابراین پاسگاه‌های بین‌راهی ممکن بود دردسرساز باشند.

همان شب یک تلاشی کردیم بلکه در خود دوبایزید آزمایش کرونا بدهم. بدون آزمایش کرونا امکان سفر هوایی از ایغدیر به استانبول نبود. اما بیمارستانی که در دوبایزید بود می‌گفت باید هزینه‌ی آزمایش را با انتقال بانکی بپردازید! (یعنی پول نقد قبول نمی‌کرد) لابد از دولت مرکزی این‌طور حکم کرده بودند. طبیعتاً یک مسافر قاچاق مانند من، نمی‌توانست با انتقال بانکی پول پرداخت کند. من نه حسابی در ترکیه داشتم و نه کارت بانک ایران - اگر اصلاً همراه می‌داشتم - آنجا کار می‌کرد؛ بنابراین در دوبایزید امکان گرفتن گواهی مصونیت از کرونا نبود. اما راننده‌ای که ما را به بیمارستان برد، مرد جوان خوش‌قیافه‌ی کردی بود که با او قرار گذاشتیم ما را فردا به ایغدیر ببرد. تصمیم گرفتیم آزمایش را در بیمارستان ایغدیر انجام دهیم و گواهی را همان‌جا بگیریم.

فردا که شد رابط گفت من جلوتر با یک ماشین دیگر می‌روم تا تشخیص دهم وضع راه‌چطور است. من در یک غذاخوری نشستم و به‌عنوان ناهار/صبحانه یک کباب ترکی خوشمزه با سبزی‌های مفصل سفارش داد که رابط زنگ زد و گفت در مسیر، دو پاسگاه فعال بودند اما چاره‌ای نیست! باید حرکت کنی و امیدوار باشی که اتفاقی نمی‌افتد! غذا را خوردم و با دلی سیر اما کمی دلهره سر قرار

پدیدار شناسی مهاجرت (۴)

دگرگونی‌های فردی ناشی از مهاجرت

مقدمه

در سه شماره قبل به موضوع مهاجرت به عنوان یک پدیده معاصر اجتماعی پرداخته و تاکید شد که روی آوری به مهاجرت فراتر از انگیزه‌های فردی و مربوط به شرایط اجتماعی است و ریشه در تفاوت سبک زندگی در دو جامعه مبدأ و مقصد، کمبود منابع و مشکلات عدیده برای زندگی گروهی از جمعیت در کشور مبدأ، جنگ‌های پراکنده، و... دارد. در ادامه روند رو به رشد مهاجرت به کمک آمار و اطلاعات نشان داده شد. اطلاعات موجود نشان می‌دهند که به سبب تعمیق تفاوت‌ها و ناامنی‌ها، شکل ویژه‌ای از حرکات جمعیت به مقصد کشورهای پیشرفته از نظر اقتصادی چنان بالا گرفته که نگرانی‌هایی را برای برخی کشورهای مقصد ایجاد کرده است. در شماره قبل مهاجرت ایرانیان که عادت بر گرفته در دوره‌هایی از ۴۰ ساله گذشته و خلاف آمد عادت قبلی آنان بوده مورد بررسی قرار گرفت، ویژگی بارز مهاجران ایرانی به صورت فرار مغزها و رشد شتابان آن به ویژه در سال‌های اخیر ناشی از سخت‌تر شدن شرایط جذب این نخبگان در جامعه تبیین شد. اثرات اجتماعی مهاجرت به صورت پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در هر دو جامعه مهاجرپذیر و مهاجر فرست بررسی شد و تاکید شد که آمریکا و کانادا و تاحدی کشورهای اروپایی و استرالیا در کانون توجه مهاجران ایرانی قرار دارد و بنا بر این حامل اثرات چشمگیر بر این جوامع خواهند بود. در این شماره به اثرات مهاجرت بر فرد مهاجر و فرایند ادغام و مشکلات ناشی از آن پرداخته می‌شود.

دیگری و دشواری زندگی اقلیت‌های قومی، دینی، جنسی و جنسیتی، و سعی مدیران در یک‌دست کردن جامعه از هر دیدگاه و... در زمره عوامل دافعه، گروه‌بندی می‌شوند. همه این عوامل به نومی‌دی و بی‌اطمینانی از داشتن آینده‌ای خوش و مناسب می‌انجامد و همین گرایش به مهاجرت را دامن می‌زند. در مقابل مزایا و امکانات موجود در جامعه مقصد چون رونق بازار کار، تفاوت‌های فاحش در دستمزد برای شغل‌های مشابه، وجود فرصت‌های شغلی و تحصیلی، امکان ترقی و ارتقای شغلی و اقتصادی، وجود امنیت سرمایه‌گذاری، سیستم‌های مطلوب درمانی،

سرزمین اصلی و پیوند در سرزمینی دیگر. مدل جاذبه - دافعه اولین دیدگاه نظری تبیین‌کننده حرکت‌های انسان‌ها است که در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم مطرح شد و هنوز در برخی موارد قابل ارجاع است. این مدل در متن خود به ارزیابی هزینه - فایده در دو جامعه مبدأ و مقصد از دید فرد داوطلب مهاجرت می‌پردازد. در مورد عوامل دافعه جامعه مبدأ در پیش گفت اشاراتی شده است، اگر از عواملی چون جنگ بگذریم به طور خلاصه، فقر، بیکاری، کمبود فرصت‌های شغلی مطلوب، شرایط سخت زندگی، نبود آزادی، عدم‌پذیرش

ترک میهن و سکونت در سرزمینی دیگر، یکی از پیچیده‌ترین مرحله از زندگی فرد مهاجر است. برخی از مهاجران برای تعریف و درک دشواری آن، از عبارت «پوست انداختن» یاد کرده‌اند، چون در این فرایند تبدیل به فرد دیگری می‌شود که بر پایه ریشه‌های زندگی قبل شاخه‌ها و برگ‌های زندگی جدید رشد می‌کند. به عبارتی تحقق کامل امر مهاجرت بر سه رکن اصلی متکی است. جامعه مبدأ از نظر ایجاد گرایش به ترک وطن، جامعه مقصد به سبب داشتن شرایط پذیرش فرد مهاجر و سوم، فرد مهاجر از نظر داشتن توانایی‌های فردی برای کنده شدن از

می‌کند. (درویش‌پور، مهرداد). در این مرحله تمام زمان خود را به تجهیز و آماده‌سازی خود و اعضای خانواده اختصاص می‌دهد و فرصتی برای اندیشیدن به جز این موارد را ندارد.

۳- مرحله سوم واکنش و افسردگی. این مرحله از تثبیت تصمیم برای ماندن شروع می‌شود. دشواری‌های ادغام در این مرحله شکل می‌گیرد، فرد مهاجر، با واکنش‌ها و نظام‌های پس‌زنده جامعه میزبان آشنا می‌شود و بسیاری از حقارت‌ها و ناراحتی‌های روحی - روانی مربوط به آن را تجربه می‌کند. در واقع بحران مهاجرت در این مرحله عمیق و مشهود می‌گردد. برخلاف دو مرحله قبل که زودگذر است، این مرحله رنج‌آور و طولانی است و ممکن است تا چند سال طول بکشد و حتی برخی از مهاجران نتوانند از آن عبور کنند. در بسیاری از مهاجران اضطراب‌های مداوم و درماندگی ناشی از شوک فرهنگی، مشکلات مالی، برآورده نشدن آرزوها و توقعات، تغییر شیوه زیست، کیفیت مسکن، نوع آب‌وهوا و... به افسردگی کشیده می‌شود. افسردگی از نوع غم غربت (home sick) با علایمی چون حمله‌های عصبی، احساس ناامنی، نوسانات مکرر خلقی، گریه مداوم، بی‌اشتهایی، عدم تمرکز در محیط کار یا خانه، تمایل به برگشت، لذت نبردن از شرایط، بی‌انگیزگی، گوشه‌گیری، تحریک‌پذیری احساسی، بیماری‌های جسمی ناشی از فشار روانی، چون سردرد، دل‌درد، حالت تهوع، خستگی و بی‌حالی، کم‌خوابی و کابوس و... همراه است. برای مهاجرانی که به ایالت‌های شرقی و مرکزی کانادا می‌آیند، آب‌وهوای سرد و زمستان‌های طولانی و برای مهاجرانی که به منطقه غرب کانادا وارد می‌شوند، هوای ابری و بارانی مداوم از عوامل مهم بروز و ماندگاری افسردگی و تشدید غم غربت می‌شود. گذر از این مرحله دشوار و درعین‌حال گذرا است، اگرچه برخی از این مرحله عبور نمی‌کنند یا به وطن باز می‌گردند، یا خودکشی می‌کنند و یا تا مدتی طولانی و حتی تا پایان عمر در این تله رفتاری می‌شوند، از دیدگاه برخی روان‌شناسان مرحله افسردگی ناشی از مهاجرت طبیعی است و نشانه بیماری نیست، مشروط به آن که زودگذر باشد، بدین علت که افراد به‌گونه‌ای پرورش‌یافته و تجهیز می‌شوند که پاسخگوی همان محیط باشند بنابراین با تغییر محیط، واکنش‌های روحی مهاجران از این نظر نه‌تنها طبیعی و حتی لازم است. (کاظم‌زاده، رضا).

بحران مهاجرت یک بحران بیرونی است یعنی یک شوک است که از بیرون به فرد وارد می‌شود، بنابراین رفع آن، هم به داشتن توانایی‌های فردی برای سازگاری و هم به سازوکارهای تعبیه شده برای ادغام، در جامعه میزبان مرتبط است. به طور کلی فرایند مهاجرت را می‌توان به چهار مرحله مجزا تقسیم نمود، چگونگی گذر از این مراحل برای همه یکسان نیست و ممکن است شماری از مهاجران برخی از مراحل را تجربه نکنند.

مراحل بحران مهاجرت

۱- مرحله گسست و انکار: در ابتدای ورود، فرد به شرایطی واقف می‌شود که در ارزیابی‌های قبلی خود به آن‌ها توجه نکرده بود، این عوامل به طور عمده معطوف به جنبه‌های ارزشی، عاطفی و روابط شخصی است که فرد پس از مهاجرت کمبود و یا مغایرت آن‌ها را تجربه می‌کند. گسست به معنی کنده شدن از شبکه روابط عاطفی دوستی و خانوادگی و خویشاوندی و از دست دادن پشتیبانی و حمایت‌های معنوی این شبکه و نیز منزلت و اعتبار اجتماعی او است. هر چه سن مهاجر بیشتر باشد اثر از دست دادن شبکه روابط عمیق‌تر است. در این مرحله مهاجر احساس غریبگی، تنهایی و بی‌کسی می‌کند، و فکر می‌کند ادامه زندگی‌اش با شرایطی که او دارد امکان‌ناپذیر است، در مهاجرت‌های خانوادگی حس تنهایی ضعیف‌تر است، اما احساس سنگین بار مسئولیت، بحران را عمیق‌تر می‌کند. سازوکار دفاعی فرد مهاجر با شرایط گسست، رد و انکار است، هرچه را که می‌بیند نادرست و ناروا و درستی همان‌هاست که در کشورش جریان داشته است، دید به گذشته با احساسی نوستالژیک دارد. شاید برای برخی از افراد مرحله گسست و انکار بعد از مدت کوتاه شیفتگی که با دیدن مظاهر و مزایایی که در کشورش وجود نداشته، رخ دهد. مدت این مرحله بسته به شرایط فردی و امکانات اجتماعی و طبقاتی افراد، متفاوت است اما برای همه مهاجران، اجبارها، ضرورت‌ها و برنامه‌های فشرده روزمره، فرد را مجبور به تحمل و سپس خروج از این مرحله می‌کند.

۲- مرحله رضایت نسبی: در این مرحله فرد زبان کشور میزبان را فراگرفته و تا حدی به فرهنگ و ارزش‌های آن واقف شده است، امکانات اجتماعی آنجا را شناخته و از آن استفاده

وجود انواع آزادی‌های بیان و شیوه‌های زیست، امکان انتخاب‌های فردی، امنیت برای اقلیت‌های قومی، دینی، جنسی و جنسیتی، و... به‌عنوان عوامل جاذبه برای فرد مهاجر تعریف می‌شود.

یکی دیگر از دیدگاه نظری در این مورد نظریه سیستمی مهاجرت است که دخالت همه عوامل مذکور را نه به‌صورت تک به تک و انفرادی با ضرایب دخالت‌های متفاوت بلکه در مجموع به‌صورت یک‌پارچه در نظر می‌گیرد، در این نگرش به عوامل ارتباط تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هم توجه می‌شود. مهاجرت و انتخاب جامعه مقصد برای افراد سیاسی و مهاجرت‌های دینی و مذهبی چون یهودیان، بهاییان، ارامنه، آسوریان و نیز اقلیت‌های جنسی در چارچوب این دیدگاه قابل تبیین است.

دیدگاه کارکردگرایی (functionalism)، به نیازهای کنشگران اجتماعی نظر دارد و معتقد است که زمانی که تسهیلاتی برای تأمین نیازهای برخی از افراد در جامعه وجود نداشته باشد نیاز به مهاجرت در آن‌ها برانگیخته می‌شود. به عبارتی درک ناهماهنگی بین خصایص فرد و نظام اجتماعی، منجر به مهاجرت شخص در راستای کاهش ناهماهنگی‌های ساختاری می‌شود. نظریه وابستگی، مهاجرت را معلول توسعه نابرابر می‌داند که در دل خود موجب تعمیق نابرابری فضایی می‌گردد. به عبارتی حلقه‌های عدم توسعه‌یافتگی متوازن در جهان، عامل اصلی تحرک مکانی انسان‌ها می‌شود. این نظریه کلان‌نگر است و عوامل را فراتر از جامعه مبدأ و در سطح جهانی جستجو می‌کند. مهاجرت آوارگان جنگی در چارچوب این نظریه تبیین می‌شود. هر یک از انواع مهاجرت‌ها بر مبنای یکی از این دیدگاه‌ها توجیه بیشتری دارد اما به هر حال جابه‌جایی جمعیت در دنیا هم حاصل عدم توازن توسعه فضایی است و هم آن را تشدید می‌کند.

از نظر فرد مهاجر، مهاجرت همواره بحران‌زا است. تصمیم به مهاجرت، مانند هر انتخاب برای ایجاد تغییر بزرگ در زندگی با دلهره و نگرانی همراه است که بعد از ورود به مقصد به بحران مهاجرت تبدیل می‌شود. بحران به معنی تغییر در نظام ارزشی و اختلال در سیستمی که فرد در انطباق با آن خود را آماده کرده و تربیت شده است. (درویش‌پور مهرداد، ۱۴۰۱). بسیاری از بحران‌های زندگی درونی است مانند بحران دوران بلوغ، بحران میان‌سالی و... اما

گفته می‌شود برای مهاجران، بحران مهاجرت عین فرصت است، وقتی فردی در بحران مهاجرت قرار می‌گیرد مجبور می‌شود در خورد و بازخورد با خود و پیرامون خود، به توانایی خود واقف شود و با روزآمد کردن پی‌درپی توانمندی‌های خود، مشکلات را از سر راه بر دارد، برآیند این مبارزه پیدایش فردی متفاوت از قبل با اعتمادبه‌نفس و سازگار برای زندگی در جامعه جدید است. امر مهم در این مرحله دگرذیسی فرد در راستای سازگار شدن با جامعه جدید است. کسب مهارت‌های زندگی در این مرحله شامل تجهیز مهارت‌های فنی، تکنیکی، و نیز تغییرات در دیدگاه‌ها و مهارت‌های ذهنی است. پرورش مهارت‌های تکنیکی امری روشن، سریع و مشهود است اما تغییرات ذهنی افراد، بطی، غیرمشهود و دشوار است و از طریق دگرذیسی هویتی در افراد محقق می‌شود. تغییر هویتی بر دو اصل مبتنی است، اول این که هویت یک امر ذاتی نیست و می‌تواند تغییر کند، و دوم این که بازتولید هویت از طریق تغییر در دو بخش مرکزی و پیرامونی (یا هر دو) محقق می‌شود. (کاظم‌زاده - رضا).

- هویت مرکزی یعنی آن بخش که به ثبات، یکپارچگی و پیوستگی نیاز دارد. یعنی فرد در هر مرحله از زندگی‌اش این احساس را دارد که همان آدم قبلی است و تغییر در زندگی‌اش این ثبات را برهم نمی‌زند و (من امروزین) در واقع ادامه (من دیروزین) است. در مورد مهاجران داشتن مداوم این احساس مهم است، و گسست بین (من‌ها - شخصیت در زمان) تنها از طریق شوک (شوک روحی) ایجاد می‌شود که پیامدی تروماتیزه دارد، و بیمار خود را به دو دوره قبل و بعد از آن شوک تعریف می‌کند. (همان).

- هویت پیرامونی بخش سیال هویت است و کمک می‌کند که فرد بتواند خود را با تغییر شرایط سازگار سازد. این امر در مورد ایفای نقش‌های متفاوت صدق می‌کند بدون آن که ثبات هویتی از دست برود. در واقع این یک توانمندی است که فرد مزبور در غالب این نقش‌ها خود را به‌عنوان فردی دیگر تعریف کند. در مورد فرد مهاجر این بدان معنی است که وی توانایی آن را دارد که متناسب با محیطی که در آن قرار می‌گیرد و نقش‌هایی که به عهده‌اش گذاشته می‌شود خود را تطبیق دهد. بین بخش مرکزی و پیرامونی هویت، مرز مشخصی وجود ندارد و چه‌بسا برخی موضوع‌ها که بخش مرکزی هویتی فرد را می‌سازد، در دوره

دیگری از زندگی جزو بخش پیرامونی وی شود. این را می‌توان در مورد مهاجرانی که در ابتدا، عقاید خیلی سخت و رادیکال داشتند و به‌مرور با درآمیختگی با فرهنگ غربی، از شدت عقایدشان کاسته شده است، مشاهده نمود.

اگر بخش مرکزی هویت بزرگ باشد این بدان معنا است که فرد نسبت به باورها، هنجارها و ارزش‌های خود حساسیت زیادی دارد و همان سبک زندگی قبلی خود را اجرا می‌کند و به نگهداشت همان عادت‌ها اصرار می‌ورزد. این وضعیت در مورد مهاجرانی که حتی بعد از سال‌ها زندگی در کشوری دیگر همان آدم‌های محیط قبلی خود هستند قابل‌مشاهده است، این مهاجران با بهره‌گیری از مزایای کشور میزبان به‌صورت جزایری مجزا بدون برقراری ارتباط معنادار با دیگر گروه‌ها زندگی می‌کنند و حتی در مواردی در مخالفت با انطباق فرزندان و خویشان خود با فرهنگ این کشورها رفتارهای خشن و آسیب‌زا از خود بروز می‌دهند. بزرگی بخش پیرامونی هویتی بدین معنا است که فرد نسبت به قضاوت دیگران توجه زیادی دارد و همواره بر آن است که با انجام آنچه دیگران می‌پسندند توجه آن‌ها را جلب کند، چنین شخصی با سرکوب خواسته‌های خود، اعتمادبه‌نفس خود را از دست می‌دهد. این وضعیت در مورد مهاجرانی که یکسره در فرهنگ کشور میزبان ذوب می‌شوند، صادق است. (کاظم‌زاده، رضا). تناسب متوازن این دو بخش حامل تعادل‌های شخصیتی فرد مهاجر می‌شود.

از سوی دیگر هویت برساخته روابط انسانی است بدین معنی که هویت‌های فردی و گروهی در روابط با افراد و گروه‌های دیگر شکل می‌گیرد، از این دیدگاه هویت فرد مهاجر متأثر از نگاه و

باوری است که دیگران ساکن در کشور میزبان به او دارند؛ بنابراین اگر مهاجران با دیدگاه منفی کشور مقصد روبرو شوند واکنش تدافعی و گاه خشونت‌آمیز خواهند داشت.

۴- مرحله پذیرش و ادغام: برخی این مرحله را جهت‌گیری‌های نوین نام نهاده‌اند (درویش‌پور، مهرداد). در این مرحله فرد بالاخره جایگاه خود را در جامعه یافته و آن را تثبیت و پایدار کرده است، شغلی دارد، بسیاری از ناشناخته‌ها برایش آشنا و روشن شده و به‌طور کلی پایش به زمین سفت جامعه جدید رسیده است و به زندگی در آن تعلق خاطر پیدا کرده است.

ادغام کامل به مفهوم آن است که هم فرد مهاجر زندگی در جامعه جدید را باور و قبول کند و هم جامعه جدید فرد مهاجر را در خود بپذیرد، همان طور که اشاره شد گذر موفق از این فرایند به توانمندی و مهارت‌ها، پایگاه طبقاتی و شرایط مادی فرد مهاجر مرتبط است، افزون بر آن و به همان میزان اهمیت به سازو کارهای پذیرش مهاجران و در بر گرفتن آن‌ها در جامعه میزبان هم بستگی دارد. ***

منابع و مآخذ بخش چهارم

- ۱- برومند زاده و محمد. نوبخت، محمد. مروری بر نظریات جدید مهاجرت. فصلنامه جمعیت شماره ۹۰-۹۸
- ۲- توکل [محمد و عرفان منش، ایمان. دوره‌های مهاجرت ایرانیان
- ۳- گیدنز، آنتونی. نظریه‌های مهاجرت، ادغام قومی ۱۷۸۳:۱۷۳۷
- ۴- بری؛ سم و دیگران. استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری. ۲۰۰۵
- ۵- درویش پور، مهرداد. مهاجرت و قومیت، نگاهی به چندگانگی مهاجرت در سوئد. ۲۰۲۱
- ۶- کاظم زاده، رضا. هویت و مهاجرت. سخنرانی سخنرانی در هلند. ۱۱ مارس ۲۰۱۶

درباره نویسنده

قمر فلاح دانش‌آموخته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران است.

او نزدیک به سی سال در آمارهای اجتماعی، کارشناس اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری، بافت‌های فرسوده و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای فعالیت کرده است. خانم فلاح درعین حال پژوهش‌هایی در زمینه زنان عشایری، زنان روستایی، آسیب‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی انجام داده است.

قمر فلاح در دهه ۱۳۷۰ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه شهید بهشتی در زمینه جامعه‌شناسی تدریس کرده است.





فروشگاه دانیکا افتتاح شد

انواع آجیل و محصولات ایرانی، برنج، کنسرو، سبزیجات خشک
انواع چای و دمنوش ایرانی



با قهوه و شیرینی
مهمان ما باشید

5571 Boul. de la Verendrye Montreal, QC H4E 3R6



A Plus Quality Nuts

وارد کننده خشکبار

توزیع کننده مواد غذایی ایرانی به صورت عمده و خرده فروشی



تلفن : 514-691-0002

اینستاگرام : @aplusqualitynuts



شنبه تا سه شنبه: ۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰
چهارشنبه تا جمعه: ۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰

1605 Louvain O, Montreal, H4N 1G6 دارای پارکینگ VISA Mastercard

بهروز باباخانی

Behrooz Babakhani

مشاور رسمی وام مسکن،
بیمه و برنامه‌های بازنشستگی

با بیش از ۱۴ سال سابقه موفق
در زمینه تهیه وام مسکن
در استان کبک

Mortgage Broker &
Financial Security Advisor

Behrooz@Babakhani.ca

514-606-5626



دارالترجمه رسمی فرهنگ

BUREAU DE TRADUCTION FARHANG

FARHANG TRANSLATION OFFICE



001 514 691 4383

N.DAVOUDI@FARHANG.CA

2000, MCGILL COLLEGE
6TH FLOOR, MONTRÉAL
QUÉBEC, CANADA, H3A 3H3

شعبه
کانادا

+98 21 6642 1511

6694 8154

N.DAVOUDI@FARHANG.CA

تصویر: تکثیر شماری، فعالیت
بلوار کشاورز نبش کوچه گلری
پلاک ۵۷۳، طبقه ۲، واحد ۷

شعبه
ایران

مزگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه
طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا



Mojgan Rajabi

Senior financial
security adviser

bimeh.ca

bimeh.ca

514-296-7306

bimeh.ca@gmail.com

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.



www.ravadiid.ca

info@ravadiid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
سرمایه گذاری و کار آفرینی
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
اکسپرس انتری
ویزای توریستی
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
اسپانسرشیپ همسر والدین
خدمات اسکان اولیه
و...

تماس رایگان در آمریکای شمالی:

Free Tell & fax:

1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی

+1(514) 797-6850 (Ottawa head office)

+1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI

RCIC, R533715



وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



Riahi Legal

نیوشا ریاحی

WWW.RIAHILEGAL.COM



- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه‌های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونترال

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود

مشاور املاک مسکونی و تجاری

خریده، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک
مسکونی، تجاری و صنعتی
خرید و فروش بیزنس ها
کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره
همراهی در کلیه امور مربوط به محضر



هلیا حارثی دوست

(514) 996-1065

helia_realtor_intl

helia@londonogroup.com

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

Proxim

داروخانه پروکسیم شادی کبک



بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

در خیابان سن لوران

PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما
در سراسر منطقه مونترال بزرگ، لاول و ساوت شور

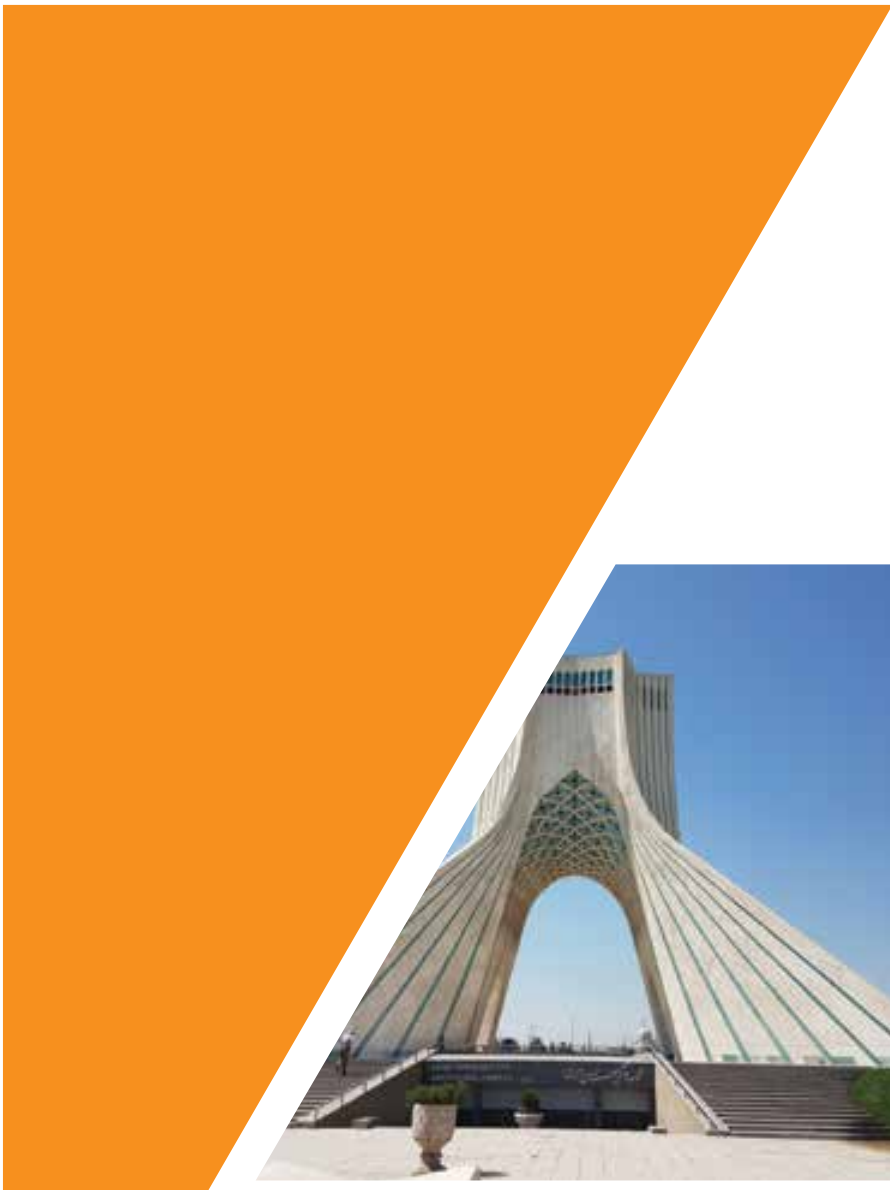
دسترسی شما به دارو همه روزه
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org



گزارش
ویژه





بیش از ۲۰۰ روز از ربوده شدن الناز می‌گذرد

دوست پسر سابق الناز که متهم به تلاش برای قتل و آدم‌ربایی است؛ در جلسه دادگاه وثیقه در جواب سؤال‌ها می‌خندید **پلیس: محمد لیلو کمک نمی‌کند** **وکیل لیلو: او متهم نیست**

بیش از ۲۰۰ روز از ربوده شدن این دختر ایرانی در ساحل واساگابیچ گذشت

محمد لیلو، دوست پسر سابق الناز حاج تعمیری که به اتهام تلاش برای قتل و آدم‌ربایی در رابطه با ناپدید شدن الناز حاج تعمیری؛ یک ماه است در بازداشت به سر می‌برد؛ در جلسه دادگاه روز سه‌شنبه ۱۶ اوت که مربوط به وثیقه برای آزادی‌اش بود؛ در جواب سؤال‌ها لبخند می‌زد و صحبت‌ها را با خنده‌هایش قطع می‌کرد. دادگاه با همین موضوعیت در روز پنجشنبه ۱۸ اوت هم ادامه پیدا کرد و بعد از ۸ ساعت مذاکره درباره آزاد شدن و یا نشدن او از زندان، ادامه دادگاه به‌روز دوشنبه ۲۲ اوت در شهر «بری» موکول شد.

پرونده دزدیده شدن الناز حاج تعمیری همچنان در هاله‌ای از ابهام و اطلاعات گسسته‌ای که منتشر می‌شود؛ ادامه دارد. او که بیش از ۲۰۰ روز است، بی‌هیچ نشانی از زنده بودن و یا مرگ در خبرها «منتشر» می‌شود؛ چند روز پیش، ۳۸ ساله شد. دوست پسر سابقش، محمد لیلو؛ در زندان است اما با این امید که بتواند با «وثیقه» آزاد شود.

داستان محمد لیلو در این پرونده به‌اندازه خود پرونده پیچیده است. کسی

که متهم است؛ پلیس می‌گوید همکاری بسیار کمی با آن‌ها دارد و گزارش می‌شود در دادگاه «می‌خندد.»

لیلو که پلیس بعد از ۱۰۰ روز از ناپدید شدن الناز؛ تازه نام او را افشا کرد؛ تنها «نه» روز پس از بوده شدن الناز، به آزار و اذیت متهم و بازجویی شده بود. او درست در همان مکانی که الناز به آن پناه برده بود؛ کارآگاه گذاشته بود تا او را تحت‌نظر داشته باشد و به‌قول معروف ریپورتش را به او بدهند.

محمد لیلو که به‌واسطه جست‌وجویی که ما در صفحه فیس‌بوک او داشته‌ایم؛ به نظر می‌رسد؛ تباری عراقی دارد؛ ۳۵ ساله و ساکن مونتreal است. او هفته پیش از زندان Penetanguishene در انتاریو به دادگاه آورده شده بود؛ جایی که بر اساس جست‌وجوهای ما؛ قبلاً به‌عنوان Super jail شناخته می‌شد، زندانی با حداکثر امنیت که تنها مرکز اصلاح و تربیت خصوصی بزرگسالان در کانادا بوده است.

فیلم‌هایی از انتقال او به دادگاه منتشر شده که نشان می‌دهد محمد لیلو؛ از



خانواده الناز اخیراً در پی کمپین GoFundMe که حدود ۸۰۰۰ دلار جمع‌آوری کرد، بیلبوردها و تبلیغات روی وسایل حمل‌ونقل عمومی در GTA نصب کردند



محمد لیلو روز سه‌شنبه ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۲ پس از ورود به فرودگاه محلی Lake Simcoe، انتاریو توسط افسران پلیس اسکورت می‌شود تا در دادگاه حاضر شود



نقاشی از چهره محمد لیلو در دادگاه



هارش‌دیپ بینر و ریاست سینگ که به او در زیرزمین خانه‌اش حمله کردند

ربودن الناز را مربوط به پرونده خودروهای سرقتی دانسته بود که توسط یک باند جنایتکار انجام و به آفریقا و خاورمیانه ارسال می‌شدند. وکیل لیلو هم هر اتهامی در رابطه با باند سرقت خودرو با موکلش را رد کرده بود.

مارتین گراهام از پلیس انتاریو؛ موضوع ارتباط پرونده الناز و باند سرقت را؛ نه تأیید و نه رد کرده بود و همچنان مانند روز اول، انگیزه این آدم‌ربایی را نامشخص دانسته و گفته بود؛ پلیس امیدوار است الناز را زنده پیدا کند. خانواده الناز که برای یافتن او یکی از سرشناس‌ترین وکیل‌ها و کارگاه خصوصی را استخدام کرده‌اند، تا به امروز درباره محمد لیلو اظهار نظری نداشته و تنها از مردم خواسته‌اند تا در بازگرداندن الناز به خانه کمک کنند و اگر اطلاعاتی دارند، با پلیس تماس بگیرند.

پرونده الناز حاج تعمیری همچنان باز است و تصاویر او بر اتوبوس‌ها نقش بسته تا شاید کسی او را ببیند و به پیدا شدنش کمک کند.

منبع: وبسایت شبکه خبری barrie.ctvnews

هلیکوپتر پلیس پایین می‌آید؛ درحالی که سعی دارد صورت خود را بپوشاند. وکیل لیلو؛ فیلیپ گرنیر پیش از دادگاه اعلام کرده بود، موکلش خود را بی‌گناه می‌داند. او اظهار امیدواری کرده بود در دادگاه بعدی لیلو به قید وثیقه آزاد شود. گرنیر تاریخ دادگاه را ۱۸ جولای عنوان کرده بود که تقریباً با یک ماه تأخیر و در ماه اوت برگزار شد.

در رابطه با پرونده الناز، دو ضارب او در پارکینگ خانه‌اش هم شناسایی و یکی از آن‌ها - ریاست سینگ در برامپتون - دستگیر شد اما بازمهم گره‌ای از سرنوشت او باز نکرد. ضارب دوم، هارش‌دیپ بینر، همچنان با حکم قضایی دستگیری در کانادا، متواری است.

پلیس پیش‌از این پرونده؛ این دو نفر را متهم کرده بود به سرقت حدود ۲۰ فورد F-150 در ادمنتون و اطراف آن که برای فروش مجدد به خارج از کانادا ارسال می‌شدند. اطلاعاتی که ابتدا ربطی بین آن و پرونده الناز دیده نمی‌شد اما روزنامه تورنتو سان در اوایل همین ماه به نقل از منابع آگاه، ربودن الناز را با یک جریان بزرگ و بین‌المللی سرقت خودرو در کانادا مرتبط دانست.

مضمون این گزارش - بدون اینکه توضیحی درباره کم‌وکیف این ادعا بدهد-

تغییرات سیستم درمان انتاریو و نکاتی که باید درباره آن بدانید

دولت انتاریو مرحله بعدی طرحی را که «طرح باز ماندن» (Plan to Stay Open) نامیده شده است، پیش از آن چه احتمالاً افزایش بیماری‌های تنفسی در چند ماه آینده خواهد بود، منتشر کرده است.

این طرح بر «ثبات و بهبود سیستم مراقبت‌های بهداشتی» متمرکز است و هدف آن افزودن هزاران نیروی مراقبت‌های بهداشتی و آزادسازی تخت‌های بیمارستانی است. مقامات گفته‌اند که این روند به کاهش فشار بر سیستم بهداشتی که در چند ماه گذشته به دلیل کمبود نیروی انسانی به شدت تحت فشار قرار داشته است کمک خواهد کرد.

در سند ۱۸ صفحه‌ای که روز پنجشنبه منتشر شد، آمده است: «از لحاظ تاریخی، پاییز و زمستان زمانی است که موارد بیماری‌های تنفسی افزایش می‌یابد و بر بخش‌های اورژانس، بیمارستان‌ها و دیگر بخش‌های سیستم بهداشتی از جمله بخش مراقبت‌های طولانی‌مدت فشار وارد خواهد شد.»

انتقال ساکنان مراقبت طولانی‌مدت به خانه‌های جایگزین

دولت محافظه کار مترقی قانونی را معرفی خواهد کرد که به بیماران سالخورده در بیمارستان اجازه خواهد داد تا زمانی که جا در مکان مورد نظرشان باز شود، به یک خانه‌ی مراقبت طولانی‌مدت منتقل شوند. مقامات گفته‌اند که این سیاست جدید ۲۵۰ تخت بیمارستانی را در شش ماه اول آزاد می‌کند.

دولت گفته است که شیوه‌نامه‌هایی اجباری صادر خواهد کرد تا اطمینان حاصل شود که بیماران در نزدیک عزیزان خود باقی خواهند ماند و هیچ هزینه اضافی هم وجود نخواهد داشت. باین حال، جزئیات کمی در مورد این شیوه‌نامه‌ها ارائه شده است.

وزیر مراقبت‌های طولانی‌مدت، پل کالندرا، گفته که این موضوع تضمین می‌کند که بیماران از مراقبت‌های مناسب برخوردار شوند.

وی افزوده است: «متأسفانه بیمارانی هستند که به گفته پزشکان دیگر نیازی به بستری شدن در بیمارستان ندارند. علی‌رغم این موضوع، آنان نمی‌توانند به خانه بروند، زیرا به مراقبت‌های اضافی نیاز دارند. این اصلاحات، در صورت تصویب، انتقال موقت این بیماران را به یک خانه مراقبت طولانی‌مدت آسان‌تر می‌کند، جایی که می‌توانند مراقبت‌های مناسب‌تری را در محیطی راحت‌تر دریافت کنند.»

او خاطر نشان کرده است که بیماران برخلاف میل خود مجبور به ترک بیمارستان نخواهند شد، اما این قانون

اجازه می‌دهد تا گفت‌وگوها بین هماهنگ‌کننده‌ها، سالمندان و خانواده‌های آنها دنبال شود.

کالندرا همچنین گفته است که در نتیجه‌ی این سیاست، هر کس که منتظر تختی در یک مرکز مراقبت طولانی‌مدت است، از فهرست انتظار حذف نخواهد شد.

آخرین باری که دولت انتاریو گفت که بیماران بیمارستانی را برای آزاد کردن فضا به خانه‌های مراقبت طولانی‌مدت منتقل می‌کند، در آوریل ۲۰۲۱، در بحبوحه‌ی موج سوم همه‌گیری، بود. این به‌عنوان اصلاحیه‌ای در قانون مدیریت اورژانس و حفاظت مدنی انجام شد و به این معنی بود که بیماران را می‌توان بدون رضایت آنها یا موافقت تصمیم‌گیرندگانشان جابه‌جا کرد.

تخت‌های مراقبت طولانی‌مدت که برای کووید-۱۹ در نظر گرفته شده‌اند نیز تا پایان تابستان در دسترس خواهند بود. مقامات می‌گویند که این تصمیم بر اساس توصیه‌ی مدیر ارشد پزشکی انتاریو گرفته شده است و ظرف شش ماه ۱۰۰۰ تخت آزاد خواهد شد. آنها همچنین امیدوارند برنامه‌ای را گسترش دهند که به امدادگران اجازه می‌دهد بیماران را به جایی غیر از اورژانس منتقل کنند یا آنها را در محل درمان کنند. این طرح مشخص می‌کند که این سیاست‌ها به جای ایجاد تخت‌های جدید، تخت‌های بیمارستانی را به اصطلاح «آزاد» یا در دسترس قرار خواهد داد.

سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی

به گزارش «سی‌پی ۲۴»، دولت انتاریو گفته است که در حال سرمایه‌گذاری بیشتر برای افزایش جراحی‌ها در بیمارستان‌های کودکان و درمانگاه‌های خصوصی تحت پوشش طرح بیمه درمانی انتاریو (معروف به اوهیپ) است. آنها همچنین بیش از ۱۵۰ هزار ساعت کار اضافی را برای دستگاه‌های ام‌آر‌آی و سی‌تی‌بی بیمارستانی فراهم خواهند کرد.

دولت داگ‌فورد اخیراً به دلیل پیشنهاد خصوصی‌سازی مراقبت‌های بهداشتی به‌عنوان راهی برای کاهش بار بیمارستان‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است. از آن زمان، هم نخست‌وزیر و هم وزیر بهداشت مصر بوده‌اند که انتاریویی‌ها می‌توانند با استفاده از کارت بیمه درمانی به خدمات دسترسی پیدا کنند.

سیلوپا جونز، وزیر بهداشت، گفته است: «باید جسور، نوآور، خلاق و نیز شفاف باشیم. مردم انتاریو همیشه با کارت اوهیپ خود به مراقبت‌های بهداشتی دسترسی خواهند داشت.»

افزودن کارکنان بیشتر

به گزارش «گلوب‌اند‌میل»، دولت فورد متعهد شده است تا ۶۰۰۰ کارمند مراقبت‌های بهداشتی دیگر را به سیستم انتاریو اضافه کند.

برای انجام این کار، دولت به طور موقت هزینه‌های آزمون‌ها، درخواست و هزینه‌های ثبت‌نام پرستاران آموزش‌دیده و بازنشسته‌ی بین‌المللی را پوشش خواهد داد. این امر موانع مالی را کاهش خواهد داد و حدود ۱۵۰۰ دلار صرفه‌جویی برای کارکنان در پی خواهد داشت.

دولت همچنین گفته است که هزینه‌های آژانس‌های کاریابی پرستاران را تثبیت خواهد کرد. این طرح می‌گوید که این نرخ‌ها به طور قابل توجهی افزایش یافته است و «بی‌ثباتی برای بیمارستان‌ها، خانه‌های مراقبت‌های طولانی‌مدت و بخش‌های اورژانس ایجاد کرده است.»

جونز با بیان این مطلب، از پاسخ به سؤالی در مورد لایحه ۱۲۴، قانونی که افزایش دستمزد کارکنان بخش دولتی مانند پرستاران را به یک درصد در سال محدود می‌کند، طفره رفت. مدافعان و کارکنان مراقبت‌های بهداشتی گفته‌اند که لغو این لایحه کمک زیادی به حفظ کارکنان خواهد کرد.

گفتنی است که کارکنان آژانس‌های پرستاری، بر اساس نیاز خود در موقعیت‌های مختلف، در شرایطی که یا کمبود نیرو وجود داشته باشد یا بر پایه‌ی قراردادهای کوتاه‌مدت می‌توانند کار کنند.

دولت همچنین افزوده است که بخش‌های اورژانسی که با «تقاضای بالا» روبه‌رو هستند، در صورت نیاز در انتقال بیماران به سایر بیمارستان‌های مجاور حمایت خواهند شد.

علی‌رغم این‌ها، این طرح مورد استقبال کارکنان، مدافعان و سیاستمداران انتاریو قرار نگرفته است. «طرح باز ماندن» در پایان ماه مارس به‌عنوان راهبردی برای «ساختن یک سیستم سلامت قوی‌تر و انعطاف‌پذیرتر که آمادگی بیشتری برای پاسخ به بحران دارد» ارائه شد.

این شامل افزایش دائمی دستمزد کارکنان پشتیبانی، ایجاد دو دانشکده‌ی پزشکی جدید، سرمایه‌گذاری مالی در برنامه‌های پرستاری، تقویت تولید داخلی تجهیزات حفاظت فردی و ایجاد ۳۰۰۰ تخت بیمارستانی جدید در یک دهه آینده بود.

منبع: وبسایت شبکه‌های سی‌تی‌وی، سی‌پی ۲۴، گلوب‌اند‌میل



حسین امانت، معمار نماد ماندگار تهران

نمایشگاهی هم در طبقات بالای آن جای دارد. گنبدی وجهی که طبقه‌ی آخر را می‌پوشاند از تاق‌های سنتی بناهای ایرانی الهام گرفته است.»

از زمان مهاجرت امانت به کانادا در سال ۱۹۸۰، فعالیت حسین گسترش یافته و متنوع شده است. او طراحی مرکز اداری جهانی بهاییان در حیفا، اسرائیل، کتابخانه‌ها و کارخانه‌های دانشگاهی در چین، ساختمان‌های بلندمرتبه چند منظوره در سن دیگو، آپارتمان‌های مسکونی در سانتا مونیکا، معبدی در ساموآ، مرکزی مذهبی و فرهنگی نزدیک دالاس، سیاتل و واشنگتن دی‌سی و خانه‌های مسکونی در کانادا و کالیفرنیا را طراحی کرده است. او اخیراً هم یک پروژه بلندمرتبه‌ی تجاری و مسکونی ترانزیت‌محور در امتداد خط حمل و نقل انبوه ونکوور را به پایان رسانده است.

امانت در تمام پروژه‌های خود مهارت خاصش را در کاربرد و ترکیب مضامین فرهنگی متنوع در خلق طرح‌های متمایز نشان داده است. از این رو، جوایز طراحی متعددی گرفته و در موسسات و کنفرانس‌های فرهنگی و آموزشی بسیاری در زمینه هنر و معماری سخنرانی کرده است.

گفتنی است که امانت شرکت طراحی ارک را در سال ۱۹۶۶ در ایران پایه گذاشت و پس از مهاجرت به کانادا آن را به ونکوور منتقل کرد. این شرکت هم‌اکنون زیر نظر مستقیم امانت خدمات برنامه‌ریزی، معماری و طراحی داخلی را در سراسر جهان ارائه می‌دهد و سخت متعهد به تعالی در طراحی و اجرا، حساسیت به زمینه‌های محیطی و فرهنگی هر پروژه و پایبندی به استانداردهای هنری است.

منبع: وب‌سایت‌های مومت کریستو، تارنمای شخصی حسین امانت، بدون، بی‌بی‌سی انگلیسی، رویترز و ایران‌چمبر

«حسین امانت» معمار نمادی بسیار معروف در پایتخت ایران، تهران است. می‌توان گفت احتمالاً هیچ ایرانی نیست که تهران را با آن نشناسد و این نماد چیزی نیست جز برج معروف «شهید» که پس از انقلاب اسلامی نامش به برج «آزادی» تغییر کرد.

به گزارش هفته، حسین امانت، معمار ایرانی که پس از انقلاب اسلامی به کانادا مهاجرت کرد، در سال ۱۳۲۱ در خانواده‌ای کاشانی‌الاصل در تهران زاده شد. او که دانش‌آموخته‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران است از دانشجویان معمار نامی ایران، هوشنگ سیحون، بوده است.

حسین امانت شهرت خود را به عنوان یک جوان فارغ‌التحصیل در سال ۱۹۶۶ با برنده شدن در مسابقه سراسری طراحی بنای یادبود شهید در تهران که از آن زمان به نماد ایران مدرن تبدیل شده است، تثبیت کرد. این اولین پروژه معماری او به فرصتی برای ایجاد برخی از معتبرترین ساختمان‌های مدرن ایران از جمله مراکز صنایع دستی، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و شهرکی در دریای کاسپین منجر شد. او همچنین سفارت ایران در پکن را طراحی کرد که یکی از ساختمان‌های ممتاز در محله‌ی دیپلماتیک آن شهر است.

امانت، در تارنمایش، درباره‌ی برج شهید چنین نوشته است: «این بنای تاریخی، برای نشان دادن تمدن و فرهنگ ایرانی در طول اعصار، در تلاش است تا تصویری از سهم مهم ایران در تاریخ جهان ارائه دهد. این بنا که در میدان بزرگی قرار دارد دروازه‌ی ورود به تهران به شمار می‌رود. این سازه شامل چهار ستون عظیم است که در بالا به هم متصل شده‌اند و چهار تاق را شکل داده‌اند و در میدانی از فواره‌ها و محوطه‌سازی‌هایی با طرح‌هایی مشابه باغ‌های باستانی ایرانی قرار دارند. موزه‌ای هم در زیر برج و دو سالن

BMO  **Bank of Montreal**

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره
و
در سریع ترین زمان ممکن
در سرتاسر کانادا

**Top Performer
of years
2020 & 2021**

514-834-8053
mehrdad.moradkhani@bmo.com



ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما**

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفتری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>
info@elanaccounting.ca




دفتر ترجمه فیروزه ماسیحا

عضو رسمی انجمن مترجمان کبک (OTTIAQ)
عضو رسمی انجمن مترجمان اونتاریو (ATIO)
ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری




**10%
promotion for new Year**

+1 438-920-9305
Firoozehmasiha@yahoo.com



ارسلان براهنی فیلمساز

**Minima
Films**





سیاست
اقتصاد
جامعه

از یهودستیزی تا اسلام‌ستیزی

محمود عباس (ابومازن) رئیس دولت خودگردان فلسطین در جریان مصاحبه‌ی مطبوعاتی مشترکش با اولاف شولتس صدراعظم آلمان با مشکل روبرو شد. عباس که به‌منظور جلب حمایت دولت آلمان از مسئله‌ی فلسطین به آن کشور سفر کرده بود، در مصاحبه‌ی مطبوعاتی‌اش، مورد پرسش «تحریک‌آمیز» یکی از خبرنگاران قرار گرفت و کنترل خود را بر زبانش از دست داد!

خبرنگار از ابومازن پرسید که بعد از گذشت پنجاه سال از حادثه‌ی مونیخ آیا زمان آن فرا نرسیده است که او به‌عنوان رهبر فلسطینی‌ها از آلمان و اسرائیل عذرخواهی کند؟ اشاره‌ی خبرنگار به حمله‌ی چریک‌های وابسته به سازمان سپتامبر سیاه بود که در سال ۱۹۷۲ در جریان بازی‌های المپیک تابستانی مونیخ به محل اقامت ورزشکاران اسرائیلی در آن شهر حمله کردند و شماری از آن‌ها را گروگان گرفتند.

هدف چریک‌ها، مبادله‌ی گروگان‌ها با تعداد قابل‌توجهی از فلسطینی‌های زندانی در اسرائیل بود. دولت وقت اسرائیل اما خواسته‌ی آن‌ها را نپذیرفت و به محل گروگان‌گیری حمله کرد. نتیجه‌ی این حمله فاجعه‌بار بود. گروگان‌ها به همراه تعدادی از چریک‌ها کشته شدند. اسرائیل دیگر افراد دخیل در این گروگان‌گیری را مورد تعقیب قرار داد و تک‌تک آن‌ها را شکار کرد.

ابومازن که از پرسش خبرنگار آشکارا به خشم آمده بود، در پاسخ او گفت؛ در طول پنجاه سال گذشته، دولت اسرائیل پنجاه بار علیه مردم فلسطین دست به هولوکاست زده است. ظاهراً ابومازن فراموش کرده بود که اسرائیل و کشورهای حامی آن در جهان غرب نسبت به واژه‌ی «هولوکاست» بی‌اندازه حساسیت دارند و از همین رو، این واژه را در وصف حملات اسرائیل علیه مردم فلسطین چندین بار تکرار کرد.

اولاف شولتس از شنیدن این واژه از دهان ابومازن چهره در هم کشید، اما مانند افراد غافلگیر شده واکنشی به آن نشان نداد.

بلافاصله پس از پایان مصاحبه، احزاب مختلف حاکم بر اسرائیل به‌تندی نسبت به سخنان ابومازن واکنش نشان دادند و ضمن معرفی عباس به‌عنوان «منکر هولوکاست» از غافلگیری شولتس در برابر او به‌سختی انتقاد کردند.

اولاف شولتس هم برای محکوم کردن اظهارات ابومازن تأخیر را جایز ندانست و پس از آن مقام‌های اتحادیه‌ی اروپا نیز با او همراه شدند.

در اسرائیل اما غوغا بالا گرفت. رهبران اسرائیل برای تقبیح سخنان ابومازن با یکدیگر به مسابقه برخاستند و شماری از راست‌گرایان خواستار قطع تماس با او از

سوی مقام‌های دولتی شدند.

در این میان، ابومازن هم با درماندگی ابتدا اعلام کرد که هرگز منکر هولوکاست نشده و چون این سخن اسرائیلی‌ها را راضی نکرد، با صدور بیانیه‌ی هولوکاست را بزرگ‌ترین جنایت تاریخ خواند.

شاید در بین شهروندان غربی واکنش به اظهارات ابومازن طبیعی جلوه کند، بخصوص برای آنان که با ابعاد فاجعه‌ی هولوکاست آشنا نیستند و با توجه به زمینه‌های یهودستیزی بین نیروهای افراطی نژادپرست از تکرار آن فاجعه احساس وحشت می‌کنند.

در چشم یک شهروند خاورمیانه یا دنیای اسلام اما واکنش خشمگینانه به جمله‌ای که نه انکار هولوکاست بوده و نه آن فاجعه را کم‌اهمیت نشان داده است، اقدامی هیستریک و غیرقابل‌هضم است و معنایی جز حساسیت خارق‌العاده نسبت به رنج یهودی‌ها در گذشته و بی‌تفاوتی نسبت به رنج فلسطینی‌ها در حال حاضر ندارد.

هنگامی که موضوع کتاب آیه‌های شیطانی سلمانی رشدی نیز در چنین محیطی وسط می‌آید وضع برای بسیاری از مسلمانان بغرنج‌تر می‌شود. گرچه مجموعه‌ی دنیای اسلام با فتوای قتل رشدی و بخصوص ترور وی همراهی نکرد و جمعی از مسلمانان در محکومیت آن، مواضع صریح و شدیدی در پیش گرفتند، اما کمتر کسی در بین پیروان پیامبر اسلام یافت می‌شود که کتاب آیه‌های شیطانی را خوانده باشد و آن را توهین‌آمیز نیافته باشد.

یک مسلمان عادی در گوشه‌ای از خاور نزدیک یا شرق دنیا از خود می‌پرسد که چگونه رهبران کشورهای غربی توهین به پیامبر اسلام را بخشی از «حق آزادی بیان» اتباع و شهروندان خود به شمار می‌آورند و آن را امری طبیعی می‌دانند؛ اما حتی اشاره به هولوکاست به‌قصد مقایسه‌ی آن با سرکوب فلسطینی‌ها را غیرقابل‌تحمل اعلام می‌کنند و کم‌ترین تحمل و مدارایی در این مورد را جایز نمی‌دانند!

همین‌طور چگونه است که کشورهای اروپایی و آمریکا، نسبت به رنج و مشقت یهودیان در اردوگاه‌های کار اجباری نظام هیتلری که میلیون‌ها تن از آنان را به شیوه‌ای غیرانسانی و وحشیانه، طعمه‌ی مرگ و کوره‌های آدم‌سوزی کرد، به‌درستی حساسیت نشان می‌دهند، اما در مقابل ۷۰ سال آوارگی و زندگی فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های پراکنده و یا محاصره کردن شهرهای آنان در کرانه‌ی باختری توسط شهرک‌های یهودی‌نشین و تبدیل کردن نوار غزه به بزرگ‌ترین زندان جهان، چندان برانگیخته نمی‌شوند

تا حداقل با تحمیل فشاری به اسرائیل، راه‌حلی برای این معضل ماندگار دنیای معاصر پیدا کنند؟ دولت اسرائیل بخصوص احزاب راست‌گرای قومی و افراطی آن، عملاً خود را در پشت سپر فاجعه‌ی هولوکاست و ماجرای یهودستیزی تاریخی، پنهان کرده‌اند تا هر نوع ظلم و اجحاف علیه مردم بومی سرزمین فلسطین را توجیه و یا از مرکز توجه افکار عمومی دور کنند.

جهان غرب نیز به طور یکپارچه به این داستان کمک می‌کند و برخی محافل متنفذ در آنجا هر روز دامنه‌ی مفهومی یهودستیزی را چنان گسترش می‌دهند که هر نوع انتقاد از رفتار دولت اسرائیل را نیز شامل شود! از نگاه یک مسلمان شرقی این رفتار، به‌کارگیری معیارهای دوگانه و از هر جهت ریاکارانه است و به همین موضوع، بدبختانه زمینه را برای نفی اصالت مبانی «حقوق بشر جهانی» از سوی مسلمانان تندرو و بنیادگرا و تأثیر ادعاهای آنان بر مردم معمولی فراهم می‌کند.

به ادعای بنیادگرایان، عملکرد تبعیض‌آمیز دنیای غرب در برابر یهودستیزی و اسلام‌ستیزی و یا ستم به یهودیان در مقایسه با ستم به عرب‌های مسلمان در فلسطین، به معنای عدم باور و پایبندی آنان به حقوق بشر و در نتیجه عدم اصالت مقوله‌ای به این اسم است.

آن‌ها باتکیه بر این نوع مباحث سفسطه‌آمیز، بحث حقوق بشر را ابزار ساخته و پرداخته‌ی دنیای غرب برای تحمیل فرهنگ و سلطه‌ی سیاسی خود بر سایر نقاط جهان معرفی می‌کنند و ضمن بی‌اعتبار کردن این مفهوم، خودشان را هم از رعایت هر سطح از قید و بندهای حقوق بشری آزاد می‌سازند.

مخاطب عادی آن‌ها با شنیدن این قبیل حرف‌ها اگر هم کاملاً تحت‌تأثیر قرار نگیرد، گیج و مردد می‌شود و موضوع حقوق بشر را از جنس موضوعی پیچیده و غیرقابل‌فهم به حساب می‌آورد. تاندازه‌ای به همین دلیل، در دنیای اسلام رعایت موازین حقوق بشر به خواست اصلی و عمومی مردم تبدیل نمی‌شود.

خلاصه آنکه در بی‌التفاتی مردم خاورمیانه به موازین حقوق بشر، سیاست کشورهای غرب نقش بزرگی بازی می‌کند. این معضل فقط با حل مسئله‌ی فلسطین به صورتی عادلانه و یا حداقل متوازن قابل‌رفع است. چنانچه مسئله‌ی فلسطین با راه حلی قابل‌قبول خاتمه یابد، بحث یهودستیزی هم کم‌رنگ‌تر می‌شود و آنگاه دنیای غرب هم از به‌کارگیری معیارهای دوگانه در این مورد تا اندازه‌ی زیادی خلاص خواهد شد.

نوشته: ماریا مورانی؛ ژورنال دو مونریال
ترجمه: اشکان امیری؛ هفته



کارگران خارجی، بردگان جدید در خدمت کبک

دادگاه کار متوسل شوند. اما اینها شعارهای زیبایی است که شما فقط در دنیای مجازی می‌توانید به آنها دل خوش باشید. درحالی‌که بین رؤیا و واقعیت یک شکاف عمیق وجود دارد و در استان کبک کم نیستند صاحبان مشاغل و کارفرمایانی که حق‌وحقوق کارگران خارجی را پایمال می‌کنند و آنها را به بردگی می‌کشند.

اما چاره این معضل چیست؟ یکی از راهکارها این است که کارفرمایان متخلف را شناسایی و مجازات کنیم؛ کارگران خارجی را با حق‌وحقوق واقعی‌شان در بازار کار کانادا آشنا کنیم و به آن‌ها مجوزهای کار باز بدهیم. خیلی ساده با انجام این تدابیر می‌توانیم زنجیره بردگی کارگران خارجی در کبک را پاره کنیم اما همین کار هم به یک اراده و همت سیاسی قوی نیاز دارد.

معرفی نویسنده مقاله

ماریا مورانی سال ۱۹۶۹ در ابیجان پایتخت ساحل عاج متولد شد و یک مسیحی مارونی است. خانم مورانی یک جرم‌شناس و یک جامعه‌شناس است. او سال ۲۰۰۶ به‌عنوان نامزد بلوک کبکی از حوزه انتخابیه اهانستیک به مجلس عوام کانادا راه یافت و تا سال ۲۰۱۵ نماینده پارلمان بود. او اواخر سال ۲۰۱۳ از انجمن حزبی خود اخراج شد و از آن‌پس به‌عنوان نماینده مستقل فعالیت کرد. خانم مورانی در سال ۲۰۱۵ نیز نامزد حزب نیودموکرات شد اما در انتخابات شکست خورد.

منبع: وب‌سایت شبکه خبری ژورنال دو مونریال

درباره نویسنده:

ماریا مورانی، سیاستمدار، جرم‌شناس و جامعه‌شناس کبکی است. این جستار در ژورنال دو مونریال منتشر شده و درباره کارگران خارجی است.

به کشورش باقی نمی‌ماند. مجوز کار برای کارگران خارجی به طور مستقیم به یک قرارداد انحصاری مرتبط است که اختیارات قابل‌توجهی به کارفرمایان می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت که این دولت فدرال است که اولین حلقه زنجیره بردگی کارگران خارجی را شکل داده است و بدتر از همه این که وقتی کارگر در این زنجیره وارد شد، هیچ گریزگاهی نیز نمی‌تواند متصور شود. تنها وعده‌ای که یک کورسوی امید برای آنها به وجود می‌آورد این است که اگر کارگران رام و مطیع باشند، شاید بتوانند درخواست اقامت دائم بدهند.

در استان کبک یک کارگر خارجی علاوه بر مجوز کار که توسط دولت فدرال صادر شده است، باید گواهی پذیرش کبکی نیز اخذ کند؛ بنابراین کارفرما برای به خدمت گرفتن کارگر خارجی در دو مرحله و دو سطح، کارش به دولت می‌افتد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مقامات بررسی‌ها و راستی‌آزمایی‌های لازم را برای شناسایی شرکت‌های بزهکار انجام می‌دهند یا خیر.

دولت کبک حتی برای ماموریت‌های استخدام کارگران در خارج از کشور، بابت جابه‌جایی کارگران و همچنین تکمیل اسناد اداری، کمک‌هزینه‌هایی را اختصاص داده است. با توجه به کمبود شدید نیروی کار و کاهش سقف مهاجر، نیاز به نیروی انسانی در بازار کار شدید است. از اوت سال ۲۰۲۱ به‌موجب تفاهم‌نامه‌ای که میان دولت کبک و اتاوا منعقد شد، شرکت‌های کبکی می‌توانند جذب کارگران خارجی را برای مشاغل با درآمد پائین دوبرابر کنند و قسمت بد ماجرا این است که بیشترین بهره‌کشی‌ها و سوء استفاده‌ها از کارگران خارجی در همین مشاغل رده پائین اتفاق می‌افتد.

از نظر فنی کارگران خارجی همان حقوق و امتیازات کارگران کانادایی را دارند؛ برابری، دستمزد شرافتمندانه، شرایط مناسب کار و... آنها حتی این حق را دارند که در اعتراض به شرایط کاری خود به

باتوجه به شغلی که دارم، شنیدن حرف‌های زنده و زمخت برای من چندان عجیب نیست. با این حال گاهی از شدت طمع‌ورزی و بی‌انصافی برخی آدم‌ها انگشت‌به‌دهان می‌مانم. از داستان‌ها و ماجراهای تکان‌دهنده و گاه وحشتناک پدوفیل‌ها، قاتل‌ها، تبه‌کاران و گردانندگان پیدا و پنهان شبکه‌های بهره‌برداری از روسپی‌ها صحبت نمی‌کنم چرا که این ماجراها برای من تعجب‌برانگیز نیست از کارفرمایانی صحبت می‌کنم که نه‌تنها کارگران مهاجر خارجی را مورد استثمار قرار می‌دهند بلکه رفتاری غیرانسانی با آن‌ها دارند.

انواع و اقسام این بهره‌کشی‌ها با سهل‌انگاری و مسامحه مقامات و با بی‌توجهی و مماشات آژانس‌های کارایی برای کارگران خارجی اتفاق می‌افتد و به همین علت آب از آب تکان نمی‌خورد. بیش از ۱۲ ساعت کار طاقت‌فرسا در روز در ازای مشتی دلار، اضافه‌کاری‌هایی که غالباً دستمزدی به آن تعلق نمی‌گیرد، شرایط زندگی اسفبار یادآور قرون‌وسطی، قرارگرفتن در معرض مواد سمی و شیمیایی خطرناک، سوء رفتارهای جنسی آزاردهنده، برخوردهای نژادپرستانه، تهدید، توهین، دشنام، الزام به انجام کارهایی صرفاً در جهت تأمین منافع کارفرما مثل برف‌روبی بام خانه و ده‌ها بیگاری دیگر که در اینجا مجالی برای اشاره به آن‌ها نیست. این کارگران یا به عبارت بهتر این بردگان را در بسیاری از نقاط کبک از جمله مزارع، کشتارگاه‌ها، هتل‌ها، رستوران‌ها، کارخانه‌ها، اقامتگاه‌های خصوصی و... پیدا می‌کنیم.

لازم به یادآوری است که حضور و فعالیت همه کارگران خارجی در کانادا به طور مستقیم به یک کارفرما گره می‌خورد. آن‌ها پیش از ورود به کانادا باید یک قرارداد کاری انحصاری امضا کنند. به‌عبارت‌دیگر اگر کارفرما تشخیص دهد که یک کارگر خارجی دیگر به دردش نمی‌خورد و کارآیی لازم را ندارد، برای آن کارگر چاره‌ای جز بازگشت



نامه‌ی نویسندگان، دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران ایرانی، حمله به سلمان رشدی را محکوم کردند

به نقل از «فاکس‌نیوز»، سلمان رشدی در ۱۲ اوت ۲۰۲۲ هنگام سخنرانی در نیویورک مورد حمله با چاقو قرار گرفت. پلیس نیویورک اعلام کرد ضارب نویسنده‌ی کتاب آیات شیطانی، «هادی مطر» ۲۴ ساله و اهل ایالت نیوجرسی است. اندرو وایلی، مدیر برنامه‌های سلمان رشدی، در بیانیه‌ای اعلام کرد که انتظار می‌رود رشدی یکی از چشمان خود را از دست بدهد، عصب یک بازوی او آسیب دیده و ران و کبدش چاقو خورده‌است. رشدی پس از انتقال به بیمارستان، جراحی شد و یک روز بعد، او را از دستگاه تنفس مصنوعی جدا کردند و توانست صحبت کند. مدیر برنامه‌های رشدی گفته است که رشدی در مسیر بهبودی است، اما بهبودی او، مدت زیادی طول خواهد کشید. پلیس آمریکا گفته است که ضارب، از علاقه‌مندان به جمهوری اسلامی است، اما مقامات این حکومت، هرگونه ارتباط با چاقوکشی یا مهاجم را رد کرده و رشدی و پشتیبانان او را مسئول این حمله دانسته‌اند!

منبع: وبسایت‌های اخبار روز و فاکس‌نیوز

گفتنی است که در میان امضاکنندگان نام ۱۰ تن از چهره‌های باهمستان ایرانیان کانادا هم دیده می‌شود: شهرزاد مجاب، استاد دانشگاه تورنتو، غزال مژده‌ی، وکیل حقوق بشر، فرشته مولوی، نویسنده، رضا مریدی، نماینده‌ی اسبق مجلس استانی انتاریو و وزیر اسبق در کابینه‌ی استانی، سعید رهنما، استاد و مدیر مؤسس مدرسه سیاست عمومی از دانشگاه یورک، محمود روغنی، نویسنده، محمد تاج‌دولتی، روزنامه‌نگار، فرخ زندی، استاد دانشگاه یورک، رامین جهانگللو، استاد دانشگاه جیندال، و هایدی مگیثی، استاد بازنشسته‌ی دانشکده مطالعات زنان دانشگاه یورک.

از دیگر امضاکنندگان این نامه می‌توان به تورج اتابکی، استاد مؤسسه تاریخ اجتماعی از هلند، مهرداد درویش‌پور، استاد دانشگاه از سوئد، مهرداد بروجردی، استاد دانشگاه از آمریکا، عباس میلانی، استاد دانشگاه استنفورد آمریکا، مجید نفیسی، شاعر از آمریکا، و ناصر زراعتی، نویسنده از سوئد، اشاره کرد.

شماری از نویسندگان، دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان ایرانی، از جمله ایرانیان کانادا، در محکومیت حمله به سلمان رشدی نامه‌ای سرگشاده منتشر کرده‌اند.

در این نامه آمده است: «ما نویسندگان و شاعران و هنرمندان و دانشگاهیان و پژوهشگران و روزنامه‌نگاران و وکلای ایرانی نهایت تأسف خود را نسبت به حمله وحشیانه بر علیه نویسنده برجسته سلمان رشدی ابراز می‌داریم. در میان بسیاری از فتوایی که از سوی رهبران مذهبی متعصب و تاریک‌اندیش در کشورهای اکثر مسلمان بر علیه سلمان رشدی صادر شد، فتوای سی‌وسه سال پیش آیت‌الله خمینی بیش از همه تعیین‌کننده و نفوذش پایدار بوده است و حکومت جمهوری اسلامی ایران این فتوای متحجرانه و قرون وسطایی را هم‌جهت با بی‌اعتنایی کامل به حق آزادی بیان و آزادی عقیده در داخل و خارج از ایران زنده نگه داشته است. ما قاطعانه این اقدام وحشیانه علیه آقای رشدی را محکوم می‌کنیم و آرزو مند بهبود سریع و کامل او هستیم.»



» استان انتاریو در ابتدای ماه ژوئیه به مصرف‌کنندگان بنزین معافیت مالیاتی اعطا کرد.

آیا تورم در کانادا به قله رسیده است؟

بسیار مؤثری در کاهش تورم داشته است. جدا از تخفیف موقتی مالیاتی که در استان انتاریو به بنزین اختصاص داده شد، به گزارش اداره آمار کانادا عامل اصلی کاهش بها مربوط به کاهش قیمت نفت به دلیل عوامل بین‌المللی همچون کاهش تقاضای آمریکا برای خرید نفت بوده است. به نظر کارشناسان، بهای نفت دوباره مانند گذشته با شدت قبل صعود نخواهد کرد ولی در طی سه‌ماهه دوم امسال افزایشی نسبی و مستمر، یعنی در حدود هشت درصد خواهد داشت. بهای بنزین نسبت به ماه گذشته حدود ۹ درصد کاهش یافته است. همچنین در ماه ژوئیه کاهش بهای بنزین در استان انتاریو حدود دوازده درصد بود که دلیل آن همان‌طور که اشاره شد، تخفیف مالیاتی دولت استانی به مصرف‌کنندگان است که از اول ژوئیه در این استان به اجرا درآمد.

مواد غذایی اما شاهد رشد قیمت بود. دلیل اصلی افزایش بهای مواد غذایی در زنجیره تأمین کالا و همچنین جنگ اوکراین است. باوجود اینکه نرخ کلی تورم کاهش یافته ولی قیمت مواد غذایی از نه و چهار دهم در ماه ژوئن به نه و نه دهم در ماه ژوئیه رسید. در میان اقلام خوراکی، بودند موادی مانند قهوه، تخم‌مرغ و میوه‌های تازه که قیمتشان حتی از ۱۰ درصد نیز فراتر رفت و موجب افزایش تورم در سبد مواد غذایی شد. قیمت نان و محصولات به‌دست‌آمده از غلات شاهد رشد ۱۳ درصدی بودند و دلیل اصلی آن درگیر بودن دو کشور بزرگ تولیدکننده گندم در جهان یعنی روسیه و اوکراین است.

تورم یا شاخص قیمت مصرف‌کننده بر اساس مطالعه و تحلیل قیمت حدود ۷۰۰ قلم کالا که معمولاً در سبد خرید کانادایی‌ها وجود دارد محاسبه می‌شود. پس از حدود یک سال، سرانجام تورم به قله رسید و در ماه ژوئیه روند نزولی به خود گرفت. کاهش نرخ تورم تا رسیدن به نرخ هدف بانک مرکزی - بین ۱ تا ۳ درصد- هنوز فاصله زیادی دارد ولی همین که نرخ به روند نزولی رسیده بسیار نویدبخش است. در میان اقلامی که در مطالعه تورم بررسی می‌شوند معمولاً دسته‌ای گران‌تر و دسته‌ای ارزان‌تر از قبل هستند ولی در مجموع کاهش نرخ تورم دو پیام اصلی به دنبال داشت. یکی اینکه تورم در کانادا به تورم در همسایه جنوبی به‌صورت مستقیم وابسته است و دیگر اینکه سیاست‌های پولی و مالی بانک مرکزی در افزایش نرخ بهره توانسته در بعضی از بخش‌های اقتصاد موجب کاهش نسبی نرخ تورم شود.

تورمی که در ماه ژوئن به بالای هشت درصد رسیده بود در ماه گذشته حدود هفت و شش دهم درصد توسط اداره آمار کانادا گزارش شد و روند رشد قیمت‌ها پس از یک سال رو به‌کندی گذاشت. بااین‌وجود نرخ تورم هنوز از متوسط افزایش دستمزد -حدود ۵ درصد در سطح فدرال- بیشتر است. این موضوع در کبک کمی متفاوت است چرا که میانگین افزایش دستمزد در کبک حدود هشت درصد برآورد می‌شود و دلیل اصلی آن کمبود نیروی کار و برتری نسبی بخش نیروی کار نسبت به کارفرماست. درست مانند آنچه در ایالات متحده رخ داد، کاهش بهای بنزین نقش



تعداد معاملات املاک در ماه ژوئیه در مقایسه با سال گذشته ۲۹ درصد کمتر است.

سؤال مهمی است اما جواب روشن و قطعی ندارد. شرایط بازار در حال تغییر و چرخش به سمت خریدار است اما هنوز این اتفاق به طور کامل رخ نداده است. هستند مناطقی که کماکان از نظر خریدوفروش در اولویت هستند و رقابت همچنان در آن مناطق جریان دارد. اما از لحاظ اقتصادی خرید ملک امروز کمی خطرناک است. به این دلیل که اولاً نرخ بهره وام بالاست و میزان بهره پرداختی به بانکها چندان مقرون به صرفه نیست. دوماً حال که بازار در حال تصحیح شدن است و قیمتها در حال کاهش هستند ممکن است پس از خرید، آن ملک را نتوان - یا حداقل در آینده نزدیک نتوان - دوباره به همان قیمت فروخت. از سوی دیگر، به دلیل کمبود خانههای قابل خرید برای قشر متوسط، اگر کسی در این شرایط به خرید خانه اصرار ورزد و اقدام به خرید خانهای ارزان قیمت کند باید این نکته را در نظر داشته باشد که هر ارزانی بی علت نیست و ممکن است هزینههای تعمیر و بازسازی آن ملک، به ویژه با قیمت کنونی مصالح و مواد اولیه، از حد بودجه خریدار فراتر رود.

پیشروی مصرانه بانک مرکزی در جدال با تورم

با وجود اینکه شواهد نشان می دهند نرخ تورم از ماه ژوئیه به بعد با روند نزولی مواجه خواهد شد اما هنوز با نرخ هدف بانک مرکزی یعنی حدود دو درصد فاصله بسیاری دارد. اقتصاددانان معتقدند بانک مرکزی نباید از روندی که در سیاستهای پولی برگزیده دست بکشد و نباید خوشبینی زودرس حاصل از گذر از قله تورم باعث شود که در مسیر سستی نشان دهد. حال سؤال اصلی اینجاست که آیا با شرایط و وقایع اخیر میزان افزایش نرخ بهره کماکان مانند پیشبینیهای قبل ۷۵ واحد خواهد بود یا به نیم درصد کاهش خواهد یافت؟

دستههای دیگر از اقتصاددانان هم معتقدند پیک کنونی ممکن است پایدار نباشد و باتوجه به عدم قطعیتی که هنوز در اقتصاد و سیاست جهانی وجود دارد این امکان هست که عوامل دیگری باعث افزایش دوباره تورم شوند. به نظر این دسته، تورمی که بدون تأثیر و دخالت دولت، خود در مسیر نزولی حرکت کند پایدار است و هنوز برای اطمینان از پایداری آهنگ نزولی فعلی تورم کمی زود است.

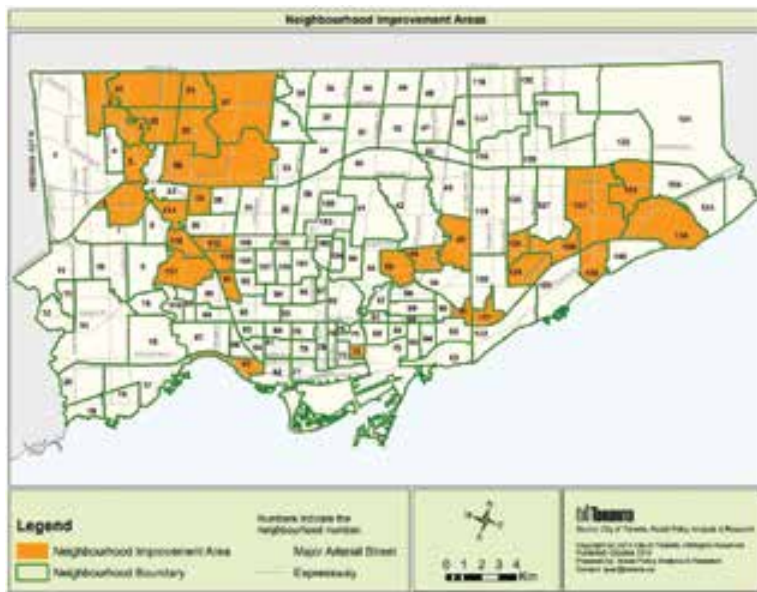
منابع: وبسایت شبکههای خبری سی بی سی و نشریه لودووار

پس از افزایش تقاضا برای سفرهای تفریحی، بهای بلیت و حمل و نقل مسافری به شکل چشمگیری افزایش یافت. به گونه ای که قیمت بلیت هواپیما تنها در عرض یک ماه حدود ۲۵ درصد بالاتر رفت. همچنین قیمت غذا در منوی رستورانها نیز افزایش هفت درصدی را ثبت کردند. اما از آنجاکه با اتمام محدودیتهای مربوط به کرونا و همچنین فرارسیدن فصل تابستان، مردم به مشارکت در تفریحات بیرون از خانه علاقه بیشتری دارند، قیمت ابزار و وسائل کامپیوتری و ویدئویی کاهش یافته است.

سردی در بازار املاک

در شرایطی که بازار مسکن به تدریج از بهترین روزهای خود فاصله می گیرد، تعداد معاملات املاک مسکونی در ماه ژوئیه نیز دچار نوسان شد. طبق اعلام انجمن املاک کانادا ACI تعداد معاملات ملک در پنج ماه گذشته روند نزولی داشته اما در ماه ژوئیه میزان این کاهش - پنج و سه دهم درصد - کمتر از ماههای قبل گزارش شده است. در ماه ژوئیه تنها حدود ۳۷ هزار معامله در بخش املاک مسکونی صورت گرفت که در مقایسه با سال گذشته ۲۹ درصد کمتر است. اگر تنها دوران کرونا را مورد بررسی قرار دهیم، این میزان از حداکثر معاملات - قله نمودار - حدود ۴۰ درصد کمتر شده است؛ بنابراین، ماه ژوئیه در دوران کرونا تا به حال شاهد کمترین تعداد معاملات ملک مسکونی بوده است. دلیل اصلی و مهم این رویداد، همانطور که در هفتههای پیش نیز بیان شد افزایش شدید نرخ بهره معیار بانک مرکزی است که وام گرفتن را برای خریداران سخت تر یا ناخوشایندتر کرده است. با وجود اینکه نرخ بهره بالا رفته و تعداد معاملات کمتر شده است ولی هنوز هستند خریدارانی که منتظرند برای خرید ملک فرصتی مناسب نصیبشان شود. به نظر برخی از کارشناسان، احتمالاً در فصل پاییز شاهد ارائه قیمتهای بهتر یا املاک مناسبتری در بازار مسکن خواهیم بود. پیش از این که بازار داغ تر بود، اگر فردی قصد فروش منزل خود و خرید یک ملک جدید داشت احتمالاً با ریسک کمتری برای فروش ملکش مواجه بود. اما اوضاع به تدریج در حال تغییر است و تعداد معاملات رو به کاهش است؛ بنابراین با دسته ای از فروشندگان طرف هستیم که عجله ای در فروش ندارند و از کاهش قیمتها نیز چندان خشنود نیستند؛ بنابراین در حال صبر کردن برای یافتن موقعیت فروش مناسب هستند.

به غیر از تعداد معاملات، بهای متوسط ملک نیز به حدود ششصد و سی هزار دلار رسید که در مقایسه با سال گذشته حدود ۵ درصد و در مقایسه با ماه پیش از آن حدود سه درصد کاهش یافته است. البته این میزان نسبی است. به عنوان مثال در مناطق مسکونی در جنوب غربی استان انتاریو، تنها بهای املاک نسبت به حداکثر قیمت نمودار حدود ۱۵ درصد کمتر شده است. شهر ونکوور در طی چهار ماه گذشته شاهد افت قیمت املاک مسکونی بوده اما کاهش قیمت در مونترال چندان سریع رخ نداده است. در مونترال قیمت خانه همانطور که در مقایسه با سایر نقاط کانادا مانند تورنتو و ونکوور سریع رشد نکرد، به همان نسبت بهای ملک نیز نسبت به دو ماه گذشته با آهنگ کمتری رو به کاهش گذاشته است. به طور کلی و طبق نظر کارشناسان، شرایط بازار املاک چه از لحاظ تعداد معاملات و چه از لحاظ قیمت املاک در حال بازگشت به وضعیت پیش از کرونا است. سؤالی که در این میان به ذهن می رسد این است که باتوجه به وضعیت کنونی بازار مسکن، آیا اکنون زمان مناسبی برای خرید ملک است؟ این



تصویر نقشه تورنتو و مناطق در حال بهسازی (رنگ نارنجی)



نگاهی به دو منطقه کمتر توسعه یافته در تورنتو؛ شکایت اهالی از کثیفی و نابرابری

آمارها حاکی از آن است که ساکنان شمال منطقه St. James Town حدود ۹ برابر کمتر از میانگین تورنتو، مساحت پارک در دسترس برای هر نفر را در اختیار دارند.

دسترسی عادلانه به فضاهای سبز با کیفیت بالا، توزیع عادلانه منابع و ایجاد فضاهای داخلی عمومی برای فصول سرد از جمله خواسته‌های ساکنان این مناطق است.

طبق گزارشی که وبسایت medium منتشر کرده است، در سال ۲۰۱۴، ۳۱ منطقه از ۱۴۰ منطقه تورنتو به عنوان مناطق در حال بهبود و بهسازی (NIA) شناخته شدند که این مناطق، شاخص رفاه کمتر، فرصت‌های اقتصادی محدودتر و توسعه اجتماعی کمتری نسبت به سایر مناطق دارند. در نقشه زیر این مناطق با رنگ نارنجی نشان داده شده است.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری سی بی سی نیوز و medium

«کیتلین آریزالا»، ساکن قدیمی منطقه Jane and Finch است و به قول خودش، چشمش دیگر نسبت به دیدن نیمکت عمومی خراب برای بیش از پنج سال، کمبود چراغ روشنایی در منطقه، حصارهای پاره شده و سطل زباله‌های سرریز شده در این منطقه عادت کرده است.

او انتقاد می‌کند: «من مجبورم از فضای سبزی استفاده کنم که توجهی به آن نمی‌شود و اهمیتی برایش قائل نیستند. این یک تجربه ناعادلانه و بسیار نامیدکننده است.»

همچنین Nadha Hassen، محقق دانشکده تغییرات محیطی و شهری دانشگاه یورک هم می‌گوید: «محل‌های مانند شمال منطقه St. James Town کمترین میزان فضای سبز برای هر نفر را در سراسر تورنتو دارد. در این شرایط باید فکر کنیم و بررسی کنیم که چرا در چنین محله شلوغ و متراکمی با نیازهای بالا، وضعیت این منطقه این چنین است.»

در برخی مناطق تورنتو، سرانه فضای سبز کمتری به نسبت مناطق دیگر شهر وجود دارد و چهره محله هم کیفیت‌تر است. در گزارشی که سی بی سی منتشر کرده، وضعیت نامطلوب شمال منطقه St. James Town و منطقه Jane and Finch در شمال غربی تورنتو بررسی شده است؛ جایی که اهالی از کثیفی و نابرابری شکایت کرده‌اند.

به گزارش هفته، طبق گزارشی که سی بی سی، منتشر کرده بیش از ۶۵ درصد از مردم هر دو منطقه در زمره اقلیت‌ها و بیش از ۵۰ درصد آنها مهاجر هستند. بر اساس یافته‌های این گزارش، این مشکلات در سایر محله‌های حاشیه‌نشین شهر تورنتو هم رایج است.

منطقه Jane and Finch یکی از ۳۱ منطقه در حال بهسازی در تورنتو اعلام شده است که از نظر فرصت‌های اقتصادی و توسعه اجتماعی در مقایسه با سایر محله‌های تورنتو، رتبه پایینی دارند.

SHEMIRAN
Auto Services

اتوسرویس شمیران
تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلو بندی

سرویس و خدمات
در کوتاه ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262
5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com

Panneton & Panneton
Moving & Storage

تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز در نظر گرفته خواهد شد

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه های مختلف
- تمیز و ایمن با دوربین های نظارتی
- سیستم های اعلام خطر و کنترل دما
- ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099
8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

RE/MAX RE/MAX Platine
Agence Immobilière

رکسان صمیم
مشاور املاک مسکونی

Cell: 438-397-3212

با آشنایی کامل به مونترال و حومه خدمات کاملا رایگان برای خریداران مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش



Roxanne Sameem
Residential Real Estate Broker
Remax Platine
1850 Av. Panama #110
Brossard, QC J4W 3C6
Rokhan.sameem@remax-quebec.com
www.rsameem.com

Pharmacie Golnasim Riahi
داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060



- نوشتن نسخه
- واکسیناسیون
- تست های پزشکی
- مشاوره درمانی
- دریافت نسخه
- دسترسی آنلاین
- انستال پرونده

ارسال رایگان در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6
514 519 3060 438 600 3691
www.riahipharma.com info@riahipharma.com



دانش
حقوق
سلامتی



» ژان پل پرو، رئیس سازمان Impératif français



افول زبان فرانسوی در کانادا ادامه دارد دوزبانه‌ها در کبک از فرانکوفون‌ها بیشتر در آمد دارند

در مؤسسات و نهادهای دولتی، شرکت‌ها و فضای عمومی ترسیم کرده است، از اول سپتامبر آینده به اجرا گذاشته خواهد شد. گرچه وضعیت فرانسه در کبک اصلاً دلگرم‌کننده نیست، اما داده‌های سرشماری ۲۰۲۱ درباره زبان فرانسوی در بقیه بخش‌های کانادا به‌ویژه انتاریو و نیوبرانزویک نیز فاجعه‌بار است. کمتر از نیمی از فرانسوی‌زبان‌های انتاریو (۴۹٪) زبان فرانسوی را بیشتر در خانه استفاده می‌کنند، در حالی که ۴۴٪ از آن‌ها عمدتاً به انگلیسی صحبت می‌کنند و ۶ درصد باقی‌مانده از هر دو زبان به طور مساوی استفاده می‌کنند. اما نیوبرانزویک تنها استان رسمی دوزبانه کانادا است که بیشترین کاهش (منفی ۱.۹٪ درصد) شمار افرادی را داشته که زبان رسمی اول آن‌ها فرانسوی است. انگلیسی، زبان ترجیحی مهاجران در حالی که طبق آمار، زبان فرانسوی در کانادا و کبک در سراسری سقوط قرار گرفته است، دیگر زبان رسمی کانادا یعنی انگلیسی روزبه‌روز تقویت می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که وزن زبان انگلیسی در کانادا از سال ۱۹۷۱ به این‌طرف همواره بیشتر شده و شمار کانادایی‌هایی که زبان رسمی اول آن‌ها انگلیسی است از ۷۴.۸ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۷۵/۵ درصد در سال ۲۰۲۱ رسیده است. در گزارش اداره آمار کانادا آمده است: «درست همانند گذشته، مهاجرت به این روند کمک کرده است زیرا اکثر مهاجران پس از استقرار در کانادا به زبان انگلیسی روی می‌آورند.»

اریک کارون-مالفان Eric Caron-Malenfant، نایب‌رئیس مرکز جمعیت‌شناسی اداره آمار کانادا، تأکید کرد این نهاد اکتبر آینده داده‌های دقیق‌تری را درباره مهاجرت و جابه‌جایی‌های جمعیتی بین استان‌های کانادا منتشر خواهد کرد. علاوه بر این، تعداد کانادایی‌هایی که در خانه به زبانی غیر از انگلیسی یا فرانسوی صحبت می‌کنند، در حال افزایش است. شمار این افراد از ۴ میلیون در سال ۲۰۱۶ به ۴.۶ میلیون نفر در سال ۲۰۲۱ رسیده است. این افراد ۱۲.۷ درصد جمعیت کانادا را تشکیل می‌دهند و این نسبت طی ۳۰ سال اخیر روندی صعودی طی کرده است. در سال ۱۹۹۱ درست زمانی که سطح مهاجرت به کانادا رو به افزایش بود، نسبت این افراد به جمعیت کانادا ۷.۷ درصد بود.

گزارش اداره آمار کانادا همچنین نشان می‌دهد که به غیر از دو زبان فرانسوی و انگلیسی، زبان‌های ماندگارین (گروهی از زبان‌های چینی که در قسمت‌های شمالی و جنوب غربی چین صحبت می‌شود. گویش پکنی که پایه و اساس چینی معیار بشمار می‌رود، زیرمجموعه این زبان است) و پنجابی پرمخاطب‌ترین زبان‌های کانادا در سال ۲۰۲۱ بودند. زبان‌هایی که بیشترین رشد را بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ داشته‌اند، زبان‌های بومی جنوب آسیا از جمله پنجابی هستند.

یک مطالعه دیگر در ارتباط با زبان‌های رسمی مورد استفاده در محل کار در

بر اساس نتایج و داده‌ها سرشماری سال ۲۰۲۱ که روز چهارشنبه توسط اداره آمار کانادا منتشر شد، تعداد فزاینده‌ای از شهروندان کانادایی از زبان مولیر به‌عنوان اولین زبان رسمی خود استفاده می‌کنند باین‌حال نسبت این افراد در سراسر کانادا از سال ۲۰۱۶ به این‌طرف همواره کاهش یافته و حتی استان فرانسوی‌زبان کبک نیز از این روند مستثنی نبوده است.

طبق گزارش اداره آمار کانادا، از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱، تعداد کانادایی‌هایی که فرانسوی‌زبان رسمی اول آن‌ها محسوب می‌شود، از ۷.۷ میلیون نفر به ۷.۸ میلیون نفر افزایش یافته و در طول پنج سال فقط ۱.۶ درصد افزایش یافته است. این میزان رشد به‌مراتب کمتر از رشد ۵.۲ درصدی جمعیت کانادا است. به عبارت دقیق‌تر، نسبت کانادایی‌هایی که فرانسوی‌زبان رسمی اول آن‌هاست، از ۲۲/۲ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲۱/۴ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یافته است.

اما روند نزولی آمار فرانسوی‌زبان‌ها در کانادا چیز جدیدی نیست. از سرشماری سال ۱۹۷۱ که برای اولین بار در آن اطلاعات زبانی شهروندان نیز جمع‌آوری شد، وزن جمعیتی زبان فرانسوی در کانادا رو به کاهش بوده است. سرشماری آن سال نشان داد که فرانسوی، زبان رسمی اول ۲۷/۲ درصد کانادایی‌ها است.

در گزارش اداره آمار کانادا آمده است بیشتر شاخص‌های مربوط به تغییر و تحول زبان فرانسه در کانادا همین روند را دنبال می‌کنند و بررسی‌ها نشان می‌دهد که شمار گویشوران سایر زبان‌ها نسبت به زبان فرانسوی رشد سریع‌تری دارد.

حتی استان کبک نیز از این قاعده مستثنی نیست. گرچه شمار گویشوران زبان فرانسوی در استان زیبا افزایش یافته و از ۶.۴ میلیون نفر به ۶/۵ میلیون نفر رسیده، وزن جمعیتی آن‌ها کاهش یافته و از ۷۹ درصد به ۷۷/۵ درصد رسیده است.

طبق گزارش اداره آمار کانادا، این روند نزولی از سال ۲۰۰۱ در استان کبک شروع شده است و همچنان ادامه دارد.

ژینت پوتیپا تیلور Ginette Petitpas Taylor، وزیر فدرال زبان‌های رسمی کانادا، در بیانیه‌ای تأکید کرد داده‌های سرشماری درباره زبان‌های رسمی نگران‌کننده است و صحت هشدارهایی را که پیش‌از این دولت داده بود، نشان می‌دهد. واقعیت این است که زبان فرانسوی در کانادا و حتی در استان کبک به خطر افتاده است.

وزیر زبان‌های رسمی کانادا از همین فرصت استفاده کرد و بر اهمیت تصویب سریع لایحه C-۱۳ که با هدف به‌روزر کردن قانون زبان‌های رسمی تهیه شده است، تأکید کرد. خانم تیلور همچنین تصریح کرد دولت در طرح اقدام آتی خود درباره زبان‌های رسمی، داده‌های زبانی جدید را مدنظر قرار خواهد داد.

فرانسوا لوگو، نخست‌وزیر کبک، نیز در واکنش به گزارش اداره آمار کانادا تأکید کرد وضعیت زبان فرانسوی نگران‌کننده است و ما حق داشتیم که برای مقابله با وخامت شرایط، به قانون ۹۶ روی بیاوریم.

قانون زبانی جدید کبک که چارچوب جدیدی برای استفاده از زبان فرانسوی

نقص امنیتی در محصولات اپل؛ هکرها کنترل دستگاهها را در اختیار می گیرند

نقص امنیتی در برخی محصولات اپل، این دسترسی و اجازه را به هکرها داده است تا دستگاههای آیفون، آی پد و مک را به طور کامل کنترل کنند. هکرها می توانند با جعل هویت مالک دستگاه، هر نرم افزاری را به نام صاحب دستگاه اجرا کنند.

به گزارش هفته و به نقل از سی بی سی، شرکت اپل، آسیب پذیریهای امنیتی جدی را برای آیفون ها، آی پدها و دستگاههای مک فاش کرده است. این حفره های امنیتی به طور بالقوه به هکرها اجازه می دهد تا کنترل کامل این دستگاهها را در اختیار بگیرند.

شرکت اپل، دو گزارش امنیتی در مورد این مشکل را روز چهارشنبه منتشر کرد. توضیحات اپل درباره این نقص امنیتی به وضوح به این معنی است که هکر می تواند دسترسی کامل ادمین دستگاه را داشته باشد.

راشل توباک، مدیرعامل SocialProof Security هم می گوید که این نقص امنیتی موجب می شود که فرد هکر، هویت مالک دستگاه را جعل کند و سپس هر نرم افزاری را به اسم ادمین دستگاه، اجرا کند.

راه حلی که برای رفع این نقص امنیتی پیشنهاد شده، به روزرسانی دستگاههای اپل است. کارشناسان امنیتی به کاربران توصیه کرده اند که دستگاههای آسیب دیده شامل iPhone 6S و مدل های بعدی این دستگاه را به روزرسانی کنند. همچنین چندین مدل از iPad شامل نسل 5 به بعد، همه مدل های iPad Pro و 2iPad Air و کامپیوترهای مک که macOS Monterey را اجرا می کنند، نیاز است که این به روزرسانی را انجام دهند. حتی این نقص امنیتی روی برخی از مدل های iPod هم تأثیر می گذارد.

اپل در گزارش خود به این موضوع اشاره نکرده که این آسیب پذیریها و حفره امنیتی، چگونه، کجا و توسط چه کسی کشف شده است. فقط در گزارش اپل به یک محقق ناشناس استناد شده است.

برخی شرکت های نرم افزار جاسوسی مثل گروه NSO اسرائیل به شناسایی و سوء استفاده از چنین نقص هایی معروف هستند. این شرکت ها با آلوده کردن دستگاهها به بدافزارها، اطلاعات شخصی افراد و شرکت ها را جمع آوری می کنند و سپس از این اطلاعات، بهره برداری می کنند.

گروه NSO از سوی وزارت بازرگانی آمریکا در فهرست سیاه قرار گرفته است. نرم افزارهای جاسوسی این شرکت در اروپا، خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین علیه روزنامه نگاران، مخالفان دولت ها و فعالان حقوق بشر مورد استفاده قرار گرفته است. Will Strafach، محقق مسائل امنیتی هم می گوید که تاکنون هیچ تحلیل فنی از اصلاح آسیب پذیری های اخیر اپل، ندیده است. این محقق می گوید از گزارش هایی مبنی بر سوء استفاده از چنین حفره های امنیتی، اطلاع داشته است. همچنین قبلاً هم شرکت اپل به نقایص امنیتی جدی و مشابهی اعتراف کرده بود که این متخصص امنیت، تخمین می زند که تعداد این گونه نواقص امنیتی شاید دهها مورد بوده باشد.

منبع: وبسایت شبکه خبری سی بی سی



از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱، نسبت کاناداییهایی که فرانسوی زبان رسمی اول آنهاست، ۰.۸ درصد کاهش یافته است.

استان کبک نشان می دهد افراد دوزبانه و حتی افرادی که در محل کار صرفاً انگلیسی صحبت می کنند، از افرادی که فقط فرانسوی صحبت می کنند، درآمد بیشتری دارند.

ژان-پل پرو Jean-Paul Perreault، رئیس سازمان Impératif français که برای تقویت و ترویج زبان فرانسه فعالیت می کند، ضمن ابراز ناراحتی از این وضع می گوید: «این توهین آمیز و کاملاً غیرقابل قبول است که ببینیم شخصی که در کبک فقط از زبان انگلیسی استفاده می کند بیشتر از فردی که فقط از زبان فرانسه استفاده می کند، درآمد دارد.»

بر اساس این مطالعه که توسط دفتر اداره زبان فرانسه کبک (OQLF) و بر اساس داده های سرشماری سال ۲۰۱۶ انجام شده است، افرادی که در محل کار فقط از زبان انگلیسی استفاده می کنند به طور متوسط سالانه ۴۶ هزار ۴۷ دلار درآمد دارند که ۲۰ درصد بیشتر از میانگین درآمد ۳۸ هزار ۳۴۶ دلاری کسانی است که فقط از زبان فرانسه استفاده می کنند.

ژان پیر کوربی Jean-Pierre Corbeil، استاد جامعه شناسی دانشگاه لاول، می گوید بسیاری از افرادی که در محل کار فقط انگلیسی صحبت می کنند، کارگران مهاجر فقیر هستند اما افراد بسیار ثروتمند نیز در میان آنها دیده می شوند. فرانسوا ویانکور François Vaillancourt، استاد اقتصاد دانشگاه مونترال، معتقد است که حضور ثروتمندان در این گروه که بسیاری از آنها تاجر هستند، موجب بالا رفتن میانگین درآمد افراد این گروه شده است.

در انجمن مسیحی مردان جوان مستقر در مرکز مونترال چندین کارگر فرانسوی زبان مثل مانوئل ماسپندی برای یادگیری زبان انگلیسی اقدام کرده اند. ماسپندی که قبلاً در بخش اداری کار می کرد، می خواهد در مدیریت منابع انسانی کار کند اما بیشتر تبلیغاتی که در این زمینه منتشر می شود، به انگلیسی هستند.

مارک گرتون ۱۳ سال معلم زبان انگلیسی بوده است. او می گوید تجربه نشان داده است که اگر مردم بخواهند در کبک شغل خوب و پردرآمدی داشته باشند، به زبان انگلیسی نیاز دارند. او می گوید بسیاری از مهاجران فرانسوی زبان از دیدن این وضعیت متحیر شده و برای رشد در بازار کار، دوره های آموزش زبان انگلیسی را شروع کرده اند.

علاوه بر شکاف فزاینده ای که بین استفاده از فرانسوی و انگلیسی در محل کار وجود دارد، مطالعه جدید امتیاز قابل توجه تکلم به هر دو زبان در بازار کار را نشان می دهد. میانگین درآمد افراد دوزبانه به ۵۱ هزار ۲۹۴ دلار می رسد.

به گفته فرانسوا ویانکور دو عامل دیگر نیز به رشد زبان انگلیسی در محل کار در استان کبک کمک کرده است. حدود یک سوم کسب و کارها در کبک تحت کنترل شرکت های غیر فرانسوی زبان است. این امر فرصت و ضرورت استفاده از زبان انگلیسی را افزایش داده است. عامل دیگر، رشد و توسعه بخش هایی مانند فناوری های نوین است. این فناوری ها با داشتن گرایش زیاد به انگلیسی، دوزبانگی را در محل کار افزایش می دهند.

منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونریال



ادعای مقامات وزارت بهداشت جمهوری اسلامی: آبله میمون از کانادا به ایران منتقل شده است

بوده است. در دسامبر ۲۰۲۱ هم مقامات بهداشتی بریتیش کلمبیا اعلام کردند که از پنج مورد ابتلا به نوع آمیکرون کرونا در این استان، یک مورد از ایران وارد شده است.

ماجرای نقل و انتقال ویروسی بین ایران و کانادا فقط هم به آبله میمون و کرونا ختم نمی‌شود. در ژانویه سال ۲۰۲۲ و همچنین در جولای سال ۲۰۲۱ میلادی، اعلام شد که بیماری هاری در دو سگ وارد شده از ایران به کانادا مشاهده شده است. علت ابتلای این سگ‌ها به هاری، استفاده از واکسن‌های تقلبی و غیراستاندارد هاری اعلام شده بود.

آخرین وضعیت ابتلا به آبله میمون در کانادا

آبله میمون یک بیماری نادر است که ویروسی متعلق به خانواده‌ی آبله آن را ایجاد می‌کند. این بیماری که نخستین بار در سال ۱۹۵۸ کشف شد، برای اولین بار در میمون‌های مورد استفاده در تحقیقات در کشورهای آفریقایی یافت شد.

آبله میمون یک بیماری عفونی ویروسی هم‌خانواده‌ی آبله است که اکثر افراد پس از چند هفته خودبه‌خود بهبود می‌یابند، اما به گفته‌ی دفتر بهداشت عمومی کانادا، افراد ممکن است بسیار بیمار شوند و در برخی شرایط هم ممکن است جانشان را از دست بدهند.

علائم آبله میمون شامل بثورات دردناکی است که می‌تواند بین ۱۴ تا ۲۸ روز طول بکشد. آنها می‌توانند با تب، لرز، سردرد، تورم غدد لنفاوی، درد عضلانی، درد مفاصل، کمردرد یا خستگی همراه باشند.

طبق اعلام دفتر بهداشت عمومی کانادا (PHAC) تا ۱۰ اوت امسال، موارد ابتلا به آبله میمون در کانادا به هزار و هشت مورد رسیده که تقریباً نیمی از این موارد در انتاریو بوده است.

آن‌طور که گلوبال نیوز گزارش داده، انتاریو ۴۷۸ مورد آبله میمون را گزارش کرده که این میزان، این استان را به استانی با بیشترین موارد در کانادا تبدیل کرده است. این رقم در کبک ۴۲۵ مورد، در بریتیش کلمبیا ۸۵ مورد و در آلبرتا ۱۶ مورد بوده است. ساسکاچوان و یوکان هم هر کدام دو مورد را گزارش داده‌اند.

منابع: وبسایت شبکه خبری رکنا، ایرنا و msn کانادا

وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اعلام کرده که اولین مورد ابتلا به آبله میمون را در ایران شناسایی کرده است. کمال حیدری، معاون این وزارتخانه اعلام کرده که آبله میمون از کانادا به ایران منتقل شده است.

به گزارش هفته، حیدری درباره فرد مبتلا هم به رسانه «رکنا» توضیح داده است: «اولین مورد شناسایی شده آبله میمون در ایران یک خانم ۳۴ ساله اهوازی است. ایشان ویروس را از همسرش که اخیراً به کانادا سفر کرده، در آخرین روزهای ابتلای همسرش به این بیماری دریافت کرده است. اطرافیان این زن و شوهر هنوز به آبله میمون مبتلا نشده‌اند و خوشبختانه ما آموزش‌های لازم درباره نحوه انتقال این بیماری را به آنها ارائه داده‌ایم تا از خطر شیوع گسترده این ویروس جلوگیری کنیم.»

او گفته باتوجه به این که میزان تردد از کشورهای مختلف به ایران بالاست، مراقبت‌های مرزی نمی‌تواند برای همیشه مانع ورود یک بیماری واگیر به کشور شود. او تأکید کرده که «علاوه بر مراقبت‌های مرزی معمول شامل خوداظهاری، تبسنجی و بررسی علایم مشکوک در افراد، در فرودگاه‌های کشور نیز دوربین‌های حرارتی برای شناسایی افراد مشکوک به بیماری نصب شده است.» در شرایطی وزارت بهداشت جمهوری اسلامی از انتقال اولین مورد آبله میمون از کانادا به ایران خبر داده است که برخی کارشناسان سلامت گفته‌اند که از قبل هم احتمال بروز موارد این بیماری در ایران، وجود داشته است. مثلاً علیرضا ناجی، رئیس مرکز تحقیقات ویروس‌شناسی «دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی» به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفته که «بعید نیست در کشور ما هم مواردی از این ویروس وجود داشته باشد، اما چون راه انتقال این ویروس محدود است و مانند کووید ۱۹ نیست، باید موارد مشکوک بیماری، جدی گرفته شود.»

نقل و انتقال ویروسی بین ایران و کانادا!

وزارت بهداشت جمهوری اسلامی مدعی است که اولین مورد آبله میمون از کانادا به ایران منتقل شده است. این اولین باری نیست که انتقال بیماری بین ایران و کانادا خبرساز می‌شود.

در فوریه ۲۰۲۰ و در آغاز دوران کرونا اعلام شد که یک زن مسافر ۳۰ ساله که از ایران به کانادا آمده بود، ششمین فرد مبتلا به کرونا در بریتیش کلمبیا



شما می‌توانید زندگی زناشویی خود را نجات دهید، پیش از آنکه دیر شود

کنترل کنیم و در صورت مداومت به انجام رفتارهای کنترل‌گرایانه زندگی زناشویی‌مان را در معرض فروپاشی قرار می‌دهیم. دقت کنید آنچه که می‌توانیم به دیگران بدهیم اطلاعات است هم چنین به میزانی که از رفتارهای پیونددهنده رابطه نظیر: احترام، صداقت، گوش‌دادن، حمایت کردن، و غیره استفاده کنیم احتمال آنکه بتوانیم بر روی فرد اثرگذاری داشته باشیم بالاتر می‌رود.

(۲) همچنین باید بدانیم که ما انسان‌ها به طور ژنتیکی دارای پنج نیاز اساسی هستیم که اندازه ظرف این نیازها می‌تواند در افراد مختلف متفاوت باشد. تمام رفتارهایی که در طول زندگی انجام می‌دهیم برای ارضای یک یا چند تا از این نیازهای پنج‌گانه است یکی از این نیازها، نیاز به قدرت است لازم است که بدانیم چگونه می‌توانیم با انتخاب یک رفتار مسئولانه این نیاز خود را به طور مؤثرتر ارضا کنیم به‌گونه‌ای که مانع ارضای نیاز دیگری نشویم.

(۳) در مثالی که بالاتر زده شد به نظر می‌رسد ظرف نیاز به قدرت در خانم بزرگ‌تر است اما رفتارهایی که برای ارضای نیاز به قدرت خود انجام می‌دهد مؤثر و مسئولانه نیست و به زندگی زناشویی‌شان صدمه وارد می‌کند.

اگر این مثال و مشابه آن برای شما آشنا به نظر می‌رسد لازم است که پیش از دیر شدن دست‌به‌کار شوید.

منبع: **Glaser's Choice Theory by William Glaser**



درباره نویسنده:
مهسا زالی بیگی
مدرس آموزش خانواده و فرزندپروری و دانش‌آموزخانه روان‌شناسی مشاوره است و همچنین از مؤسسه «ویلیام گلاسر» گواهی گرفته است.

حتی اگر به قیمت نابودی زندگی زناشویی تمام شود پرواضح است که نتیجه و پیامد چنین رفتاری چیزی جز فروپاشی زندگی زناشویی‌شان نیست.

آسان نیست دو انسان با وجود تفاوت در نیازها خواسته‌ها و سیستم‌های ارزشی و تفاوت‌های پایدار شخصیتی و بدون یادگیری هیچ نوع مهارتی در ساختن یک رابطه خشنود و پایدار موفق عمل کنند. مردی را در نظر بگیرید که آشفته و ناراحت و درحالی که در صندلی اتاق مشاوره فرورفته با صدایی آرام و بریده‌بریده می‌گوید هیچگاه فکر نمی‌کردم که زندگی زناشویی‌مان این‌گونه به بن‌بست برسد.

وقتی علت ماجرا را از او جویا می‌شویم این‌طور پاسخ می‌دهد که:

روز اول که او را دیدم به نظرم با تمام زنانی که در زندگیم ملاقات کرده بودم تفاوت چشمگیری داشت آدم محکم و قاطعی به نظر می‌رسید و به‌خوبی می‌توانست مجموعه‌ای را که تحت سرپرستی او بود را مدیریت کند؛ درعین حال هم صمیمی بود و مهربان. اما حالا همین ویژگی او مرا آزار می‌دهد او در خانه فکر می‌کند که من هم یکی از زیردستان او هستم و مدام سعی می‌کند مرا به انجام کاری وادار که خودم مایل به انجام آن نیستم. او فکر می‌کند در خانه هم رئیس است و من یک زیردست ساده. این مسئله مرا به شدت آزار می‌دهد بارها از او خواستم که دست از این کارش بردارد اما او مدام در حال توجیه کردن رفتارش است و می‌گوید هرآنچه که می‌گوید به صلاح زندگی مشترک ماست.

درست است ویژگی که روزی برای او جذاب به نظر می‌رسید حالا بلای جان او شده.

به نظر می‌رسد مشکل این زوج در تمایل به کنترل طرف مقابل، تفاوت در اندازه ظرف نیاز به قدرت طرفین، و عدم مهارت حل مسئله و گفت‌وگو دارد.

در اینجا باید زوجین یاد بگیرند که:

(۱) ما رفتارهای هیچ کسی را جز خودمان نمی‌توانیم

رابطه زناشویی یکی از پیچیده‌ترین روابط انسانی به شمار می‌آید برای موفقیت در چنین رابطه‌ای نیاز است که زوجین مهارت‌هایی را از پیش یاد بگیرند. بیشتر ما معمولاً مهارت‌هایی که بتوانند در بهزیستی و داشتن روابط سالم و پایدار به ما کمک کنند را آموزش ندیده‌ایم. از آنجایی که ازدواج به عنوان آغاز یک رابطه می‌تواند شروع سوءتفاهمات و از این راه سرچشمه ناخشنودی باشد یادگیری مهارت‌هایی از جمله مهارت حل مسئله، مهارت گفت‌وگو و مدیریت تعارضات مهم و حیاتی می‌شوند.

بسیاری از مشاوران و روان‌شناسانی که حوزه مهم زوج‌درمانی را به‌عنوان بخش اصلی فعالیت خود برگزیده‌اند در مورد این موضوع اتفاق نظر دارند که درمان روابط در زوجین خصوصاً آن‌هایی که دیر به زوج‌درمانگر مراجعه کرده‌اند و یا زوجینی که الگوی قالب رفتاری آن‌ها مبتنی بر مسئولیت‌گریزی است تا چه میزان دشوار و گاهی ناممکن به نظر می‌رسد. در گروه اول ما با زوجینی سروکار داریم که نسبت به نشانه‌های اولیه آسیب بی تفاوت بوده و به‌سادگی از کنار آن عبور کرده‌اند برای توصیف وضعیت چنین افرادی این مثال می‌تواند کمک‌کننده باشد: فرض کنید در بخشی از سقف خانه شما خرابی وجود دارد و در جایی دیگر لوله‌های ترکیده و آب به بیرون نشست می‌کند و شما تمام مدتی که در خانه هستید نسبت به این نشانه‌ها بی تفاوتید بعد از گذران مدتی انتظار چه اتفاقی را دارید؟ آیا بازسازی و ترمیم چنین خانه‌ای آسان به نظر می‌رسد؟ ممکن است حتی هیچ‌گاه نتوانید آن را بازسازی کنید برای اینکه برای همه چیز دیر شده است.

در گروه دوم زوج‌هایی قرار دارند که با مسئولیت‌گریزی سعی دارند همه تقصیرات را متوجه طرف مقابلشان کنند و خود را عاری از هرگونه خطا می‌دانند این افراد صحنه زندگی زناشویی را تبدیل به یک میدان مبارزه تمام‌عیار می‌کنند یک مسابقه طناب‌کشی که برای بردن در این مسابقه حاضر به انجام هر کاری هستند



توین میوز
Twin Muse
Piano Academy

Académie de Piano TwinMuse
(514) 814-1749
twinmuse.ca

استاد شیدا قره چه داغی
اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت

514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

Ottawa Persian Radio
www.PersianRadio.net

نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio
Namaashoum
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

رادپونماشوم
اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است
www.PersianRadio.net
[@namaashoum_radio](https://t.me/ottawaradio)

صابر جلیل زاده

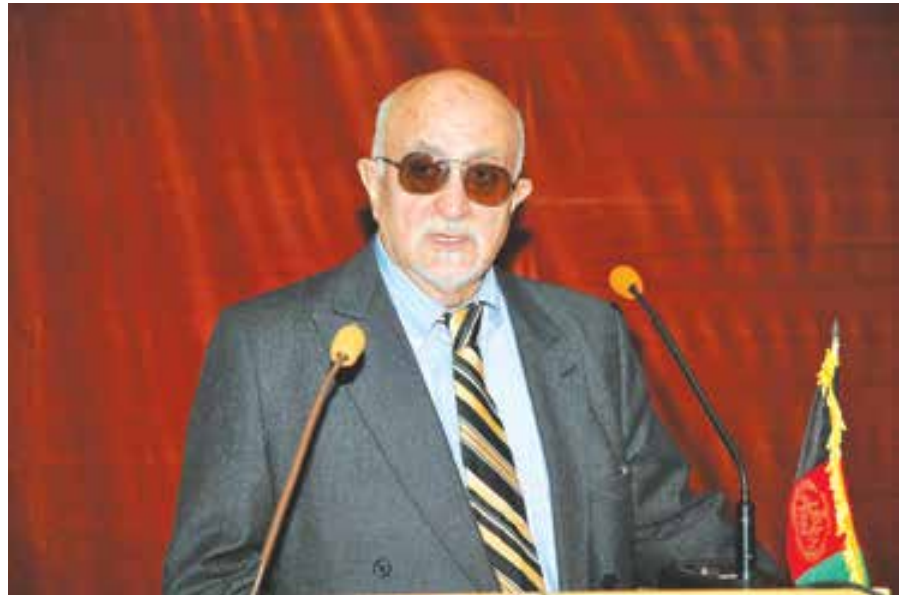
آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف

saberjallizadeh@yahoo.ca 514-549-4697



آريانا
مقاله
گزارش



به یاد اکرم عثمان، داستان‌نویس مشهور افغانستان

کردم به یاد گرفتن و فهمیدنش. چون سواد اندک داشتم، آخوندی هر روز یکی از صفحات کتاب را یاد می‌داد. من از ماجراهایی که در این کتاب می‌گذشت لذت می‌بردم. آخوند مرا می‌گفت که کتاب‌های شیرین‌تر دیگری چون یوسف و زلیخا، قصص الانبیاء، گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی نیز وجود دارند که باید بیاموزم و دنیا را را کلان‌تر کنم. من به تدریج این کتاب‌های خوب را آموختم و رفته رفته فهمیدم که قصه‌ها چه طعم شیرین و فرحبخشی دارند.»

به گفته خودش نوشتن داستان را از زمانی که در صنف چهارم ابتدایی درس می‌خواند، شروع کرد. نخستین داستانی که از او چاپ شد، «دختری پا به زنجیر» بود که مجله ژوندون در سال‌های دهه چهل خورشیدی منتشر کرد.

اکرم عثمان نوشتن را پس از ترک افغانستان نیز ادامه داد و به باور بسیاری از کسانی که با کار او آشنا هستند، از پرکارترین نویسندگان افغان در خارج از کشور بود.

موضوع داستان‌های اکرم عثمان بیشتر روایت زندگی در کوچه و بازار شهرها و روستاهای افغانستان است و او برای خلق قهرمان‌هایش از شخصیت‌ها و تیپ‌های اجتماعی و سیاسی

او نظیر «مردها را قول است» و «دریاب خان» سینماگران افغانستان فلم ساخته اند. اکرم عثمان مدتی در اکادمی علوم افغانستان به عنوان مسوول انستیتوت‌های تاریخ حضور داشت. سپس در پست‌های مختلف وزارت خارجه افغانستان به عنوان کنسول افغانستان در شهر دوشنبه تاجیکستان و سفارت افغانستان در تهران کار کرده است.

پس از سقوط رژیم کمونیستی و آغاز درگیری‌ها در کابل وی به کشور سوئد پناهنده شد و تا آخر عمر آنجا زندگی کرد. محمد اکرم عثمان، نویسنده معروف افغانستان در سن ۷۹ سالگی در شامگاه پنجشنبه، ۱۱ اگست ۲۰۱۶ در کشور سوئد درگذشت.

اکرم عثمان در سوئد با همکاری شماری دیگر از اهل شعر و ادب، انجمن قلم افغان‌های مقیم سوئد را پایه گذاشت. علاوه بر آن مجله ادبی فردا نیز در این سال‌ها زیر نظر او منتشر می‌شد.

اکرم عثمان آنگونه که خودش گفته است، از همان کودکی به ادبیات و بخصوص قصه و داستان علاقه داشت. او در آغاز کتاب «قحط‌سالی» نوشته است: «من تازه ابجدخوان شده بودم که کتاب امیر حمزه صاحبقران را از بازار کتاب‌فروشی خریدم و شروع

سالروز وفات نویسنده‌ی بی‌بدیل افغانستان داکتر اکرم عثمان در ماه اگست است. اکرم عثمان که یکی از شاخه‌های محکم درخت تنومند ادبیات فارسی به شمار می‌رود و روایت‌گر بزرگ فرهنگ افغانستان است؛ با خوانش داستان‌های زیبا از حنجره گیرای او؛ همه را و می‌داشت تا شنونده برنامه‌های ادبی رادیوی کابل باشند و داستان «نازی جان همدم من» و امثال آن را از حنجره‌ی زیبای او بشنوند.

اکنون جا دارد به معرفی این چهره برجسته ادبیات فارسی و فولکلور افغانستان پردازیم:

زندگی‌نامه‌ی داکتر اکرم عثمان

داکتر اکرم عثمان در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در شهر هرات متولد شد. پدرش غلام‌فاروق خان عثمان و پدرکلانش سپهسالار عثمان‌خان نام داشت. او در لیسه‌های استقلال و حبیبیه کابل درس خواند و در رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی تا درجه دوکتورا در دانشگاه تهران تحصیل نمود. او سال‌ها گوینده و نویسنده‌ی برخی از برنامه‌های ادبی و اجتماعی رادیو-تلویزیون افغانستان بود و مدتی هم مسؤلیت اداره‌ی هنر و ادبیات آن مؤسسه را برعهده داشت. از برخی از داستان‌های

ملموس در این کشور الهام گرفته است. آثار او سرشار از واژه‌ها و اصطلاحاتی است که در زمانی نه چندان دور در زبان کوچه و بازار مردم، بخصوص در کابل رواج داشت.

دستگیر نایل، شاعر و نویسنده‌ی افغان در مورد داستان‌های او نوشته است:

«این داستان‌ها عشق به زندگی، امید به آینده و خواندن و نوشتن را در دل انسان زنده می‌کند. قهرمان‌های ساده، عیار، جوانمرد، وفادار و عاشقش بر روی صفحات کتاب زنده قدم می‌زنند، نفس می‌کشیدند، روح داشتند و گرمای احساس‌شان را آدم حس می‌کرد.»

پرتو نادری شاعر و نویسنده مشهور افغانستان در صفحه‌اش به مناسبت سالروز وفات او چنین نوشته است:

«این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف

می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

آن روایت‌گر بزرگ، خود به روایتی بدل شد...

درختان انبوه شاخ ادبیات و فرهنگ افغانستان یگان یگان فرو می‌غلتند و سر بر خاک غربت می‌گذارند. درختان انبوه شاخ ادبیات و فرهنگ افغانستان چاره‌ی دیگری ندارند، جز آن که مرگ را پذیرا شوند، بی‌آن که زمزمه‌ی نسیم آشنایی از سرزمین خود بشنوند.

فرو افتادن هر درخت در این باغستان سوخته مصیبت بزرگی است و اما مصیبت بزرگ‌تر این که هنوز نفس مسیحایی بهار، مژده‌ی از رویش‌های تازه ندارد.

هنوز روشن نیست که تا فصل شگوفه چندین و چندین بهار فاصله است. هنوز روشن نیست که زمستان سوزان غربت چی یلداهای دردناکی دیگری را تجربه می‌کند.

وقتی خبر دردناک خاموشی آن روایت‌گر بزرگ داکتر اکرم عثمان را شنیدم، مانند آن بود که صدای فرو افتادن کاجی را شنیدم. کاجی به شکوه کاج کاشمر. تا یادم می‌آید مردی به مهربانی و شکسته‌نفسی او بسیار کم دیده‌ام.

باری چیزی نوشته بودم زیر نام «کتاب سوزان در انجمن نویسندگان افغانستان»، خوانده بود، پیامی برایم فرستاد. از این که او را در کنار نویسندگان دیگر در درون آن بخاری کتاب‌خوار دیده بودم و سطرهایی نوشته بودم، شاد بود. آن سطرها را این‌جا می‌آورم.

«صدایی از گوشه‌ی دیگر بخاری بلند شد و آن‌گاه هر دو به جست‌وجوی صدا بر آمدند و دیدند که داکتر اکرم عثمان بر بساطی از دود و خاکستر،



داستان مردها ره قول اس را با صدای گیرا و غمگینی تکرار می‌کند. حبیب و سلیمان لایق هر دو در میان خاکستر زانو زدن تا داستان را بشنوند؛ ولی هنوز داستان پایان نیافته بود که آن‌ها از مجرای تنگ دودرو به فضا بی‌کرانه رها شدند.

دل‌م برای داکتر عثمان بیش‌تر فشرده شد با خود گفتم: خداوند به این ستایش‌گر و دل‌بسته‌ی آیین عیاری و جوانمردی چه حوصله‌ی بزرگی داده است که در این روزگار بی‌مروت که پیشوایان، پیوسته قول پشت قول زیر پا می‌کنند، او هنوز در کوشش آن است تا نجابت آیین عیاری را حتا از منبر دود و خاکستر نیز فریاد بزند.»

از نوجوانی با صدای گرم و آهنگین داکتر عثمان آشنا شدم. جای دارد بگویم دکلمه‌های او در برنامه‌ی زمزمه‌های شب هنگام در پرورش ذوق شعر و شاعری در من بسیار بسیار تاثیرگذار بوده است. شعر در صدای او جان می‌یافت. او یگانه کسی است که شیوه خاصی دکلمه‌ی شعر را در افغانستان پایه‌گذاری کرد.

از همه ویژه‌گی‌های دیگر داستان‌ها و رمان‌های زنده یاد اکرم عثمان که بگذریم، آثار او گنجینه‌ی است از واژگان گویش کابلان قدیم. به همین گونه ضرب‌المثل‌ها و دیگر جلوه‌های فرهنگ شهربان کابل. از این نقطه نظر هیچ نویسنده‌ی با او مقایسه نمی‌شود.

زمستان ۱۳۶۵ که از زندان رها شدم روزی رفتم به انجمن نویسندگان، به دیدار داکتر اکرم عثمان. به دیدارش که رسیدم با چه خوش رویی و محبت مرا پذیرفت!

در این دیدار او چنان سخنان محبت‌آمیز و دل‌گرم کننده برایم گفت که چنان آب گوارای یک

چشمه‌ی دور، تمام غبار اندوه را از شیشه‌های روانم شست.

گفت: گزینه شعرهای آماده داری که چاپ کنیم؟
گفتم: بله.

زنده یاد رازق فانی که در آن زمان مسؤول بخش شعر در انجمن بود را خواست و برایش تاکید کرد که چاپ گزینه‌ی مرا در برنامه‌ی کاری سال آینده در نظر گیرد.

داکتر مسوولیت دیگری یافت و از انجمن رفت و چاپ گزینه‌ی من تا چند سال دیگر هم‌چنان در نوبت ماند.

در تمام زنده‌گی هرگز نشد که شکوه نام داکتر اکرم عثمان در ذهن من خدشه‌ی بی‌یابد. باری در نامه‌ی برایم گفته بود: همیشه گوش به آواز، بشنوم که روزی دستت به حلقه‌ی گیر کرده و از

پشاور آن جهنم سوزن به جایی رسیده‌ای!

زنده یاد داکتر عثمان در اسد ۱۳۹۵ در زیر آسمان غربت در سویدن به تعبیر خیام، با هفت هزار ساله‌گان سر به سر شد.

روانت شاد و نامت ستوده باد!

از جمله آثار متعدد اکرم عثمان، رمانی دوجلدی به نام «کوچه ما» است که صبورالله سیاه‌سنگ، پژوهشگر افغان، زمانی «کوچه ما» را بزرگ‌ترین رمان در ادبیات معاصر داستانی افغانستان خواند.

این رمان با الهام از حوادث تاریخی و سیاسی افغانستان در نیمه دوم قرن بیستم خلق شده و داستان آن در کوچه‌ای در مرکز شهر کابل می‌گذرد و قهرمان‌های آن هم تیپ‌های مختلفی هستند که در این کوچه و کوچه‌های دیگر کابل زندگی می‌کنند و هرکدام به نحوی از این حوادث متأثر می‌شوند.

تعدادی از داستان‌های کوتاه اکرم عثمان به زبان‌های آلمانی، روسی، سوئدنی و بلغاری ترجمه و بر مبنای دو داستان از او، «مرداره قول اس» و «نقطه‌ی نیرنگی»، فیلم سینمایی ساخته شده است. از آثار ماندگار داکتر اکرم عثمان از اینها می‌تواند نام برد:

وقتی نی‌ها گل می‌کنند، : انجمن نویسندگان، ۱۳۶۴

درز دیوار، : مؤسسه‌ی چاپ بیهقی، ۱۳۶۶

قحط سالی، سویدن، کلوب قلم افغان‌ها، اکتبر ۱۳۸۲

مرداره قول است، کابل، انجمن نویسندگان افغانستان، ۱۳۶۷

کوچه‌ی ما (۲ جلدی)، تهران: محمد

منبع: صفحات اجتماعی



ذبیح ثبات عضو سابق تیم ملی بسکتبال افغانستان: بعد از پیروزی تیم مان رئیس جمهور، حامد کرزای مرا به کشورم دعوت کرد

شامل آقایان (اسماعیل حسینی، اسدالله کریم زاده، نذیر احمدشاه وردک، فریدون، انور و بعضی کسان دیگر که اسمای شان فراموشم شده) بودند. درین مسابقه کاملاً به خاطر دارم که مسابقه مساویانه به پیش می‌رفت و بالاخره در لحظات آخر تیم غازی موفق شد و برای اولین بار تیم لیسه غازی در صحنه ورزش بسکتبال شهر ظاهر و به شهرت رسید. بعداً تیم غازی قهرمان تورنمنت‌های بسکتبال گردید.

انتخابم در تیم ملی بسکتبال کشور در همان سال‌ها:

مدتی بعد انتخاب تیم ملی بسکتبال کشور آغاز شد. من که بازیکن تیم غازی بودم، تشویب داشتم که از نگاه سن و سال شاید به تیم ملی انتخاب نشوم، زیرا در آن زمان حدود شانزده ساله بودم و در صنف دهم مکتب درس می‌خواندم. اما خوشبختانه در تیم ملی بسکتبال انتخاب شدم. اولین سفر ما به ریاست مرحوم حکیم رشید به اتحاد جماهیر شوروی بود. فعالیت در تیم ملی بسکتبال افغانستان ادامه پیدا کرد و سال آینده هم انتخابات شد و بعضی از اعضای تیم ملی تغییر نمود. بار دوم نیز تیم ملی به اتحاد جماهیر شوروی سفر نمود.

ترک وطن، مهاجرت، رفتن به کشور لیبیا، آلمان و تارسیدن به امریکا:

من آن وقت‌ها علاقه خاصی به امریکا و امریکا رفتن داشتم. بی‌حد تلاش کردم اما متأسفانه نتوانستم که ویزه‌ی امریکا را حاصل کنم. درین حالت من باید به خدمت عسکری می‌رفتم یا شامل پوهنتون می‌شدم؛ چون پاسپورتم دیگر تمدید نمی‌شد و شش ماه آخری‌اش بود. بالاخره راهی کشور لیبیا شدم. برای

ثبات، حکیم عمر، عطاءالله و عمر. ترینر (کوچ تیم) آقای «جان بری هل» امریکایی بود. من در وقت تفریح تیم، توپ بسکتبال را گرفتم و چند «دریبل» کردم. آن زمان کوچ متوجه حرکات من شد و با من صحبت کرد.

ابراهیم ثبات (برادرم) عضو تیم بسکتبال لیسه غازی بود و «جان بری هل» از من دعوت کرد که هفته آینده در مسابقه‌ی که در جمنازیوم پوهنتون است اشتراک کنم. من در آن مسابقه ده دقیقه بازی کردم و طرف توجه و علاقه زیادی از تماشاچیان قرار گرفتم. در صنف هشتم مکتب شامل تیم اول لیسه غازی شدم.

صنف نهم که شدم با کوچ تیم مکتب غازی که همان امریکایی بود در زمستان هفته سه روز در مکتب امریکایی‌ها (ای آی اس کا) واقع دارالامان شهر کابل تمرین می‌کردیم.

در زمستان بعدی هم چنان در همان مکتب تمرین می‌نمودیم. ترینر امریکایی ما برای رخصتی به امریکا رفت. مرا تسلیم یک ترینر بسکتبال همان مکتب نمود. آن ترینر با من روزانه شخصاً یک ساعت یا بیشتر تمرین می‌کرد. اصلاً دریبل چپ و راست و بعضی حرکت‌های تهاجمی، دفاعی و طریق شوت کردن را از همان جا یاد گرفتم.

عضویت در تیم لیسه غازی و خاطره‌ی اولین مسابقه‌ی ما:

فکر می‌کنم که سال‌های ۱۹۷۴ یا ۱۹۷۵ میلادی، مسابقات بسکتبال زمستانی تیم‌های شهر کابل در جمنازیوم پوهنتون کابل بود. اولین مسابقه تیم ما با تیم قهرمان کلب پوهنتون که

در ساختار جامعه‌ی بشری؛ پیش‌گامان و پیش‌کسوتان معمولاً نقش بسا ارزشمند، عمیق و سازنده‌ی در تمامی ساحات زنده‌گی اعم از؛ ادبیات، هنر، موسیقی، ورزش و سایر فعالیت‌های اجتماعی دارند، که نباید سهم آن‌ها را نادیده گرفت و به فراموشی سپرد.

شرح زنده‌گی ستاره‌ی درخشان ورزش بسکتبال کشور ما افغانستان را تقدیم شما عزیزان می‌نمایم؛ که در مدت کم خوب درخشید، پیشرفت شایان نمود و به سرعت نامش سر زبان‌ها افتاد. او به خاطر ی زود به شهرت رسید که بسیار جوان بود و وارد دنیای ورزش شد، زیرا در چنین سن و سال و داشتن چنین استعداد سرشار همه را متعجب نموده بود. جوان ترین عضو تیم ملی که در وقت شانزده ساله بود، ذبیح ثبات نام دارد. آدرس و نشانی از او نداشتم که بعد از تلاش و جستجوی زیاد او را در ایالت کالیفورنیا امریکا پیدا نمودم. البته زمینه تماس ما را جناب نعیم اوریا فراهم نمود صحبت‌های دوام‌دار داشتیم که ماحصل آن چنین است:

جناب ذبیح ثبات از خود سخن را چنین آغاز نمود:

متولد سال ۱۳۳۶ خورشیدی مطابق ۱۹۵۷ میلادی در شهر کابل استم. تحصیلات ابتدائیه را در مکتب جمال مینه و تحصیلات بعدی را در لیسه عالی غازی تکمیل کرده‌ام.

داستان، اینکه چگونه به ورزش بسکتبال رو آوردم چنین است:

متعلم صنف هفتم لیسه غازی بودم بعداً زظهرها درس می‌خواندم. یک روز تیم اول مکتب ما تمرین داشتند تیم متشکل بود از محترم شاه زمان، فریدون، ابراهیم

ادامه زنده‌گی، آنجا دنبال کار می‌گشتم.

جناب ثبات، از زنده‌گی تان در کشور لیبیا لطفاً بگوئید؟

در شهر «بنغازی» کشور لیبیا می‌زیستم؛ روزی توجه‌ام به طرف یک جمنازیوم جلب شد، دیدم بچه‌های هم سن و سال من آن جا بسکتبال می‌کردند. از آن‌ها خواهش کردم تا با آن‌ها چند لحظه بسکتبال کنم. قبول کردند، بعد از سپری شدن چند دقیقه علاقه‌ی خاصی به بازی‌ام نشان دادند و فوراً به مربی (کوچ) خویش تیلیفون کردند و چند دقیقه بعد مردی دریشی و نکتایی‌پوش داخل جمنازیوم شد، با من صحبت را شروع کرد. آن زمان زیاد انگلیسی بلد نبودم اما چاره شد و توانستم حل‌مطلب نمایم. همان شب مرا به منزل آمر کلان یا صاحب کلب دعوت کردند. شرایط کار و شرایط بازی کردن در کلبشان را پیشنهاد نمودند.

از اینکه وضع اقتصاد خوب نبود (کار نداشتم) فوراً پیشنهاد کلب را قبول کردم. بناً ماهوار حدود ۵۰۰ پوند برایم معاش می‌دادند. برای رفت و برگشت از منزل به کار و کلب برایم موتر و درپور داده بودند.

چون در شهر «بنغازی» سکونت داشتم؛ از من خواهش کردند که باید در تیم «بنغازی» و بعداً امکانات بود در تیم ملی لیبیا بازی کنم. اما آن‌ها اجازه را باید از افغانستان می‌گرفتند. مرحوم عثمانی زین العابدین برای من اجازه نامه را روان کرده بود.

در آن مقطع زمان من متوجه مشکلات سیاسی شدم، دیدم زنده‌گی کردن آنجا مشکل است بناً از آن جا به طرف آلمان سفر کردم. مدت دو سال در آلمان منتظر ویزه‌ی آمریکا بودم.

دو سال از عمر جوانی‌ام در آلمان گذشت به امید اینکه امروز یا فردا آمریکا می‌روم. تا اینکه! به تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۷۹ میلادی بالاخره به آمریکا رسیدم.

به آرزوی تان که اقامت در آمریکا بود رسیدید، زنده‌گی را در آنجا چگونه شروع کردید، لطفاً کمی توضیح دهید؟

با رسیدن در آمریکا در جنوب کالیفورنیا مستقر شدم. ابتدا شامل کالج گردیده و در تیم بسکتبال «سیپرس کالج» قبول شدم. چون سیستم آمریکا را بلد نبودم، شبانه کار می‌کردم زیرا وضع اقتصاد باز هم بی‌اندازه خراب بود و نمی‌توانستم به بسکتبال ادامه بدهم.

سال ۱۹۸۲ میلادی ازدواج کردم. اسم خانم سلمین و از افغانستان است. سه اولاد دارم:

دختر بزرگم آرزو، پسر امجل و دختر دوم دُرانه. در کالیفورنیا شغل تجارت شخصی دارم و در بخش

فروش خانه، املاک و اخذ قرضه خانه کار می‌کنم.

شروع دوباره ورزش بسکتبال:

وقتی که اولدهایم به سنین (۹-۱۰-۱۱) ساله رسیدند، شروع کردم به بسکتبال. اولین تیم بسکتبال را تشکیل دادم و شروع به مسابقات داخل کالیفورنیا کردم. بعداً تیم‌های کلان سال‌ها شروع شد و من به حیث کوچ تیم بودم و تیم ما چندین بار قهرمان تیم‌های افغانی در آمریکا شدند.

این موضوع بسیار بزرگ شد؛ سالانه تورنمنت‌های بسیار جالب در واشنگتن و یا کالیفورنیا گرفته می‌شد. درین زمان فدراسیون بسکتبال افغانستان که در رأس آن جناب نذیر احمدشاه وردک بود از من خواهش کرد که یک تیم از افغان‌های مقیم آمریکا ساخته و در مسابقات آسیای جنوبی قطر اشتراک کنم. خوشبختانه ما موفق شدیم که از پول خویش و آقای بیات در مسابقات شرکت نمائیم و اولین مسابقه ما مقابل تیم «هانگ کانگ» بود که تیم افغانستان برای اولین بار توانست یک تیم خارجی را شکست دهد و موفقیت به تیم افغانستان رسید.

آن زمان رئیس المپیک افغانستان جناب «جک دلک» بود با من تلفنی صحبت کرده، اظهار نمود که؛ آقای حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان نخست برای تان عرض تبریک نموده بعد دعوت نمودند که با تیم بسکتبال تان یک بار به افغانستان بی‌آئید. من چون اجازه نداشتم که جوانان را آن وقت بدون اجازه فامیل‌شان به افغانستان ببرم از دعوت‌شان معذرت خواستم.

اگر ممکن است از دست‌آوردهای ورزشی تان صحبت کنید لطفاً؟

زمانی که متعلم مکتب و عضو تیم بسکتبال لیبیا غازی بودم توانستم تا عضویت تیم ملی بسکتبال کشور را حاصل کنم. طی آن مدت، تورنمنت‌های بهاری و زمستانی متعددی دایر می‌شد.

تیم ما در چند تورنمنت بهاری و زمستانی قهرمان گردیده بود. در یک تورنمنت زمستانی مجموعه پاینت یا گول‌های به ثمر رسیده‌ی من! از مجموعه پاینت یا گول‌های زده شده‌ی یک تیم بیشتر شده بود. به همان دلیل برای من اعلان کردند افتخار اهدای توپ طلائی برایت در نظر گرفته شده است. «من نه توپ را دیدم و نه طلا را». (اگر چه می‌دانم که توپ طلائی یک لقب و افتخار آمیز است و ارزش معنوی دارد؛ که از طرف ریاست المپیک برای بهترین بازیکن داده می‌شد).

اما در طول مدت بازی بسکتبال چندین مدال به حیث قهرمانی تیم و بهترین بازی کن تورنمنت‌ها را

حاصل کرده بودم.

استعداد و مهارت‌ام را در ورزش والیبال نیز امتحان کرده‌ام. در تیم کلب کابورا بازی می‌کردم. هم چنان در تیم کابورا هندبال نیز بازی می‌نمودم. طوری که یادآور شدم؛ در زمان اقامتم در کشور لیبیا شامل کلب بسکتبال گردیده و عضویت تیم ملی آن کشور را نیز بدست آوردم. اما نظر به وضعیت سیاسی آن کشور نتوانستم آنجا زنده‌گی کنم.

در آمریکا که در تیم «کالج سیپرس» انتخاب شده بودم، اما متأسفانه نظر به مشکلات اقتصادی نتوانستم به ورزش بسکتبال ادامه دهم.

در مورد ورزش و ورزشکاران آن وقت‌ها گفتنی اگر دارید، لطف نموده آرایه کنید؟

افغانستان یکی از کشورهای عقب مانده جهان است. بیشتر مردم ما در فقر و بیچاره‌گی زنده‌گی می‌نمایند. هیچ رشته‌ی در افغانستان به قسمی که لازم بود پیش نمی‌رفت. یکی از آن‌ها ورزش بود.

ما در بسکتبال هیچ وقت ویدیوی کدام مسابقه خارجی و یا ویدیوی آموزش بسکتبال را ندیده بودیم.

(همچو گیاهی خودرو بودیم). وقتی که جهت انجام مسابقات عازم اتحادشوروی شدیم، آنجا برای ما قانون نو بسکتبال را تشریح کردند. متأثر کننده و رنج‌آور بود، که تیم ملی یک کشور از قوانین جدید بسکتبال بی‌خبر باشد! همچنان خود ریاست سپورت و تربیت بدنی غفلت می‌نمود. یادم است دفعه اول که به اتحادشوروی سفر کردیم روز پرواز متوجه شدند که ما انگیت صحتی نداریم بایستی تیم‌های که جهت انجام مسابقه رفته بودند واکسین یا به اصطلاح مردم ما (پیچکاری) شوند که شدند. بعضی از اعضای تیم‌ها به شمول خودم تب کردیم و جان درد بودیم، تمام انرژی که داشتم تمام شد.

در مورد باسکتبال‌های سابقه‌دار از سال‌های (۱۹۷۶ تا ۱۹۹۰) میلادی از دید و نظر خودم آقایان؛ شکور سروری، نعیم مسکین یار و ابراهیم ثبات (برادرم) ستایل به خصوص داشتند و توجه تماشاچیان و دوستداران ورزش بسکتبال را بیشتر جلب می‌نمودند.

جناب اسماعیل حسینی از روزی که به یاد دارم خدمات و زحمات زیاد برای رشد ورزش بسکتبال نموده است. برای من حیثیت یک رهنما و ترینر (کوچ) عالی را دارد.

جناب ذبیح ثبات با آرزوی سلامتی و موفقیت شما و سپاسگزاریم برای فرصتی که به «هفته» دادید.

SOROOR SADR **سرور صدر**
خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
 WITH APPOINTMENT
 Gestion Financière Loyale
 5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

VANTAGE
 LE GÉNÉRALISTE IMMOBILIER ET BIEN-ÊTRE

آتوسا تنگستانی فر
همراه با شما در خرید آگاهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041
 atosa.tfar@gmail.com
 8250 boul. De'carie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5

خاطره تحویل داری یکتا
مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
 گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
 khaterehyekta@yahoo.ca

الهام گرامی
 دکترای روانشناسی
 از دانشگاه آتلانتیک

- مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده و زوج
- مدرس مهارت‌های زندگی، مهارت‌های فرزند پروری
- مدرس مهارت‌های زناشویی

(514) 431 2826
Consultant & Life Coach

عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا
 دارای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران
 (تعداد نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

حسابداری و مالیات **XL-ON TAX SERVICES INC**
SERVICE D'IMPÔT XL-ON INC

خدمات مالیات برای:

- کارکنان، دانشجویان، بازنشستگان
- افراد خود اشتغال، افراد حرفه ای
- شرکتها
- ساکنین خارجی (غیر مقیم)
- ساکنین کانادا با درآمد خارجی
- سود سرمایه
- درآمد تجاری، درآمد اجاره
- جدایی از همسر
- افراد مرحوم و ...

Income Tax Services For:

- Employees, Students
- Self-employed, Professionals
- Corporations
- Non-Residents
- Foreign Income
- Capital Gains
- Business Income / Rental Income
- Separation
- Deceased & more...

با مدیریت عباس شفیعی
 لیسانس بازرگانی از دانشگاه مک گیل
 (ارشد حسابداری و مالیات)

عضو سابق انجمن حسابداران قسم خورده کانادا
 با بیش از ۲۶ سال تجربه حرفه ای در کانادا

2545 BOUL. CAVENDISH SUITE 134,
 Montréal, QC, H4B2Y9
 email: INFO@XLONTAX.COM

(514) 806 0060

هر روز هر روز

مونترال <> تورنتو <> مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخهای باور نکردنی

Montreal: 514-887-0432
Toronto: 647-822-2529

Spa Illusion
 ESTHÉTIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER

514 694-3735

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511
 Pointe-Claire, Qc H9R 4S2



خانواده
آشپزی
سرگرمی

مهسا عباس پور



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

املت شاکشوکا

	6			2	5		
	8				6	7	9
					1	2	
3	9		5	1		4	6
			8	4			
8	1		9	7		3	5
	2	1					
9	7	5					6
		8	6				9

▲ نرمال

	9		2	5	4		
		5			7		3
8						4	5
				3			1
2			8		5		6
7				1			
6		4					8
5			1			9	
			6	4	3		1

▲ متوسط

2	9	3			7	8		
6						3		
			9				7	
				5	7			
4			2	7	9		6	
		5		3				
1					8			
		7					9	
		2	7			1	5	4

▲ سخت

		5		8		6	7
		6	7			1	5
7					1		
	3		8	9	7		4
			4				8
	2	7			3	4	
1	4		5			2	

▲ خیلی سخت



یک صبح عالی می‌تواند با یک صبحانه خوشمزه شروع بشود در حالی که «املت» می‌تواند یک انتخاب خوب همیشگی برای وعده صبحانه شما باشد. «املت شاکشوکا» غذایی محبوب در خاورمیانه و آفریقای شمالی است که اصالتی تونسی دارد. این غذا در اواسط قرن شانزدهم، پس از شناخته شدن گوجه فرنگی، در آفریقای شمالی وارد سفره مردم شد.

طرز تهیه:

پیاز را نگینی خرد کرده و در تابه با کمی روغن تفت دهید تا سبک شود. فلفل دلمه‌ای متوسط را نگینی خرد کرده و به همراه سیر ریزشده، به پیاز اضافه کنید تا تفت داده شود. در این مرحله لازم است تا ادویه‌ها را به مواد اضافه کنید تا در حین تفت خوردن عطر آنها با مواد تلفیق شود. گوجه‌ها را ریز خرد کنید و به باقی مواد اضافه کنید و اجازه دهید تا با شعله متوسط آب آن کم کم کشیده شود. در آخر تخم‌مرغ‌ها را روی مواد بشکنید و حدود ۵ دقیقه اجازه دهید تا پخته شوند. املت شما آماده است. نوش جان

مواد لازم:

۱. پیاز متوسط
۲. گوجه فرنگی
۳. فلفل دلمه
۴. سیر
۵. تخم‌مرغ
۶. پاپریکا
۷. تخم گشنیز
۸. نمک و فلفل قرمز

توضیح: خانه‌های جداول روبه‌رو را با عددی ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۲۵ تا ۳۱ اوت / ۳ تا ۹ شهریور

ترجمه: خاتره تحویل‌داری یکتا

متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)



همه ما اکنون به دلیل ترکیب اثر سیارات با چالش‌های جدی مواجه می‌شویم. تقریباً می‌توان گفت در مورد شما این چالش‌ها به پول، جریان نقد، درآمد و همه چیز در رابطه با دارایی شخصی است. به طور مرتب حساب خود را چک کنید که ممکن است چیزی بر آن تأثیر بگذارد. از دارایی‌های خود در خصوص زیان، دزدی و خسارت مراقبت کنید. نسبت به شرایط آگاه باشید تا بتوانید همه چیز را کنترل کنید. در آخر هفته شرایط خوب بوده و همه این چالش‌ها فقط مربوط به گذشته هستند.

متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)



اکنون زمان آن است که شعار پیش‌آهنگ‌ها را تکرار کنیم: «آماده!» زیرا این هفته شما در خط آتش اثرات سیارات قرار دارید و بسیاری از آن‌ها با عطارد درگیر هستند. عطارد هم اکنون در موقعیت شماسا! به دلیل تضاد بین عطارد و مریخ بسیاری از شما حساس و تحریک‌پذیر بوده و هر مکالمه‌ای را چالش می‌بینید. بدترین حالت آن است که احساس می‌کنید باید در مقابل افراد مقام دار و والدین از خود دفاع کنید. در آخر هفته شرایط خوب می‌شود.

متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)



این هفته با شرایط سختی دست‌به‌گریبان می‌شوید، زیرا حاکم شما عطارد با سه سیاره دیگر در تضاد است. از طرفی عطارد در موقعیت شما پنهان است و این بدان معناست که ممکن است در مقابله با شرایطی که آزارتان می‌دهد، احساس عدم قدرت کنید. اجازه ندهید این اوضاع شما را اذیت یا ناامید کند. البته شرایط موقتی بوده و در مورد برخی از شما نقطه‌نظر منفی خودتان است. بهتر است خود را با فعالیت‌های اجتماعی مشغول کنید.

متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)



این هفته با چالش‌های بسیار در رابطه با فرزندان و همسر مواجه می‌شوید. به‌عنوان مثال این هفته زمان حادثه است و باید بیش از همیشه مراقب فرزندان خود، خصوصاً کوچک‌ترها باشید. افراد مقام‌دار یا مسن‌تر و والدین ممکن است در این زمان با شما در مورد نحوه رسیدگی کردن به پروژه‌ها یا برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و سفر برخورد جدی داشته باشند. اما نگران نباشید، به دلیل حضور ژوپیتر خوش‌یمن در موقعیت شما از حمایت‌های الهی برخوردارید.

متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)



این هفته با دقت بیشتر و بدون تردید قدم بردارید. ممکن است مشکلاتی را با اعضاء خانواده، خصوصاً والدین داشته باشید. آن‌ها از شما انتقاد کرده و با اقدامات و ایده‌های شما مخالفت می‌کنند. با این وجود ممکن است به دلیل حضور مریخ پرشور پاسخ شما هم جدی باشد. به عبارتی می‌توان گفت بیش از همیشه برای حق خود می‌جنگید. اجازه نمی‌دهید کسی چیزی را از شما بگیرد و البته بیش از همیشه حساس و تحریک‌پذیر هستید.

متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)



خورشید و عطارد این هفته در بخشی از موقعیت شما قرار دارند که «خانه» نامیده می‌شود و تا زمانی که در آنجا حضور دارند با زحل، مریخ و اورانوس در چالش هستند! این بدان معناست که احساس می‌کنید قوانین و مقررات مانع انجام آن چیزی می‌شوند که واقعاً می‌خواهید. سیاست هم ممکن است شما را به چالش بگیرد؛ بنابراین باید انتظار حوادث را داشته باشید. بهتر است کاملاً مراقب بوده و از قبل به هر آنچه که می‌گویید یا انجام می‌دهید، بیندیشید.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آلتیه مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۵۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



همه ما این هفته با چالش‌های متفاوت مواجه هستیم. در مورد شما موانعی مربوط به مسائل مالی وجود دارند. وام گرفتن در این زمان بسیار سخت است. شاید موردی در آخرین لحظه کنسل شده و شرایط را سخت کند یا بحث‌هایی در خصوص اموال مشترک و ارثیه به وجود آید. حتی ممکن است به‌سختی با شرکت‌های بیمه وارد معامله شوید. خوشبختانه دوستی نزدیک یا همسر، در تمام این موارد حامی شما خواهد بود. در آخر هفته شرایط کاملاً خوب می‌شود.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



این هفته روابط با یک دوست نزدیک، همسر و یا شریک کاری چالش‌برانگیز است. حتی شاید فکر کنید مهم نیست چه کاری انجام دهید، زیرا در نهایت به جدال می‌انجامد. این احساس باعث می‌شود به گوشه خلوت خود پناه ببرید و افسرده شوید. اما مشکلات شما در ظاهر بیشتر از آنچه هستند، می‌نمایند. اکثر آن‌ها نتیجه تعبیرات خود شماست. نباید فراموش کنید که طرف مقابل هم ناراحت است. سعی کنید با اندیشیدن به آنچه دارید، شاد باشید.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



این هفته برای همه به شکل‌های مختلف پرچالش است. در مورد شما ممکن است در روابط کاری با همکاران دچار مشکل شوید. شاید ناگهان در مسائل مربوط به کار انفجاری در مقابل شما اتفاق بیفتد. ممکن است وسایل کار خراب شوند، کار دیر تحویل شده یا اختلالی ناگهانی را تجربه کنید. اگر می‌توانید زودتر از موعد کارهایتان را انجام دهید تا در زمان مشکلات، از پیش جلو باشید. انتظار انتقاد رئیس را هم داشته باشید. خوشبختانه آخر هفته همه چیز خوب است.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



شما بسیار اجتماعی بوده و در عین حال دیگران را شاد می‌کنید. دوست ندارید آشوب به پا کنید. اما این هفته وعده اختلافات، مشکلات و تعاملات پراسترس با دیگران را می‌دهد. قطعاً نمی‌خواهید با دیگران جدال کنید. باید بدانید همه برج‌ها به دلیل شرایط فعلی با چالش مواجه هستند، اما همه چیز از روز یکشنبه عادی می‌شود. خوشبختانه با حضور ونوس در بالای موقعیت شما، در نظر دیگران خوب هستید. فراموش نکنید صبر پادشاه خشم است.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



شما مصمم‌ترین برج در میان برج‌های دوازده‌گانه هستید. این هفته با چالش‌ها و سختی‌هایی در رابطه با والدین، رؤسا، افراد مقام‌دار و پلیس مواجه می‌شوید. به‌سختی می‌توانید از جدال‌ها و ناراحتی‌ها پرهیز کنید. حتی اعضاء خانواده و والدین هم درگیر شده و مانع شما می‌شوند که این خود مشکلات دیگری را برایتان ایجاد می‌کند. اگر بتوانید سفر کنید، برایتان خوب است. مراقب باشید که در این زمان به چشم همه خواهید آمد. پس باید خوب رفتار کنید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



بسیاری از شما به ایده‌های فلسفی و سیاست علاقه‌مند هستید. به همین دلیل این هفته با موانعی در رابطه با مطبوعات، تحصیلات عالی و چاپ مواجه می‌شوید. مسائل و گرفتاری‌های حقوقی سخت خواهند بود. شاید از شرایط سیاسی یا مطالبی که در اخبار می‌شنوید، ناراحت باشید. مسائل مربوط به کار چالش‌برانگیز بوده و در مکالمات با خواهر و برادر، اقوام و همسایگان دلسرد می‌شوید. سعی کنید از خانه خارج شده و در زیر آسمان آبی فعالیت فیزیکی انجام دهید.

نازک سلیمانپور

مشاور رسمی املاک مسکونی
در استان کبک



• همکاری با تیم حرفه‌ای جهت اخذ وام مسکن
• ارزیابی رایگان ملک برای فروشندهگان
• مشاوره رایگان برای خریداران

Nazak Soleimanpour
Courtier Immobilier Résidentiel
Residential Real Estate Broker

438.872.7373
soleimanpournazak@royallepage.ca

ROYAL LEPAGE
Du QUARTIER
AGENCE IMMOBILIERE

Office: 6971 Ch. Côte-de-Liesse, RC Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z3

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی




دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q. #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای عایق‌بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش یا سیستم مدرن و کم‌مصرف

طراحی، بازدید و
برآورد رایگان

(514) 942-9969
www.amajco.ca

حکایت هفته

حقوق نجومی اسباب معیشت شیخ شیپور

شعر هفته

در ماشین از عقب یا از جلو خراب میشه

در ماشین از عقب یا از جلو خراب میشه
 اما معلوم نمیشه گاهی چطو خراب میشه
 کافیه یادت بره برنجو... رو گاز بمونه
 باشه! طوری نمیشه، فقط پلو خراب میشه
 هر جا، با هر کی، آدم نباش که شوخی بکنه
 حُب طرف یه چیز میکه، آدم بیهو خراب میشه
 داری جوهر می کشی تو خودنویس، حرف می زنی!
 جوهره... حُب می ریزه رو فرش نو، خراب میشه
 میان از مخابرات، کابلا رو برمی گردونن
 معبر عابرا تا ساعت دو خراب میشه
 کابلا رو کار می دارن، روشو می پوشونن، میرن
 فردا باز سرتاسر پیاده رو خراب میشه!
 پژو صفره! می خری، فقط یه بار تا قم میری!
 آتیشم گرفت موتور، نگو! پژو خراب میشه
 یه معما! اون کیه، حرفاشم اقتصادیه؟
 دهنش که وا میشه، وضع بورو خراب میشه؟!
 اینکه «حق با کیه» تصویب میشه اما آخرش
 همه چیز با حق نا حق و تو خرات میشه!
 می خوام از این بطوطه واسه تون حرف بزنم
 اما نه! بذار باشه، مار کوپولو خراب میشه
 هر کسی تو منطقه یه جور بلا سرش میاد
 یکی هم وقتی میشه عضو ناتو، خراب میشه
 منبع: (فیض بوک، ناصر فیض. تهران: شرکت
 انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۲. قسمتی از شعر طنز
 «در ماشین از عقب یا از جلو خراب میشه»)

میرزا آقاخان نوری به هنگام تکیه زدن بر منصب صدارت اعظمی ناصرالدین شاه، کل فک و فامیل و خاندانش را در اقصی نقاط کشور به کار دولتی گماشته بود، به نحوی که هیچ کجای مملکت نمی شد یک «نوری» را بی کار و یا در بدترین حالت «بی پول» یافت! از آنجایی که مسئول تقسیم و پخش حقوق کارمندان دولت خود شخص صدراعظم بود، وی تا آنجا که در توانش بود می کوشید تا سهم خود و خاندانش را از سفره‌ی مملکت بردارد و برای فرزندان و نوادگانش زندگانی مرفه و لاکچری طوری در ممالک خوش آب و هوای دور و نزدیک تدارک ببیند! از این رو کلنل شیل وزیر مختار وقت بریتانیا در ایران در خاطرانش راجع به حقوق های نجومی نوری و یارانش چنین گزارش می دهد که وی در زمان صدارت برای خویش سالانه مبلغ چهل و دو هزار تومان (معادل بیست هزار لیره‌ی انگلستان) حقوق و دریافتی لحاظ می کرده، در حالی که هم‌زمان رئیس‌الوزرای کشور بزرگ انگلستان تنها سالی پنج هزار لیره دریافتی داشته است! هم‌چنین در جایی دیگر نیز می آورد که رقم حقوق دریافتی حکام ایالات مختلف ایران معادل کل مواجب فرمانفرمای هندوستان است که از جانب دولت انگلستان تعیین می شده! ظاهراً ریشه‌ی حقوق های نجومی در این مملکت به خیلی سال ها پیش برمی گردد!

دربار ناصرالدین شاه قاجار به مانند دربار سایر پادشاهان و سلاطین سرخوش و بی خیال و عیاش، پر بوده است از اشخاص و افراد بی‌خاصیت و بی‌هنر اما لوده و هرزه‌گو و مسخره! از جمله یکی از معروف‌ترین دلک‌ها و مقلدین دربار ناصری شخص معممی بوده است ملقب به شیخ شیپور با شکل ظاهری عجیب و نامتوازن، عاداتی غریب و نحوه‌ی لباس پوشیدنش مسخره! می‌گویند این شخص همواره دستش به زیر پیراهن بوده است و خاش خاش شکمش را می‌خراشید و می‌خاراند و در این حال به وزیر و حاکم و شاه و شاهزاده سخنان درشت و بی‌معنی زده و غش غش می‌خندیده است! دلیل نام‌گذاری‌اش به شیخ شیپور نیز این بوده است که می‌توانسته با دهان به تقلید صدای شیپور بپردازد، هم‌چنین توانایی تقلید صدای هر نوع جانوری را داشته که عرعرش بیش از همه مشهور و مقبول بوده است! آری، همانند چنین اشخاصی، فراوان در پیرامون ناصرالدین شاه قاجار گرد آمده و در پی نام و نانی بوده‌اند!
 منبع: (نان داغ، کباب داغ، رضا بهرام‌پور. تهران: نشر قطره، ۱۳۹۷)

نکته هفته

بخندید، برقصید، ببوسید، عاشق شوید، ما فقط همین یک بار زندگی می‌کنیم. تا وقت هست بگردید و پیدا کنید اونی که دیدنش رگ‌هایتان را پر از ذوق می‌کند.

نقل قول هفته

جورج آر مارتین: کسی که کتاب می‌خواند، هزاران زندگی را قبل از مرگش زندگی می‌کند. کسی که هرگز کتاب نمی‌خواند، فقط یک بار زندگی می‌کند.

ضرب‌المثل هفته

پارسی: چاه کن همیشه ته چاه است... استونی: اعمال نیک را روی سنگ ثبت کن و اعمال بد را روی برف.

لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- 😊 آشنایی با افعال معکوس زبان فارسی: ... چون تو اگه بذارم (دقیقاً می‌ذاره) ... به خدا من که تعارف ندارم (دقیقاً تعارف داره) ... اوکی خوش بگذره (دقیقاً کوفتت بشه) ... اصلاً مسئله پولش نیست (دقیقاً مسئله پولشه) ... خیالت راحت بابا (دقیقاً نگرانیش باید باشی)
- 😊 ملت تو تابستون یه پاشون آنتالیاست یه پاشون جزایر قناری، تازه افسردگی هم دارن ... اون وقت ما اشتباهی دو تا پامون میره تو یکی از پاجه‌های شلوارمون غش می‌کنیم از خنده!
- 😊 مامان من اگه دکتر پزشکی قانونی بود ... علت نصف مرگ و میرها رو «چون شب دیر خوابیده» اعلام می‌کرد ... نصف دیگه هم «از بس سرش تو گوشه بوده»!
- 😊 دیروز موتورم را به خاطر نداشتن کلاه ایمنی ازم گرفتن ... بعد دادنش به سربازی که کلاه ایمنی نداشت که ببره پارکینگ!
- 😊 اونجا که خانم هایده میگه «اگه تو رو داشته باشم به هرچی می‌خوام می‌رسم» ... مخاطبش فقط و فقط می‌تونه پول باشه و لاغیر!

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم
 www.sharifexchange.ca
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 متوجه تر با نهان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه
514 585 2345 | 514 846 0221
 4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

Artistic Men Haircut
 by Sirous
 متخصص
 مدل های هنری
 برای آقایان
514-240 1493

کلیه خدمات عکاسی و
 فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی

STUDIO PHOTOBOOK
(514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران
 هر روز به جز دوشنبه ها مرغوب ترین گوشت و مرغ و ماهی،
 انواع برنج، چای، عرقسما، سبزی خشک و
(514) 369-3474 Marché de poisson et viande 5700 Steeles West, Montreal QC, H4A 1S1

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی
 514-624-5609 - 514-655-5609
 bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت
 حسین تر کپور، مددکار اجتماعی
 www.psynaquebec.com 514-846-8872

استخدام

استخدام در مونترال
 رستوران کباب سرا برای تکمیل کادر شعبه های خود،
 نیازمند نیروی کار با تجربه است.
 514-933-0933

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-
 کره ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می کند:
 ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی
 است.
 نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
 شکل کار: فردی، تیمی یا خانوگی
 مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی های متمول
 دریافتی شما: در حد عالی (به صورت نقدی یا چک)
 ساعات کاری: روز یا شب، کاملا منعطف
 Hiring by: Family Care Services
 Please contact Ms. Anna Lee
 514-690-7005
 Resumes to: 4familycareservices@gmail.com

گروه ساختمانی پارس در مونترال،
 جهت تکمیل کادر خود استخدام می کند.
 ردیف های شغلی:
 - منشی
 - برآوردگر
 - نصاب در ابوال
 لازم است متقاضیان محترم تسلط کامل به زبان فرانسه و آشنایی
 کافی به زبان انگلیسی داشته باشند.
 شماره تماس:
 514-887-3535
 آدرس ایمیل جهت مکاتبه و یا ارسال رزومه: info.gcpars@gmail.com

نیازمندی‌ها

با حداقل هزینه نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره‌های نوشته نشده ۵۱۴ هستند

۲۹۶-۷۳۰۶	مزگان رجبی	۵۸۸-۰۶۰۹	مهدی انصاری	اتومبیل (فروش)	
۴۶۷-۸۴۹۱	عبدالله صفوی	۸۱۳-۱۰۰۰	مهرك ايرانفر	Auto Highlander	۹۹۰-۲۵۰۰
۷۴۶-۹۳۹۹	امين طاهري	۹۷۱-۷۴۰۷	كاظم پرتوتهراني	www.autohighlander.com	
۴۳۸-۳۴۵-۵۰۶۶	فريبا عليزاده	۹۹۵-۳۰۴۱	آنوسا تنگستاني فر	1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R1P7	
بیمه - خودرو - خانه - سفر		۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار	اتومبیل - تعمیرگاه	
۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره دست (بیمه سفر)	۶۷۷-۳۹۰۰	محمود رحيمزاده	اطلس	۴۸۴-۴۴۸۱
مشاور فارسی زبان بیمه Allstate		۵۳۱-۵۹۴۶	محسن رفیعی	6000 saint jaque H4A 2E9	
۴۳۸-۷۹۶-۱۱۵۰	مهرداد ملك جمشيدی	۴۳۸-۸۷۲-۷۳۷۳	نازک سلیمان پور	شمیران	۴۸۷-۶۲۶۲
بیمه - ویزیتوری و دانشجویی		۷۳۰-۳۹۰۹	آرش شکور	آرایشگاه - زیبایی - اسپا	
۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره دست	۲۹۰-۲۲۱۰	شهره شهریان	رویا	۹۳۴-۳۳۷۴
۷۱۵-۲۴۹۴	فریده شرفی	۶۲۵-۲۵۲۵	سحر صمدایی	سیروس	۲۴۰-۱۴۹۳
پس انداز تحصیلی		۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲	رکسان صمیم	فريبا	۴۸۷-۰۸۰۰
۷۷۸-۷۳۷۷	مروارید معماریان	۹۹۶-۱۰۶۵	هلیا عارفی دوست	Spa Illusion	۶۹۴-۳۷۳۵
پزشکی - روانشناسی - مشاوره		۵۶۱-۳۵۶۱	آرزو گتمیری	ارز و صرافی	
۸۴۶-۸۸۷۲	حسین ترکپور	۵۵۷-۱۹۲۹	حامد ملکی	آپادانا	۷۳۱-۸۸۳۹
۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	لاله رهبین	۹۶۶-۹۶۸۱	الهام نیاجامی	بیستی	۸۰۶-۰۰۲۰
۴۳۱-۲۸۲۶	الهام گرامی	۲۲۲-۲۲۹۳	مانیا نیازی	پنج ستاره	۸۴۶-۰۲۲۱
ترجمه و دعوتنامه رسمی		۵۷۴-۶۱۶۲	هایک هارتونیان	شریف	۲۲۳-۶۴۰۸
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی	۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همتیان	پاسیفیک	۲۸۹-۹۰۱۱
۷۳۰-۷۴۶۲	آرزو تحویل داری یکتا	املاک - تعمیرات ساختمان		Expert FX	۸۴۴-۴۴۹۲
۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴	خاطره تحویل داری یکتا	۹۴۲-۹۹۶۹	شرکت آماج	آژانس مسافرتی	
۶۹۱-۴۳۸۳	رضا داوودی	۴۴۱-۴۲۹۵	شرکت بن	سلطان تراول	۴۸۴-۴۰۰۰
۴۳۸-۸۷۶-۴۸۲۲	حمید شورکایی	۴۶۳-۳۰۱۴	لوله کشی پتانسیل	آموزش - مدارس و موسسات	
۸۸۴-۱۰۱۶	سارا کیانی	۲۹۰-۲۹۵۹	Pars Construction Group	کالج فنی و حرفه‌ای اوپرون	۷۳۹-۳۰۱۰
۴۳۸-۹۲۰-۹۳۰۵	فیروزه مسیحا	املاک - بازرسی ساختمان		انجمن خوشنویسان	۴۷۶-۷۲۵۹
چاپ و کپی		۹۷۱-۱۳۵۹	محمود رضا اسکندری	مدرسه دهخدا	۲۵۸-۸۱۸۶
۴۸۸-۵۳۳۳	فتوکپی ان دی جی	۶۶۳-۷۲۱۵	علیرضا شریفزاده	مدرسه فردوسی	۵۰۲-۴۳۷۸
حسابداری		۵۰۸-۳۸۱۱	حسین فرهمند	کالج فنکی	۹۰۷-۵۰۷۳
۵۴۹-۱۳۴۴	حجت رستمی	املاک - وام مسکن		مدرسه وست آیلند	۶۲۶-۵۵۲۰
۸۸۶-۷۴۷۱	مهدیه سلیمی	۴۳۸-۳۹۴-۵۲۸۵	صبا المعی	آموزش - موسیقی	
۸۰۶-۰۰۶۰	عباس شفیعی	۶۰۶-۵۶۲۶	بهرروز باباخانی	استاد پیانیست قرچه داغی	۴۸۴-۸۷۴۸
۷۷۷-۳۶۰۴	سرور صدر	۹۶۲-۸۸۳۰	هومن بصیر	پیانو / فخاریان	۹۹۶-۱۶۲۰
۴۵۸-۷۵۹۹	اردشیر معین افشاری	۹۹۵-۳۰۴۱	آنوسا تنگستاني فر	پیانو / TwinMuse	۸۱۴-۱۷۴۹
۲۲۵-۳۵۰۰	Elan Accounting	۵۷۶-۵۰۲۳	کتی کرچی (Desjardins Bank)	سنتور / صابر جلیلزاده	۵۴۹-۴۶۹۷
		۸۳۴-۸۰۵۳	مهرداد مرادخانی	آموزش - زبان	
		بیمه عمر و سرمایه گذاری		دکتر رضا یاوریان	۶۵۳-۳۰۵۰
		۵۵۳-۰۹۷۸	مهدی امانی	املاک - مشاور املاک	
		۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکنژاد	محمد اجزاجی	۹۲۴-۵۰۵۵
		۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره دست	مینو اسلامی	۹۶۷-۵۷۴۳

کتاب فروشی - کتابخانه	کباب سرا - اتواتر	حمل و نقل
۴۸۵-۳۶۵۲ کتابخانه نیما	۹۳۳-۰۹۳۳ 755 Atwater Ave.	۹۳۵-۳۳۰۰ المپیک
۷۸۷-۸۸۴۰ نوروززمین	۷۶۶-۲۸۵۵ کباب سرا - نانزآیلند	۸۸۷-۰۴۳۲ قربان
محضر رسمی	7, Place de Commerce, Porte #102 Verdun	۲۳۴-۳۳۹۹ Loadex Transport
۹۰۳-۸۵۶۰ مونا صالحی	سی دی - ویدیو	داروخانه
مراکز مذهبی	۲۲۲-۳۳۳۶ تپش	۲۸۸-۴۸۶۴ پروکسیم
۸۴۹-۰۷۵۳ انجمن بهایی	عکاسی و فیلمبرداری	۵۱۹-۳۰۶۰ گل نسیم ریاحی
۳۴۱-۲۲۳۵ موسسه خوبی	استودیو رز	۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰ فارماپری لاوال
مشاور مهاجرت	استودیو فتوبوک	۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷ فارماپری لاوال
۶۳۸-۸۲۵۸ روادید	عکاسی مهنان	دندانپزشک
۲۸۹-۹۰۴۴ معصومه علی محمدی	فرش و موکت	۶۳۴-۷۲۸۱ راضیه رضوی
www.GanjiCo.com کنجی	قالی شویی و رفو	۷۳۱-۱۴۴۳ شریف نائینی
۹۰۳-۴۷۲۶ علی مختاری	فروشگاه‌ها	۹۳۳-۶۸۰۰ فریدون هرنیدیان
۷۴۸-۰۹۴۹ سهیل ملاحمدی	الامانه	رسانه‌های گروهی
نان و شیرینی	دانیکا	۸۴۸-۹۵۹۹ بازار
۶۳۴-۶۳۶۳ سنکک آذر	Exo Fruits	۹۹۶-۹۶۹۲ پیوند
۸۳۶-۵۵۵۳ کندم	A Pus Quality Nuts	۹۹۶-۱۶۲۰ ر-می
وکیل	کامپیوتر و خدمات	۸۳۴-۷۲۵۴ هفته
۹۵۳-۳۵۷۰ نیوشا ریاحی	بیزنس جلالی	رستوران - کیتترینگ
	۲۵۸-۸۱۸۶	پوشاپ (هندی)
		۷۳۷-۴۵۲۷

جای آگهی شماست



تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده‌اند.
اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.
۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

yes@RealOttawa.ca

محل‌های پخش هفته در اتاوا



سوپرمارکت آریا
613-594-3636
508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
613-563-1207
725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
613-897-6666
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما
613-695-2221
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

افغان کباب اکسپرس
613-593-8880
249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

محل جدید پخش هفته در اتاوا
دفتر مهاجرتی روادید
310 Miwate private, Unit 311, Ottawa, K1R 0E2

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca info@hafteh.ca

16. Histoire de couverture

Deux enfants sauvés par un jeune Iranien à Toronto

Masoud Nazari : se soucier de ses propres affaires c'est bien mais je crois que se soucier des autres est très important.

La réaction des Iraniens canadiens face à l'acte responsable de Masoud Nazari

■ Pegah Sharifi



Cover
NO.694

21 rapport spécial:

Shahin Shahsavari

Comment le voyage d'un couple iranien au Canada a mené à une tragédie et coûté des millions de dollars

24 Immigration:

M. Alimohammadi

Comment prouver la relation dans le programme d'immigration de parrainage de conjoint?

31 Littérature:

Alireza Kaviani

Un géant paisible en fauteuil roulant, hommage à Ahmad Shamlou

52 Economie:

Armin Arianpour

L'inflation a-t-elle atteint un sommet au Canada?

63 Afghanistan:

Habib Osman

Entretien avec Zabih Sobat, ancien membre de l'équipe nationale de basket-ball d'Afghanistan



21



24



31



52



63

Publication: Journal HafteH / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne au Canada

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Canada

25 août 2022, numéro 694

(514) 834-7254
• www.hafteh.ca
• info@hafteh.ca
• news@hafteh.ca
• ad@hafteh.ca
• ISSN 1918-4379 HafteH

HafteH will not be published on the following dates during 2022:

January 6th March 24th
July 7th October 13th

Siège social:
1980 Rue sherbrooke O
Suite#: 900
Montreal H3H 1E8

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Sepideh Salehi



le prix: \$3.50

Les frais de l'abonnement annuel: 160 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

عبدالله صفوی

مشاور مالی

بیمه و سرمایه‌گذاری



مشاوره رایگان

امروز تماس بگیرید:

(514) 467-8491

بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری‌های خاص و...

پس‌انداز تحصیلی

برنامه‌ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!



صرافی
بیستی
مونترال



Montreal
BISTI
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | www.bisti.ca | bisti@bisti.ca | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)



داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



ارسال رایگان
در بک و اونتاریو

★ Terms and Conditions May Apply

1111 Boulevard Dr. Frederik-Phillips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6

514 519 3060 438 800 3695

www.riahipharma.com info@riahipharma.com



نوشتن نسخه

توسط دکتر داروساز یا تماس با پزشک شما



واکسیناسیون



تست های پزشکی

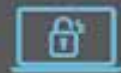


مشاوره درمانی



دریافت نسخه

از طریق وب سایت، تلفن همراه و فکس



دسترسی آنلاین

به پرونده دارویی، تجدید و یادآوری دارو



انتقال پرونده

دارویی از دیگر داروخانه ها



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارایی ارائه می‌شود

Service de Placement Disponible




روباهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Électricité
- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- برق کاری

دوره های آنلاین

- Dessin industriel
- طراحی صنعتی

امتحانات: حضوری، در دسترس و آنلاین




5460 Royalmount, Ville Mont-Royal 📍 De La Savane www.avirontech.com 514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید
- در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی

بسته خرید ویژه، مخصوص پرستاران و پزشکان عزیز



Mahdi Ansari
Courtier immobilier résidentiel
Residential Real estate Broker

GROUP IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

www.mahdiansari.com 514-588-0609
medi.ans.mtlbroker CANADA AWARDED BROKER 2020 - 2021